

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فارسی (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۵ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ تا ۵ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا سه آزمون نوبت اول، مشابه آزمون‌های که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۶ تا ۱۴ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۶ تا ۹ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۱۰ تا ۱۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۵ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. آزمون‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۹۸، شهریور ۹۸ و دی ۹۷ است.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند. در این قسمت تمام آن‌چه را

که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۹ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید! ضمناً امتحان نهایی خرداد ۹۹ را به همراه پاسخ‌نامه آن در انتهای کتاب قرار دادیم.

یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های ۱ تا ۹ آزمون‌های ۶ تا ۹ هم استفاده کنید.

فهرست



درس فارسی (۳)

نمره	موضوع‌ها	قلمروها
۱/۵	معنی واژه	زبانی (نمره ۷)
۱/۵	املاي واژه	
۴	دستور	
۳	آرایه‌های ادبی	ادبی (نمره ۵)
۲	حفظ شعر	
۴	درک مطلب	فکری (نمره ۸)
۲	معنی و مفهوم نثر	
۲	معنی و مفهوم نظم	
۲۰		جمع

نوبت	صفحه آزمون	صفحه پاسخ‌نامه	توضیحات
اول	۳	۴۷	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
اول	۶	۴۷	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
اول	۹	۴۸	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
اول	۱۲	۴۸	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی نشده)
اول	۱۵	۴۹	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
دوم	۱۸	۴۹	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
دوم	۲۱	۵۰	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده):
دوم	۲۴	۵۱	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی شده):
دوم	۲۷	۵۱	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی شده):
دوم	۳۰	۵۲	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده):
نهایی خرداد ۹۸			
دوم	۳۴	۵۲	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده):
نهایی شهریور ۹۸			
دوم	۳۷	۵۳	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده):
نهایی دی ۹۷			
دوم	۴۰	۵۳	آزمون شماره ۱۳ (طبقه‌بندی نشده):
دوم	۴۳	۵۴	آزمون شماره ۱۴ (طبقه‌بندی نشده):
درس‌نامه توپ برای شب امتحان			
دوم	۷۳	۷۷	امتحان نهایی خرداد ۹۹

نمره	نوبت اول پایه دوازدهم	کلید رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	فارسی (۳)	kheilisabz.com	ردیف
آزمون شماره ۱						
درس پنجم						
۰/۵		۱۷	مصراع زیر را به نثر روان معنی کنید. از سیم به سر یکی گله خود			
۰/۵	به مجموعه «مشاف» و «مشاف‌الیه» ترکیب اضافی گفته می‌شود.	۱۸	در بیت زیر: تو مشیت در شبت روزگاری الف) ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید. ب) هر یک از واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟		از گردش قرن‌ها پس‌افکنند	
۱		۱۹	در هر یک از موارد زیر آرایه نوشته شده در مقابل هر بیت را نشان دهید. الف) ای مادر سرسپید بشنو ب) بگریای چو ازدهای گرز		این‌پند سیاه‌بخت فرزند (کنایه و مفهوم آن) بخروش چو شرزه شیر آرغند (جناس و نوع آن)	
۰/۵		۲۰	مفهوم شعر زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟ توضیح دهید. «دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟» ۱) شو منفجر ای دل زمانه ۲) ای مادر سرسپید بشنو ۳) برکش ز سر این سپیدمعجر ۴) زمین بی‌خردان سفله بستان		وان آتش خود نهفته مینسند این‌پند سیاه‌بخت فرزند بنشین به یکی کبوداورند داد دل مردم خردمند	
درس ششم						
۰/۵		۲۱	شعر زیر را معنی کنید. در غم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد			
۰/۲۵		۲۲	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. بی‌آنک آن بزرگ، نزد حق یاد کند و عرضه دهد.			
۰/۵		۲۳	آیا آرایه ادبی «اسلوب معادله» در هر دو بیت وجود دارد؟ توضیح دهید. ● عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را ● محرم این هوش جز بی‌هوش نیست		سپیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را مر، زبان را مشتری جز گوش نیست	
۰/۵		۲۴	منظور از قسمت‌های مشخص شده چیست؟ روزها گر رفت، گو رو، پاک نیست		تو بمان ای آن که جز تو پاک نیست	
۰/۲۵		۲۵	با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. بشنو این نی چون حکایت می‌کند کز نیستان تا مرا بُنریده‌اند الف) مقصود مولوی از «نی» چیست؟ ب) «بریدن» به چه معناست؟		از جدایی‌ها شکایت می‌کند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند	
درس هفتم						
۰/۵		۲۶	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. در عشق قدم‌نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.			

ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه دوازدهم	نمره
	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه
	kheilisabz.com		
۲۷	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. به <u>حسن</u> - که مطلوب همه است - دشوار می توان رسیدن.		۰/۲۵
۲۸	در جمله زیر واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟ محبت چون به غایت رسد آن را <u>عشق</u> خوانند.		۰/۵
۲۹	پدیدآورندگان آثار زیر را نام ببرید. الف) فی حقیقه العشق ب) تمهیدات		۰/۵
۳۰	در بیت زیر کدام کلمات تضاد دارند؟ در عالم پیر هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است		۰/۲۵
۳۱	بیت‌های زیر را کامل کنید. آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل		۰/۵
۳۲	باز آن که در هویت خاموشی جنونم		۰/۵
درس هشتم			
۳۳	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. پیرمرد از داخل <u>کازیه</u> روی میز یک پاکت برداشت.		۰/۲۵
۳۴	در هریک از موارد زیر <u>نادرستی</u> املايي را بیاييد و تصحيح کنید. الف) از بیم عقرب جزاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار قاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد. ب) کلتوپاترا، مار زهردار بر بازوی خویش می‌نهد و آتش عشق بی‌امان خود را با چراغ حیاط خویش، خاموش می‌کرد.		۱
۳۵	در کدام گزینه «متمیز» وجود دارد؟ آن را مشخص کنید. ۱) پنجاه متر ارتفاع ۲) بانک اعتبارات ایران ۳) قدرت قلم نویسنده ۴) گیرایی سخن او		۰/۵
۳۶	در بیت زیر «جناس همسان (تام)» را بررسی کنید. کاووس کیانی که کسی اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کسی اش نام نهادند؟		۰/۵
درس نهم			
۳۷	گروه‌های اسمی زیر را از نظر داشتن «وابسته وابسته» بررسی کنید. الف) قلب آن کویر ب) دوست بسیار مهربان		۰/۵
۳۸	در عبارت: «بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را روشن نگه دارد.» الف) منظور از «چشم‌ها به او بود» چیست؟ ب) «گرم کردن و روشن نگه داشتن چراغ علم و ...» چه مفهومی دارد؟		۰/۲۵ ۰/۲۵
۲۰	موفق باشید	جمع نمرات	

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	نوبت اول پایه دوازدهم		آزمون شماره ۲	
۱۵	۰/۵	با توجه به بیت زیر «تشبیه» و «کنایه» را در مصراع اول مشخص کنید. در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت		
۱۶	۰/۲۵	در مصراع «همت بدرقه راه کن ای طایر قدس» واژه «همت» در چه مفهومی به کار رفته است؟		
درس پنجم				
۱۷	۰/۵	بیت زیر را به نثر روان معنی کنید. چون گشت زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند		
۱۸	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. تو قلب فسرده زمینی از درد، ورم نموده یک چند		
۱۹	۱	در موارد زیر دو نادرستی املایی دیده می‌شود. آنها را بیابید و تصحیح کنید. الف) تا وارهی از دم ستوران ب) تا درد و ورم فرونشیند پ) پفکن ز پی این اثاث تزویر ت) زین بی‌خردان سفله بستان وین مردم نحس دیومانند کافور بر آن زماد کردند بگسل ز پی این نژاد و پیوند داد دل مردم خردمند		
۲۰	۱	در بیت زیر «تشخیص» و «حسن تعلیل» را نشان داده و مختصراً توضیح دهید. تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دلیند		
درس ششم				
۲۱	۰/۵	مصراع زیر را به نثر روان معنی کنید. هر کسی از ظن خود شد یار من		
۲۲	۱	در بیت زیر قسمت‌های مشخص شده چه آرایه مشترکی دارند؟ مفهوم هر قسمت را بنویسید. هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد		
۲۳	۰/۵	مفهوم کلی بیت زیر چیست؟ درنیابد حال پخته، هیچ خام پس سخن کوتاه باید، والسلام		
۲۴	۰/۵	در کدام گزینه «اسلوب معادله» دیده می‌شود؟ دلیل خود را ذکر کنید. ۱) نی، حریف هر که از یاری بُرید ۲) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست ۳) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ ۴) نی، حدیث راه پرخون می‌کند پرده‌هایش پرده‌های مادرید مر، زبان را مشتری جز گوش نیست همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ قصه‌های عشق مجنون می‌کند		
درس هفتم				
۲۵	۰/۲۵	عبارت زیر را معنی کنید. هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند.		
۲۶	۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. در عشق، کسی قدم نهد کیش جان نیست با جان بودن به عشق در سامان نیست		
۲۷	۱	در جمله زیر نقش کلمات مشخص شده چیست؟ عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.		
۲۸	۰/۵	در بیت زیر «تشخیص» و «تضاد» را نشان دهید. در عالم پیر، هر کجا بُرنایی است عاشق بادا که عشق، خوش سودایی است		

ردیف	آزمون شماره ۲	نوبت اول پایه دوازدهم	نمره
	فارسی (۳)	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
	بیت‌های زیر را کامل کنید.		
۲۹	فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران	۰/۵
۳۰	کاین‌گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران	۰/۵
درس هشتم			
۳۱	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. این، مخارج قریب شش ماه من بود.		۰/۲۵
۳۲	در گروه‌های زیر وابسته و وابسته را مشخص کنید و نوع آن را بنویسید. الف) ده فرسخ راه ب) دوران حکومت سرهنگ‌ها پ) دموکراسی قرن بیستم	«وابسته وابسته» پنج نوعه، ممیز، منفعت منفعت، ...	۱/۵
۳۳	در بیت: صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب الف) منظور از «جفا دیدن» چیست؟ ب) چه مفهومی از این بیت دریافت می‌شود؟	تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند	۰/۲۵ ۰/۲۵
۳۴	با توجه به عبارت زیر، چه عاملی امپراتوری‌های بزرگ را از بین برده است؟ «امپراتوری‌های بزرگ هم، مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند.»		۰/۵
۳۵	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. پا به رکاب گذاشتم و روان شدم.		۰/۵
درس نهم			
۳۶	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید.		۰/۲۵
۳۷	در کدام گزینه تلمیح دیده می‌شود؟ توضیح دهید. ۱) چنان که می‌گویند هم بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند. ۲) نزدیک هشتاد سال پیش، مردی فیلسوف و فقیه به این ده آمد. ۳) ناله‌های آن امام راستین و بزرگم را می‌شنوم که سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست. ۴) آن شب نیز ماه با تلالؤ پرشکوهش رسید و گل‌های الماس شکفتند.		۰/۵
۳۸	با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها، پاسخ دهید. «تاریخ بیهق از شاعران و دانشمندان و مردان فقه و حکمت و شعر و ادب و عرفان و تقوای مزینان یاد می‌کند. در آن روزگاری که باب علم بر روی فقیر و غنی، روستایی و شهری باز بود و استادان بزرگ حکمت و فقه و ادب، نه در «ادارات» که در عُرفه‌های مساجد یا مدرّس‌های مدارس می‌نشستند.» الف) دو ویژگی مردم مزینان را ذکر کنید. ب) نویسنده کدام تفاوت میان علم‌آموزی گذشته و امروز را بیان کرده است؟	در سؤالات این‌هینتی، پاسخ در متن سؤال اومده، فقط باید با دقت چند بار متن سؤال رو بخونی.	۰/۵ ۰/۵
۳۹	در عبارت زیر منظور از قسمت‌های مشخص شده چیست؟ «به آب چشمه دست نمی‌توان برد. ماست را با چاقو می‌بریم. پشم گوسفندان را گل و گیاه رنگین کرده است. بوی شیدرِ دوچین، هوا را عطرآگین ساخته است. گندم‌ها هنوز خوشه نبسته‌اند. صدای بلدرچین یک‌دم قطع نمی‌شود. جوجه کبک‌ها، خط و خال انداخته‌اند.»		۰/۵
۲۰	موفق باشید	جمع نمرات	

ردیف	آزمون شماره ۳	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
		قلمرو زبانی (۷ نمره)				
		الف) واژگان (۱/۵ نمره)				
		معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.				
۱	۰/۲۵	مُحْتَسِبِ مستی به ره دید و گریبانش گرفت				
۲	۰/۲۵	از سیم به سر یکی گله خود				
۳	۰/۲۵	جفت بدحالان و خوش حالان شدم				
۴	۰/۲۵	حیات از عشق می‌شناس و مِمات بی‌عشق می‌یاب.				
۵	۰/۲۵	خسته از نشئه خوب و پاک آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتیم.				
۶	۰/۲۵	جزیره‌ها مثل وصله‌های رنگارنگ بر طیلسان آبی مدیترانه دوخته شده بود.				
		ب) املا (۱/۵ نمره)				
۷	۱	در میان گروه کلمات زیر نادرستی‌های املائی را یافته و تصحیح کنید. «الاج تور - محصل و دانشجو - غایت‌القصوای مقصود - دیوارهای قطور - جبل الطارق - تاق ضربی - سوء هاضمه - پیر مغان - خزر فرخنده‌پی - جنگ عظیم - طبق خاک - آمان و آتن»				
۸	۰/۵	در کدام گزینه نادرستی املائی وجود دارد؟ تصحیح کنید. ۱) سینه خواهم شرهه‌شرهه از فراق ۲) هر کسی از ظن خود شد یار من ۳) نی حدیث راه پرخون می‌کند ۴) حق تعالی، بنده‌ای را گزید و مستغرق خود گردانید.				
		ب) دستور (۴ نمره)				
۹	۱	در هر یک از موارد زیر، کدام بخش حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید. الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد				
۱۰	۱	در هر یک از موارد زیر ابتدا «وابسته و وابسته» را مشخص کنید، سپس نوع آن را بنویسید. الف) خوشنویس بسیار ماهر: (ب) کشاورز همین روستا:				
۱۱	۰/۵	در ابیات زیر کدام دو واژه معادل معنایی یکدیگرند؟ سریر مُلک، عطا داد کردگار تو را برکش ز سر این سپیدمعجر به جای خویش دهد هر چه کردگار دهد بنشین به یکی کبوداورند				
۱۲	۱	در کدام گزینه جمله‌ای با مفعول و مسند آمده است؟ اجزای آن را مشخص کنید. ۱) محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند. ۲) عشق خاص‌تر از محبت است، زیرا که همه عشقی، محبت باشد. ۳) پس چون نیک اندیشه کنی همه طالب حُسن‌اند. ۴) آنگاه بر بنده عاشق باشد و بنده را گوید: تو عاشق و محب مایی.				
۱۳	۰/۵	نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید. گفت از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم گفت پوسیده است جز نقشی ز پود و تار نیست				

ردیف	آزمون شماره ۳	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
		قلمرو ادبی (۵ نمره)				
		الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)				
۱۴		با توجه به ابیات زیر قالب شعر را مشخص کنید و دلیل آن را توضیح دهید. محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی» گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی برم»		مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است، افسار نیست» گفت: «جرم راه‌رفتن نیست ره هموار نیست» گفت: «رو صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست»		۰/۵
۱۵		آرایه ادبی مشترک بیت‌های زیر چیست؟ توضیح دهید. عشق چون آید بَرَد هوشِ دلِ فرزانه را محرم این هوش جز بی‌هوش نیست		دزد دانا می‌گشود اول چراغ خانه را مَر، زبان را مشتری جز گوش نیست		۱
۱۶		با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. تا وارهی از دم سُتوران باشیر سپهر بسته پیمان		وین مردم نحس دیومانند با اختر سعد کرده پیوند		
۰/۲۵		الف) شاعر علت بلندی دماوند را رهاشدن از دست مردم می‌داند، این امر کدام آرایه ادبی را پدید آورده است؟ ب) «مشبه» را نشان دهید. پ) کدام کلمات «استعاره» ساخته‌اند؟ مفهوم آنها چیست؟				۰/۲۵ ۰/۵
۱۷		در عبارت زیر «جناس ناهمسان (ناقص) و سجع» را نشان دهید. «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»				۰/۵
۱۸		ب) حفظ شعر (۲ نمره) ابیات زیر را کامل کنید.				
۰/۵		الف) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد ب) ای جویبار جاری! زین سایه‌برگ مگریز				۰/۵
۱۹		در هر یک از موارد زیر، گزینه درست را انتخاب کنید. الف) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر ۱) در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی ب) وجه خدا اگر شودت منظر نظر ۱) زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی پ) باز آ که در هوایت خاموشی جنونم ۱) فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران ت) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران ۱) لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره‌باران		۲) کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی ۲) در دل مدار هیچ که زیر و زیر شوی ۲) بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران ۲) بیداری ستاره در چشم جویباران		۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵

نمره	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	فارسی (۳)	ردیف
			آزمون شماره ۳	
			قلمرو فکری (۸ نمره)	
			الف) درک مطلب (۴ نمره)	
۰/۵			۲۰ با توجه به عبارت و سروده زیر «دولت مُستعجل» چه مفهومی دارد؟ <ul style="list-style-type: none"> آخرین چراغ امپراتوری روم را موسولینی روشن کرد اما همه می‌دانیم که «دولت مُستعجل» بود. راستی خاتم فیروزه بواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مُستعجل بود 	
۰/۵			۲۱ در مصراع دوم بیت زیر شاعر به چه کسانی اشاره می‌کند؟ همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است	
۰/۵			۲۲ در بیت زیر قسمت مشخص شده به کدام ویژگی حاکمان اشاره دارد؟ گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»	
۰/۵			۲۳ در عبارت «دیگر روز هرگاه ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند» منظور از قسمت مشخص شده چیست؟	
۱			۲۴ هر یک از مفاهیم زیر، در کدام بیت دیده می‌شود؟ <ul style="list-style-type: none"> دشوار و پرخطر بودن راه عشق نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق الف) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد ب) نی حدیث راه پرخون می‌کند پ) روزها گر رفت، گو رو، باک نیست ت) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست هر که بی‌روزی است روزش دیر شد قصه‌های عشق مجنون می‌کند تو بمان ای آن که جز تو پاک نیست مر، زبان را مشتری جز گوش نیست	
۱			۲۵ مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید. <ul style="list-style-type: none"> در عشق، کسی قدم نهد کیش جان نیست من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم با جان بودن به عشق در سامان نیست حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو	
			ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره)	
			عبارات زیر را به نثر روان معنی کنید. آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند.	
۰/۵			۲۶ هنگام چریغ آفتاب کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اتراق می‌کردیم.	
۰/۵			۲۷ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مُستغرق شده.	
۱			پ) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره)	
			اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.	
۰/۵			۲۹ آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است	
۰/۵			۳۰ برکش ز سر این سپیدمعجر بنشین به یکی کبوداورند	
۱			۳۱ محرم این هوش، جز بی‌هوش نیست مر، زبان را مشتری جز گوش نیست	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		

ردیف	آزمون شماره ۴	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
						نوبت اول پایه دوازدهم
						قلمرو زبانی (۷ نمره) الف) واژگان (۱/۵ نمره)
۱						معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید. چون محبت به غایت رسد آن را عشق خوانند.
۲						دست <u>ینابت</u> به امید <u>اجابت</u> به درگاه حق - <u>جَلّ</u> و <u>علا</u> - بردارد.
۳						همه می‌دانیم که دولت <u>مستعجل</u> بود.
۴						بنده‌ای را <u>گزید</u> و <u>مستغزق</u> خود گردانید.
۵						تو مشّت درشت روزگاری از گردش قرن‌ها <u>پس‌افکند</u>
۶						صفای <u>آهورایی</u> آن همه زیبایی‌ها، به این علمِ عددیینِ مصلحت‌اندیش، آلود.
						ب) املا (۱/۵ نمره)
۷						در کدام گزینه <u>نادرستی</u> املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. ۱) به حسن که مطلوب همه است دشوار می‌توان رسید. ۲) <u>اَوّل</u> پایه، معرفت است و دوم پایه، محبت است و سیم پایه، عشق. ۳) عشق بنده را به خدا رساند پس عشق از بحر این معنی، فرض راه آمد. ۴) حیات از عشق می‌شناس و ممات از عشق می‌یاب.
۸						در میان گروه کلمات زیر <u>نادرستی</u> ‌های املائی را بیابید و تصحیح کنید. «ارگ مزینان - باغستان و مزرعه - غرفه‌های مساجد - ملا هادی اسرار - غوغا و فریب - شیعه گمنام و فریب - نظاره آسمان - تلالو ماه - تلقی و تعبیر - نشئه‌های سرشار از شعر - عبدیت پر از قدس - سُموم سرد»
						پ) دستور (۴ نمره)
۹						در عبارت زیر دو مورد «وابسته و وابسته» بیابید و نوع آنها را مشخص کنید. چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید.
۱۰						در ابیات زیر کدام کلمات معادل معنایی یکدیگرند؟ دردناک است که در دام شغال افتد شیر زین بی‌خردان سفله بستان یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم دادِ دلِ مردم خردمند
۱۱						نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) <u>نالَه</u> مرغ اسیر این همه بهر وطن است ب) آن کسی را که در این ملک، <u>سلیمان</u> کردیم مَسَلک مرغِ گرفتارِ قفس، همچون من است مَلّت امروز یقین کرد که او اهرمن است
۱۲						در عبارت زیر نقش هر دو ضمیر «م» را نشان دهید. بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.
۱۳						انواع «و» را در عبارت زیر بررسی کنید. شهر را و گیرودار شهر را رها کرد و چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد.
						قلمرو ادبی (۵ نمره) الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)
۱۴						در موارد زیر، قسمت‌های مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟ الف) بارانِ رحمتِ بی حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمتِ بی دریغش همه‌جا کشیده. ب) گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم گفت: «رو صبح آیی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»

ردیف	آزمون شماره ۴	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
						نوبت اول پایه دوازدهم
۱۵	در کدام گزینه واژه‌ای در مفهوم «نمادین» به کار رفته است؟ مفهوم آن را بنویسید. (۱) هر چه موجودند از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند. (۲) عشق خاص‌تر از محبت است، زیرا که همه عشقی، محبت باشد. (۳) اول‌پایه، معرفت است و دوم‌پایه، محبت و سیم‌پایه، عشق. (۴) پروانه، قوت از عشق آتش خورد؛ بی‌آتش، قرار ندارد.					۰/۵
۱۶	در هر یک از موارد زیر آرایه نوشته شده در مقابل هر بیت را نشان داده و توضیح دهید. الف) از سیم به سر یکی گله‌خود ز آهن به میان یکی کمر بند (استعاره) ب) تو قلب فسرده زمینی از درد، ورم نموده یک چند (تشبیه)					۰/۵ ۰/۵
۱۷	مجازی یا حقیقی بودن مفهوم واژه‌های مشخص شده را بررسی کنید. الف) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است ب) مسلك مرغ گرفتار قفس، همچو من است					۰/۵ ۰/۵
						(ب) حفظ شعر (۲ نمره)
۱۸	در هر یک از موارد زیر واژگان را مرتب کرده و بیت را کامل بنویسید. الف) غریق - یک‌دم - گمان - خدا - بحر - مبر - شو / یک - آب - بحر - به - تر - کز - هفت - موی - شوی ب) حقایق - عشق - در - مکتب - ادیب - پیش / پدر - هان - بگوش - ای - که - روزی - شوی - پسر					۰/۵ ۰/۵
۱۹	ابیات زیر را کامل کنید. الف) دیوار زندگی را زین‌گونه یادگاران ب) این نغمه محبت، بعد از من و تو ماند					۰/۵ ۰/۵
						قلمرو فکری (۸ نمره) الف) درک مطلب (۴ نمره)
۲۰	ارتباط معنایی موارد زیر را بنویسید. الف) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست ب) پروانه، قوت از عشق آتش خورد، بی‌آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند.					۱
۲۱	مفهوم مشترک موارد زیر چیست؟ ● هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد ● واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای					۱
۲۲	هر یک از مفاهیم زیر، در کدام بیت دیده می‌شود؟ ● اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق: ● مهم‌تر بودن عشق از همه چیز حتی عمر: الف) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد ب) نی حدیث راه پرخون می‌کند پ) روزها گر رفت، گو رو باک نیست ت) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست هر که بی‌روزی است روزش دیر شد قصه‌های عشق مجنون می‌کند تو بمان ای آن که جز تو پاک نیست مَر، زبان را مشتری جز گوش نیست					۱
۲۳	در بیت زیر، شاعر خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟ انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی، موافق ثابت‌قدم نداشت					۰/۵

نمره	ردیف	آزمون شماره ۴	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
۰/۵	۲۴	با توجه به عبارت زیر دو ویژگی شخصی که توصیف می‌شود را بنویسید. «همان پدری که اسب‌هایش اسم و رسم داشتند. همان پدری که ایلخانی قشقای بر سفره رنگینش می‌نشست. همان پدری که گل‌های رنگارنگ و ریز و درشت داشت و فرش‌های گران‌بهای چادرش زبازد ایل و قبیله بود.»				
		(ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره) عبارت‌های زیر را معنی کنید.				
۰/۲۵	۲۵	قندیل زیبای پروین سر زد.				
۰/۲۵	۲۶	سودای عشق از زیرکی جهان، بهتر ارزد.				
۰/۵	۲۷	تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.				
۱	۲۸	چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید؛ از تو چون یاد کنم؟! (ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره) اشعار زیر را معنی کنید.				
۰/۵	۲۹	تا چشم بشر نبیند روی		بِنَهْفَتَه به ابر، چهر دل‌بند		
۰/۷۵	۳۰	گفت: «آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه»		گفت: «در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست»		
۰/۷۵	۳۱	آیین طریق از نفس پیر مغان یافت		آن خضر که فرخنده‌پیش نام نهادند		
۲۰		جمع نمرات		موفق باشید		

مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
نمره	نوبت اول پایه دوازدهم		آزمون شماره ۵	
				قلمرو زبانی (۷ نمره)
				الف) واژگان (۱/۵ نمره)
				با توجه به عبارات و اشعار زیر، معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
۰/۲۵	۱	تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.		
۰/۲۵	۲	گفت: «تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب»		
۰/۲۵	۳	نالۀ مرغ اسیر، این همه بَهرِ وطن است		
۰/۲۵	۴	آدم‌های ثروتمند معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند.		
۰/۲۵	۵	آب را تا مزرعه مشایعت می‌کنند.		
۰/۲۵	۶	در عالم پیر، هر کجا بُرنایی است	عاشق بادا که عشق، خوش سودایی است	
				ب) املا (۱/۵ نمره)
۰/۵	۷	در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۱) سیصد تومان پول مجموعاً تهیه کرده بودم و این، مخارج غریب شش ماه من بود. (۲) گفتم حواله سیصد تومان برای تهران لازم دارم. او گفت پول را بده. بگویم شما که هستید؟ (۳) از جانب او فاتحه‌ای برای این نویسنده بزرگ طلب کنم. (۴) از بیم عقرب جرّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیة حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.		
۱	۸	در میان گروه کلمات زیر چند نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. «معمور و محتسب - سرای والی - داروغه و نگهبان - غرامت و تاوان - ننگ و آر - حد و مجازات - واعظ و نصیحت‌گو - تزویر و دورویی»		
				پ) دستور (۴ نمره)
۰/۵	۹	نقش دستوری کلمات مشخص شده را در مقابل آنها بنویسید. الف) آیین طریق از نفسِ پیر مغان یافت ب) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آن خضر که فرخنده‌پیش نام نهادند آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت		
۱	۱۰	تفاوت معنایی واژه «همت» را در ابیات زیر بررسی کنید. الف) همت اگر سلسله‌جنبان شود ب) همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس مور تواند که سلیمان شود که دراز است ره مقصد و من نوسفرم		
۱	۱۱	در هر یک از موارد زیر یک «وابسته وابسته» بیابید و نوع آن را مشخص کنید. الف) نی حدیث راه پرخون می‌کند ب) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست قصه‌های عشق مجنون می‌کند مَر، زبان را مشتری جز گوش نیست		
۱	۱۲	کاربرد معنایی متفاوت فعل «نیست» را در موارد زیر مشخص کنید. الف) گفت: «نزدیک است والی‌راسرای، آنجا شویم» ب) هر دلی از سوز ما آگاه نیست گفت: «والی از خانه حَمَار نیست؟» غیر را در خلوت ما راه نیست		
۰/۵	۱۳	در مصراع «آتش است این بانگ نای و نیست باد» نوع جملات (ساده یا مرکب) را مشخص کنید.		
				قلمرو ادبی (۵ نمره)
				الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)
				با توجه به ابیات زیر:
		چون گشت زمین ز جور گردون پنواخت ز خشم بر فلک مشت	سرد و سیه و خموش و آوند آن مشت تویی تو ای دماوند	

نمره	ردیف	آزمون شماره ۵	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
۰/۵		الف) آرایه ادبی «حسن تعلیل» را نشان دهید.				
۰/۲۵		ب) کدام ترکیب یا عبارت آرایه ادبی «تشخیص» را پدید آورده است؟				
۰/۲۵	۱۵	در بیت‌های زیر قسمت‌های مشخص شده چه آرایه‌ای دارند؟				
۰/۲۵		الف) آتش عشق، او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند.				
۰/۲۵		ب) به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیه اصحاب را.				
۰/۵	۱۶	مجازی یا حقیقی بودن مفهوم واژه‌های مشخص شده را بررسی کنید.				
۰/۵		الف) بدین شکسته بیت‌الْحَزَن که می‌آرد نشان یوسف دل، از چیه زَنخدانش؟				
۰/۵		ب) در بیت‌الْحَزَن درآمد و نالید چنان چه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود بنالید.				
۰/۲۵	۱۷	هر یک از موارد زیر کدام آرایه ادبی را دارد؟ «متناقض‌نما - تلمیح - جناس همسان»				
۰/۲۵		الف) نی، حریف هر که از یاری بُرید				
۰/۲۵		ب) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟				
۰/۲۵		پ) نی، حدیثِ راهِ پُرخون می‌کند				
		پرده‌هایش پرده‌های ما درید همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ قصه‌های عشقِ مجنون می‌کند				
		ب) حفظ شعر (۲ نمره)				
	۱۸	ابیات زیر را کامل کنید.				
۰/۵		الف) از پای تا سرت همه نور خدا شود				
۰/۵		ب) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران				
۰/۲۵	۱۹	هر یک از مصراع‌های زیر را مرتب کنید.				
۰/۲۵		الف) زین - نماند - پس - که - شوی - شکی - صاحب‌نظر				
۰/۲۵		ب) جویبار - مگریز - جاری - زین - ای - سایه‌برگ				
۰/۲۵	۲۰	مصراع دوم ابیات زیر کدام گزینه است؟				
۰/۲۵		الف) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود				
۰/۲۵		ب) گر در سرت هوای وصال است حافظا				
۰/۲۵		الف) در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی				
۰/۲۵		ب) زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی				
		۱) در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی ۲) بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی				
		۱) زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی ۲) باید که خاک درگه اهل هنر شوی				
		قلمرو فکری (۸ نمره)				
		الف) درک مطلب (۴ نمره)				
۱	۲۱	مفهوم مشترک سروده و عبارت زیر را بنویسید.				
		■ در کف‌ها کاسه زیبایی / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می‌بر با پای دگر				
		■ شهر را و گیرودار شهر را رها کرد و چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد.				
۰/۵	۲۲	در عبارت «در عشق قدم‌نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند» به کدام ویژگی عاشق اشاره شده است؟				

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۲)	ردیف
		نوبت اول پایه دوازدهم	آزمون شماره ۵		
۰/۵			در کدام گزینه «دعوت به مبارزه با ظلم» دیده می‌شود؟ کوتاه توضیح دهید.		۲۳
			۱) تا چشم بشر نبیندت روی ۲) تو مشت درشت روزگاری ۳) ای مشت زمین بر آسمان شو ۴) تو قلب فسرده زمینی		
			پنهفته به ابر، چهر دل‌بند از گردش قرن‌ها پس‌افکند بر وی بنواز ضربتی چند از درد ورم نموده یک چند		
				با توجه به ابیات زیر:	۲۴
			از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند لیک، چشم و گوش را آن نور نیست	کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند سر من از ناله من دور نیست	
۰/۵				الف) منظور از «بریدن» و «سر» چیست؟	
۰/۵				ب) کلمات مشخص شده چه مفهومی دارند؟	
۰/۵				مفهوم کلی عبارت زیر را در چند کلمه بنویسید. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ».	۲۵
۰/۵				ارتباط مفهومی ابیات زیر را توضیح دهید. گفت مست: «ای محتسب بگذار و رو گفت: «از بهر غرامت جامهات بیرون کنم»	۲۶
			از برهنه کی توان بردن گرو؟ گفت: «پوسیده است جز نقشی ز بود و نار نیست»		
				ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره) عبارت‌های زیر را معنی کنید.	
۰/۲۵				چه استبعادی دارد.	۲۷
۰/۲۵				هم بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند.	۲۸
۰/۵				به عالم عشق نتوان رسیدن، تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.	۲۹
۰/۵				آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلی و قرب باشد، مرا یاد کن.	۳۰
۰/۵				وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.	۳۱
				ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره) اشعار زیر را معنی کنید.	
۰/۵				نی‌نی تونه مشمت روزگاری	۳۲
۰/۷۵				ای کوه نیام ز گفته خرسند	
۰/۷۵				خانهای کاو شود از دست اجانب آباد	۳۳
				ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت الحزن است	
۰/۷۵				گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»	۳۴
				گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید			

ردیف	آزمون شماره ۶	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	درس اول					
۱	عبارت زیر را معنی کنید. دستِ اِنابت به امیدِ اِجابت به درگاهِ حق - جَلَّ و غلا - بردارد.	۵- /				
۲	در عبارت زیر قسمت مشخص شده چه آرایه‌ای دارد؟ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده و در بحر مکاشفت مستغرق شده.	۲۵- /				
	درس دوم					
۳	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»	۲۵- /				
۴	درباره ارتباط موضوعی متن درس «مست و هشیار» با بیت زیر توضیح دهید. «دور شو از بزم ای واعظ و بیهوده مگوی من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم»	۵- /	برای پاسخ‌دادن به این شکل سوالات قتماً باید مفهوم کلی هر درس رو بلد باشی!			
۵	بیت زیر را کامل کنید. بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود	۵- /				
	درس سوم					
۶	در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۱) ناله مرغ اسیر، این همه بحر وطن است (۲) همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد (۳) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن (۴) با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است	۵- /	مسلک مرغ گرفتارِ قفس، همچو من است خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است پدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است ما را فراغتی است که جمشیدِ جَم نداشت			
۷	بیت زیر را به زبان معیار مرتب کنید. فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش بنمایید که هر کس نکند، مثل من است	۵- /				
	درس پنجم					
۸	بیت زیر را معنی کنید. بُفکن ز پی این اساس تزویر بُگسل ز پی این نژاد و پیوند	۵- /				
۹	شعر «دماوندیه» اثر محمدتقی بهار در قالب سروده شده است.	۲۵- /				
	درس ششم					
۱۰	آرایه‌های «جناس» و «اسلوب معادله» را در بیت‌های زیر نشان داده و توضیح دهید. الف) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست ب) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را لیک، کس را دید جان دستور نیست سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را	۵- /				
	درس هفتم					
۱۱	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. عاشقی، بی‌خودی و بی‌رایی باشد.	۲۵- /				
۱۲	جمله «آن را عشق خوانند» دارای کدام ساختار است؟ (۱) نهاد + مفعول + متمم + فعل (۲) نهاد + متمم + مسند + فعل (۳) نهاد + مفعول + فعل (۴) نهاد + مفعول + مسند + فعل	۲۵- /				
۱۳	بیت زیر را کامل کنید. لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران	۵- /				

شماره	نوبت دوم پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلید رشته‌ها	فارسی (۲)
ردیف	آزمون شماره ۶			
۱۴	۰/۲۵	<p>درس هشتم</p> <p>در عبارت زیر مفهوم قسمت مشخص شده چیست؟ به قول بیرجندی‌ها، در این دو شهر تنها یک سرپری زدیم.</p>		
۱۵	۰/۵	<p>در عبارت «کرانه‌های فرات، خط، از کرانه رود تیسر می‌خواندند» منظور از «خط خواندن» چیست؟</p>		
۱۶	۱	<p>درس نهم</p> <p>در عبارت زیر دو وابسته وابسته بیابید و نوع آنها را مشخص کنید. «صحبت مزینان بود. نزدیک هشتاد سال پیش، مردی فیلسوف و فقیه که در درس مرحوم حاجی ملا هادی آسرار - آخرین فیلسوف از سلسله حکمای بزرگ اسلام - مقامی بلند و شخصیتی نمایان داشت، به این ده آمد تا عمر را به تنهایی بگذارد.»</p> <p><i>وابسته وابسته یکی از سوالات هتمی هم در امتحانات نوبت اول و هم امتحانات نوبت دوم فواید بود، پس یادگرفتنش ضروریه.</i></p>		
۱۷	۰/۵	<p>درس دهم</p> <p>عبارت زیر را معنی کنید. نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو، میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.</p>		
۱۸	۰/۵	<p>در بیت زیر کدام واژه دارای هم‌آوایی در زبان فارسی است؟ معنای هر دو واژه را بنویسید. غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو</p>		
۱۹	۰/۲۵	<p>درس یازدهم</p> <p>عبارت زیر را معنی کنید. از جا کنده شدم و به سمت شما دویدم.</p>		
۲۰	۱	<p>در گروه کلمات زیر نادرستی‌های املائی را بیابید و تصحیح کنید. «مصر بودن - سراق گرفتن - ثلث سوم - حمایل کردن - کز کردن - عجیب و غریب - جذب دیدار - خبر قابل ارض - متقاعد کردن»</p>		
۲۱	۰/۵	<p>بیت زیر را کامل کنید. خورشید، بی‌حفاظ نشسته به روی خاک؟</p>		
۲۲	۰/۲۵	<p>درس دوازدهم</p> <p>معنی واژه مشخص شده را بنویسید. به دستور فرمود تا ساروان هیون آزد از دشت، صد کاروان</p>		
۲۳	۰/۵	<p>«سجع» را در عبارت زیر نشان دهید. «یکی از ملوک عجم را حکایت کنند که دست‌تطاول به مال رعیت دراز کرده و جور و اذیت آغاز کرده.»</p> <p><i>«سجع» معمولاً در پایان جمله‌ها می‌آید.</i></p>		
۲۴	۰/۲۵	<p>درس سیزدهم</p> <p>عبارت زیر را معنی کنید. مرد نقال از صدایش صَجه می‌بارید.</p>		
۲۵	۰/۲۵	<p>معنی واژه مشخص شده را بنویسید. بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر</p>		
۲۶	۰/۵	<p>با توجه به سروده زیر: بعد چندی که گشودش چشم / رخس خود را دید / بس که خونش رفته بود از تن، / بس که زهر زخم‌ها کاریش / گویی از تن، حس و هوشش رفته بود و داشت می‌خوایید. الف) نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید. ب) زمان دو فعل پایانی (رفته بود و داشت می‌خوایید) چیست؟</p> <p><i>برای پیدا کردن نقش دستوری، جملات رو مرتب کن و برای پیدا کردن زمان فعل به بن ماضی یا مضارع دقت کن.</i></p>		
۲۷	۰/۵	<p>بیت زیر را کامل کنید. فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن!</p>		

ردیف	آزمون شماره ۶	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	فارسی (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم				
۲۸	درس چهاردهم بیت زیر را معنی کنید. هر یکی بینا شود بر قدر خویش باز یابد در حقیقت، صدر خویش	۰/۵			
۲۹	مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید و مشخص کنید که این ابیات، یادآور کدام وادی از هفت وادی عشق است؟ ● دل چه بندی در این سرای مجاز؟ ● ملک، اینجا بایدت انداختن ● همّت پست کی رسد به فراز؟ ● ملک، اینجا بایدت درباختن	۱ اگر هفت وادی رو فراموش کردی هفتما تگاهی به خلاصه درس چهاردهم بنداز!			
۳۰	درس شانزدهم عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. خودت بهتر می دانی که در این شب عیدی مالیه از چه قرار است و بودجه ابدأ اجازه خریدن خرت و پرت تازه نمی دهد.	۰/۵			
۳۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. این بدبخت‌ها سال آزرگار یک بار برایشان چنین پای می افتد.	۰/۲۵			
۳۲	در متن زیر یک پیوند وابسته‌ساز و یک پیوند هم‌پایه‌ساز نشان دهید. اگر این غاز را برای میهمان‌های امروز بیاوریم، برای میهمان‌های فردا از کجا غاز خواهی آورد؟ تو که یک غاز بیشتر نیاورده‌ای و به همه دوستان هم وعده کباب غاز داده‌ای!	۰/۵			
۳۳	جدول روبه‌رو را کامل کنید.	۱			
۳۴	درس هفدهم معنی واژه مشخص شده را بنویسید. بدین حد اکتفا نمی کنم.	۰/۲۵			
۳۵	با توجه به سروده زیر: و در بهاران، عشق من / خنده‌ات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم / گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می خواند. الف) «ان» در «بهاران» چه کاربردی دارد؟ یک نمونه دیگر از این کاربرد بیاورید. ب) «هسته» را در گروه اسمی مشخص شده، نشان داده و نقش آن را بنویسید.	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ «ان» فقط نشانه جمع نیست!			
۳۶	در متن زیر، نویسنده بر چه مفاهیمی تأکید دارد؟ ● ای فکر دور پرواز من، بال‌های عقاب آسایت را از پرواز بازدار و تو ای کشتی تندرو خیال من، همین جا لنگر انداز؛ زیرا برای تو بیش از این، اجازه سفر نیست.	۰/۵			
۳۷	درس هجدهم معنی واژه مشخص شده را بنویسید. یکی از مردان مَعْمَر دهکده با کودکان هم‌آواز گشته بود.	۰/۲۵			
۳۸	در متن زیر یک حرف ربط وابسته‌ساز و یک حرف ربط هم‌پایه‌ساز نشان دهید. ● در مواقع عادی، اوایل شروع درس، شاگردان چندان بانگ و فریاد می کردند که غلغله آنها به کوی و برزن می رفت. با آواز بلند، درس را تکرار می کردند و بانگ و فریاد برمی آوردند.	۰/۵			
۳۹	در سروده زیر، «مشبه» و «مشبه‌به» را نشان دهید. ● هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی و من از آن تو» / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.	۰/۵			
۴۰	کتاب «قصه‌های دوشنبه» اثر است.	۰/۲۵			
۴۱	در سروده زیر شاعر کدام ویژگی خود را بیان کرده است؟ چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟ / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟	۰/۵			
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید			

شماره	نوبت دوم پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)	ردیف
آزمون شماره ۷					
۰/۵				درس اول	۱
				عبارت زیر را معنی کنید. عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده.	
۰/۲۵				معنی واژه مشخص شده را بنویسید. همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم	۲
درس دوم					
۰/۵				شاعر در بیت زیر به کدام مشکل اجتماعی اشاره کرده است؟ گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم» گفت: «روصبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»	۳
۱				آرایه ادبی «تشبیه» را در بیت زیر بررسی کنید و ارکان آن را نشان دهید. در مکتب حقایق پیش ادیب عشق هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی	۴
۰/۵				واژگان به هم ریخته زیر، کلمات یک بیت هستند، آنها را مرتب کنید. خویش - دور - مرتبه - ز - خورت - و - خواب - کرد/ به - و - بی خواب - آن گه - خور - رسی - شوی - خویش - که	۵
درس سوم					
۰/۲۵				معنی واژه مشخص شده را بنویسید. انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی، موافق ثابت قدم نداشت	۶
۰/۲۵				شعر «آزادی» نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری اشاره دارد.	۷
درس پنجم					
۰/۵				در بیت زیر: تو قلب فسرده زمینی از درد، ورم نموده یک چند الف) ضمیر گسسته (جدا) و نقش آن را مشخص کنید.	۸
۰/۵				ب) کدام گروه اسمی در نقش مسند است؟	
درس ششم					
۰/۵				مصراع زیر را معنی کنید. نی، حریف هر که از یاری برید	۹
درس هفتم					
۰/۵				در میان ترکیب‌های زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. «طالب حسن - ماوا - غایت محبت - فرزند واجب - از بهر معنی - حیات و ممات - عاشق و محبت - معشوق و حبیب»	۱۰
۰/۵				بیت زیر را کامل کنید. گفتی: «به روزگاران مهری نشسته» گفتم	۱۱
درس هشتم					
۰/۵				در بیت زیر قسمت‌های مشخص شده چه مفهومی دارند؟ دل گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی مردادمه و گاه دیش نام نهادند	۱۲
درس نهم					
۰/۵				در متن زیر «سرسپردن» چه مفهومی دارد؟ و شاگرد بود که همچون جوینده تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالأخره می‌یافت و سر می‌سپرد.	۱۳

ردیف	آزمون شماره ۷	کلید رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	درس دهم				
۱۴	بیت زیر را معنی کنید. دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو				۱
۱۵	انواع «و» را در بیت زیر بررسی کنید و توضیح دهید. دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو			انواع «و»: ... که بین دو کلمه یا گروه میار و ... که بین دو جمله میار!	۱
	درس یازدهم				
۱۶	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. من بیش از همه مُصِر بودم در شنیدن حرف‌های شما.				۰/۲۵
۱۷	هر یک از موارد زیر را بررسی کرده، در صورت درست بودن حرف «ص» و در صورت داشتن نادرستی املائی، شکل صحیح واژه را در جای خالی بنویسید. الف) بچه‌ها هم که انگار از دست آن ذله شده بودند، تکبیر گفتند. (.....) ب) می‌گفت نمرات ثلث سوم را که داده‌اید، رفته‌اید آقا! احتمال می‌داد که جبهه رفته باشید ولی یقین نداشت. (.....) پ) ماه آمده به دیدن خورشید صبح زود ت) یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است				۱
۱۸	بیت زیر را کامل کنید. از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک؟				۰/۵
	درس دوازدهم				
۱۹	عبارت زیر را معنی کنید. خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت.				۰/۷۵
۲۰	با توجه به ابیات زیر: ۱) رخ شاه کاووس پر شرم دید ۲) سیاوش بدو گفت انده مدار ۳) چو از کوه آتش به هامون گذشت الف) «حسن آمیزی» و «مجاز» را در آن نشان دهید. (از هر کدام یک مورد کافی است). ب) به ترتیب ویژگی‌های «قهرمانی» و «خرق عادت» حماسه در کدام بیت‌ها دیده می‌شود؟	سخن گفتنش با پسر نرم دید کزین سان بُود گردش روزگار خروشیدن آمد ز شهر و ز دشت		حماسه ۴ ویژگی دارد: قهرمانی، ملی، داستانی، خرق عادت؛ برای هر ویژگی یک بیت رو اگر یاد بگیرید هتماً می‌تونن این ویژگی‌ها رو در بیت‌های دیگر هم پیدا کنن.	۰/۵ ۰/۵
	درس سیزدهم				
۲۱	عبارت زیر را معنی کنید. هفت خوان را ز اُسرو مرو / یا به قولی «ماخ سالار» آن گرامی مرد / آن هریوه خوب و پاک آیین روایت کرد.				۰/۷۵
۲۲	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. رخش، آن طاق عزیز، آن تایی بی‌همتا / رخس رخشنده				۰/۲۵
۲۳	بیت زیر را کامل کنید. به هر حالت که بودم با تو بودم: میهن ای میهن!				۰/۵
	درس چهاردهم				
۲۴	مصراع زیر را معنی کنید. صد هزاران خلق، سودایی از او				۰/۲۵
۲۵	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. جهان را گشته‌ام و از اطراف و اکناف گیتی آگاهم.				۰/۲۵
۲۶	بیت زیر را به شیوه معیار مرتب کنید. گل اگر چه هست بس صاحب جمال خُسن او در هفته‌ای گیرد زوال			در شیوه معیار، «تو» اول جمله میار و «فعل» پایان جمله!	۱

شماره	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	فارسی (۳)	kheilisabz.com
ردیف	آزمون شماره ۷			نوبت دوم پایه دوازدهم
۲۷	در متن زیر: «طاووس نیز چنین عذر آورد که من مرغی بهشتی‌ام. روزگاری دراز در بهشت به سر برده‌ام. مار با من آشنا شد؛ آشنایی با او سبب گردید که مرا از بهشت بیرون کنند. اکنون آرزویی بیش ندارم و آن این است که بدان گلشن خرم بازگردم و در آن گلزار باصفا بیاسایم. مرا از این سفر معذور دارید که مرا با سیمرغ کاری نیست. الف) «طاووس» نماد چه کسانی است؟ ب) «مار» و «گلشن» چه مفاهیمی دارند؟	نمادهای درس ۱۳ (سی مرغ و سیمرغ) همیشه یک پای ثابت افتخارات و حتی کنگور هستن و مسایه موهمن. فلابه این درس رو ببین و همین الان یارشون بگیر.	۰/۵ ۰/۵	
درس شانزدهم				
۲۸	عبارت زیر را معنی کنید. شش‌دنگ حواسم پیش مصطفی است.			۰/۲۵
۲۹	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی به سرم بریزم؟»			۰/۲۵
۳۰	داستان «کباب‌غاز» از نوشته‌های است.			۰/۲۵
۳۱	مفهوم کنایه‌های زیر را بنویسید. الف) شکم را صابون زدن ب) ساعت‌شماری کردن			۰/۵
درس هفدهم				
۳۲	در سروده زیر حرف ربط «وابسته‌ساز» و «هم‌پایه‌ساز» را نشان دهید. نان را از من بگیر، اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر، اقا / خنده‌ات را نه	انواع حرف ربط رو حتماً یاد بگیر، چون خیلی مهم هستن!	۰/۵	
۳۳	با توجه به سروده زیر: از پس نبردی سخت بازمی‌گردم / با چشمانی خسته / که دنیا را دیده است / بی‌هیچ دگرگونی / اقا خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید. الف) منظور از «نبرد» و «چشمان» چیست؟ ب) قسمت مشخص شده چه مفهومی دارد؟		۰/۵ ۰/۵	
درس هجدهم				
۳۴	در سروده زیر چه ویژگی‌هایی برای «عشق جاودانی» بیان شده است؟ این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد / و نه اهمیتی به چین و شکن‌های ناگزیر سالخوردگی می‌دهد، / بلکه همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند، / و نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است، / همان‌جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.		۱	
۲۰	موفق باشید	جمع نمرات		

ردیف	آزمون شماره ۸	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
۱	درس اول	بیت زیر را معنی کنید.	چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان	چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان		۱
۲	نوع حذف را در عبارت زیر نشان دهید. هر نفسی که فرومی‌رود، مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرّج ذات.	عطف دو نوعه ... برای پرهیز از تکرار و ... که از معنا، مشخص می‌شود!				۰/۵
۳	درس دوم	معنی واژه مشخص شده را بنویسید.	وجه خدا اگر شودت منظرِ نظر	زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی		۰/۲۵
۴	شعر زیر را کامل کنید.	خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد				۰/۵
۵	درس سوم	مفهوم مشترک ابیات زیر چیست؟	جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن فرّخی ز جان و دل می‌کند در این محفل	پدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است دل نثار استقلال، جان فدای آزادی		۰/۵
۶	درس پنجم	در بیت زیر یک «وابسته وابسته» نشان داده و نوع آن را بنویسید.	زین بی‌خردان سفله پستان	دادِ دل مردمِ خردمند		۰/۵
۷	درس ششم	در هر یک از موارد زیر، آرایه نوشته شده مقابل آن را، نشان دهید.	الف) بشنو از نی چون حکایت می‌کند ب) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق	از جدایی‌ها شکایت می‌کند (جناس و نوع آن) تا بگویم شرح درد اشتیاق (مجاز و مفهوم آن)		۱
۸	درس هفتم	معنی واژه مشخص شده را بنویسید.	وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند	تا در زمانه باقی‌ست، آواز باد و باران		۰/۲۵
۹	کدام گزینه‌ها بیت‌های زیر را کامل می‌کند.	الف) ب) این نغمه محبت، بعد از من و تو ماند	کاین گونه فرصت از کف، دادند بی‌شماران ۱) گفتمی به روز گاران، مهتری نشسته گفتم ۲) ای جویبار جاری، زین سایه برگ، مگریز			۰/۲۵
۱۰	درس هشتم	در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.	۱) تا در زمانه باقی‌ست، آواز باد و باران	۲) دیوار زندگی را زین‌گونه یادگاران		۰/۲۵
۱۱	از پاریز تا پاریس اثر کیست؟	۱) کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند ۲) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان ۳) آیین طریق از نفس پیر مقان یافت ۴) صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب	کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟ این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند			۰/۲۵

ردیف	آزمون شماره ۸	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
						نوبت دوم پایه دوازدهم
						درس نهم
۱۲	با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. بعد از حکیم آسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او، گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را او، که جانشین شایسته وی بود، روشن نگاه دارد؛ اما در آستانه میوه‌دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود و در آن هنگام که بهار حیات علمی و اجتماعی‌اش فرا رسیده بود، ناگهان منقلب شد. شهر را و گیرودار شهر را رها کرد و چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد که هرگز در انتظار آمدن چون او کسی نبود. الف) منظور از «در آستانه میوه‌دادن» چیست؟ ب) قسمت مشخص شده چه مفهومی دارد؟					۰/۵ ۰/۵
						درس دهم
۱۳	عبارت زیر را معنی کنید. من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی‌آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر، کرامت باشم و سراپا گشاده‌دستی.					۰/۷۵
۱۴	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد غیر از شب آیا چه می‌دید، چشمان تار من و تو؟					۰/۲۵
۱۵	در بیت زیر «غرق غباریم و غربت» چه مفهومی دارد؟ غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو					۰/۵
						درس یازدهم
۱۶	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. مدیر را کلافه کردم.					۰/۲۵
۱۷	در عبارت زیر: وقتی حرف‌هایتان تمام شد و تکبیر و صلوات بچه‌ها فرونشست، به سمت من آمدید، فکر اینکه مرا شناخته باشید، دلم را گرم کرد. الف) «حرف» به جای کدام کلمه آمده و چه آرایه‌ای را پدیدآورده است؟ ب) «کنایه» را نشان دهید و مفهوم آن را بنویسید.					۰/۵ ۰/۵
۱۸	شعر زیر را کامل کنید. در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه					۰/۵
						درس دوازدهم
۱۹	موارد زیر را به نثر روان معنی کنید. بر آتش، یکی را نباید گذشت					۰/۲۵
۲۰	چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت، نقصان پذیرفت.					۰/۵
۲۱	فعل «گذشت» در کاربردهای مختلف تغییر معنا می‌دهد. برای هر یک از معانی آن جمله‌ای بنویسید. (دو مورد کافی است). معانی مختلف این فعل رو در جمله‌های مختلف نشون بده!					۱
						درس سیزدهم
۲۲	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. در تگ تاریک ژرف چاه پهناور					۰/۲۵
۲۳	در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. ۱) آری اکنون شیر ایران شهر / تهمتن گرد سبجستانی / کوه کوهان، مرد مردستان / رستم دستان ۲) رخس را می‌دید و می‌پایید / رخس، آن تاق عزیز، آن تای بی‌همتا / رخس رخسند / با هزاران یادهای روشن و زنده ۳) ناگهان انگار / بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد، آن نابادر بود / که درون چه نکه می‌کرد و می‌خندید ۴) باز چشم او به رخس افتاد - اما ... وای! دید، / رخس زیبا، رخس غیرتمند / رخس بی‌مانند / با هزارش یادبود خوب خوابیده است					۰/۵
۲۴	شعر زیر را کامل کنید. به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید					۰/۵

ردیف	آزمون شماره ۸	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
۲۵	بیت زیر را معنی کنید. در سرم از عشق گل، سودا بس است زانکه مطلوبم گل رعنا بس است	۱	نوبت دوم پایه دوازدهم			
۲۶	با توجه به داستان «سی مرغ و سیمرغ» جدول زیر را کامل کنید. نمادهای این درس رو حتماً یاد بگیر!	۱				
۲۷	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. مصطفی هم جانی گرفت اما هنوز درست دستگیرش نشده بود که مقصود من چیست.	۰/۵				
۲۸	در گروه کلمات زیر چند نادرستی املايي وجود دارد؟ تصحیح کنید. «امتناع - بذله و لطیفه - اثنا و میان - سرسرای امارت - منظره هولناک - غزش»	۰/۵				
۲۹	چه مفهوم مشترکی بین آیه شریفه و بیت زیر دیده می‌شود؟ ﴿وَمَا زَمَيْتُ إِذْ زَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَمَى: وَ هِنْكَامِي كِه تِير افكندی، این تو نبودی بلکه خدا بود که تیر افکند.﴾ ز یزدان دان، نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی	۱				
۳۰	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. بخند: زیرا خنده تو/ برای دستان من / شمشیری است آخته.	۰/۲۵				
۳۱	مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. الف) خاوران: ب) خندان: پ) کوهان: ت) کاویان:	۱				
۳۲	نوع جملات (ساده یا مرکب) زیر را مشخص کنید. الف) معلم را دیدم که بر کرسی خویش نشست. ب) معلم تازه فردا خواهد رسید و این آخرین درس زبان ملی شماست.	۰/۵				
۳۳	کتاب «قصه‌های دوشنبه» را ترجمه کرده است.	۰/۲۵				
۳۴	در سطرهای زیر بر چه نکته‌ای تأکید شده است؟ چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟	۱				
۲۰	جمع نمرات			موفق باشید		

ردیف	آزمون شماره ۹	نوبت دوم پایه دوازدهم	نمره
	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه
	kheilisabz.com		
	درس اول		
۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. نتوان شبیه تو گفتن که تو در <u>وهم</u> نیایی		۰/۲۵
۲	در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۱) هر نَفْسی که فرومی‌رود، مِمْدِ حیات است و چون برمی‌آید، مُقَرَّح ذات. (۲) بارانِ رحمتِ بی حسابش همه را رسیده و خانِ نعمتِ بی دریغش همه‌جا کشیده. (۳) پرده ناموسِ بندگان به گناهِ فاحش نَدرد و وظیفه روزی به خطای مُنکر نَبُرد. (۴) عَصاره تاکی به قدرتِ او شهدِ فایق شده و تخمِ خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته.		۰/۵
	درس دوم		
۳	مصراع زیر را معنی کنید. گفت: «آگه نیستی کز سر درافتادت کلاه»		۰/۵
۴	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. گفت: «کارِ شرع، کارِ <u>درهم</u> و دینار نیست»		۰/۲۵
۵	شعر زیر را کامل کنید. در دل مدار هیچ که زیر و زیر شوی		۰/۵
	درس سوم		
۶	شاعر در بیت زیر به چه نکته‌ای اشاره دارد؟ در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملتّی که مردمِ صاحب‌قلم نداشت		۰/۵
	درس پنجم		
۷	با توجه به بیت زیر: شو منفجر ای دل زمانه الف) مصراع اول را به شیوه معیار مرتب کنید. ب) در گروه اسمی «آن آتش خود»، هسته و انواع وابسته را مشخص کنید.	وان آتش خود نهفته مپسند	۰/۲۵ ۰/۷۵ <small>برای مشخص کردن انواع وابسته اول باید «هسته» رو پیدا کرد.</small>
	درس ششم		
۸	بیت زیر را معنی کنید. من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم		۰/۵
	درس هفتم		
۹	در متن زیر «تشبیه» و «کنایه» را بررسی کنید. عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او، زخت، دیگری نهد. هر جا که رسد، سوزد و به رنگ خود گرداند.		۱
۱۰	شعر زیر را کامل کنید. وین نغمه محبت، بعد از من و تو ماند		۰/۵
	درس هشتم		
۱۱	کتاب سفرنامه دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی است.		۰/۲۵
۱۲	در جمله «آدمی به هر جا می‌رود گمان می‌کند به <u>غایت‌القصوای</u> مقصود خود رسیده است» قسمت مشخص شده چه مفهومی دارد؟		۰/۵

ردیف	آزمون شماره ۹	کلید رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	درس نهم				
۱۳	در عبارت زیر چرا نویسنده شاگرد را به جوینده‌ای تشنه تشبیه کرده است؟ شاگرد بود که همچون جوینده تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالأخره می‌یافت و سر می‌سپرد، نه به زور «حاضر و غایب»، بل به نیروی ارادت و کشش ایمان.				۰/۵
	درس دهم				
۱۴	بیت زیر را معنی کنید. دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو				۱
۱۵	در بیت زیر کدام گروه اسمی، در نقش «مفعول» به کار رفته است؟ دیروز اگر سوخت ای دوست، غم‌برگ و بار من و تو امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو				۰/۵
	درس یازدهم				
۱۶	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. از شامۀ قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست.				۰/۵
۱۷	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. جای دنجی بود برای خلوت کردن با خدا.				۰/۲۵
۱۸	در متن زیر قسمت مشخص شده چه مفهومی دارد؟ وقتی بچه‌هایی که می‌افتادند، خوابیده به سمت خاک‌ریز نشانه می‌رفتند و آخرین رمق‌هایشان را در آخرین فشنگ‌هایشان می‌ریختند و شلیک می‌کردند، جایز نبود که من همچنان بی‌حرکت بمانم و فقط دنبال شما بگردم.				۰/۵
۱۹	واژگان زیر، کلمات یک بیت است، آنها را مرتب کنید. خسنی - همه - از - شهادت - است - حسن - فراتر / من - شهید - محسن - ای - ای - بی‌گناه - حسن				۰/۵
	درس دوازدهم				
۲۰	بیت زیر را معنی کنید. به نیروی یزدان نیکی دهش کزین کوه آتش نیابم تپش				۰/۷۵
۲۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. او که آرم و حیا و پاکدامنی و عفاف آموخته است، تن به گناه نمی‌سپارد.				۰/۲۵
	درس سیزدهم				
۲۲	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. همگنان را خون گرمی بود / قهوه‌خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام / راستی کانون گرمی بود.				۰/۷۵
۲۳	شعر زیر را کامل کنید. به سوی تو بُوَد روی سجودم؛ میهن ای میهن!				۰/۵
	درس چهاردهم				
۲۴	در گروه کلمات زیر نادرستی‌های املائی را یافته و تصحیح کنید. «عذر و بهانه - مرغابی و بط - ازم و اراده - قرعه‌زدن - وجه زاد - دشمنی و مخاسمت - اعانت و یاری»				۱
۲۵	کتاب سندباد نامه اثر کیست؟				۰/۲۵
	درس شانزدهم				
۲۶	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. در اداره با هم قطارها قرار و مدار گذاشته بودیم.				۰/۲۵

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	آزمون شماره ۹			
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم			
۲۷	با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. مصطفی گفت: «من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می‌دانم که باید متروک گردد.» الف) «مفعول»‌ها را مشخص کنید. ب) جمله‌ها را با توجه به کاربرد «مسند» بررسی کنید.			
۰/۵	«مفعول» فقط یک کلمه نیست، گاهی می‌تونه یک گروه			
۰/۵	یا یک جمله باشه!			
۲۸	در متن زیر «مجاز» و «استعاره» را نشان دهید و مفهوم هر یک را بنویسید. خندان و شادمان رو به مصطفی نموده، گفتم: «اولین بار است که از تو یک کلمه حرف حسابی می‌شنوم، ولی به نظرم این گره فقط به دست خودت گشوده خواهد شد. باید خودت مهارت به خرج بدهی که احدی از مهمانان در صدد دست‌زدن به این غاز برنیایند.»			
درس هفدهم				
۲۹	در متن زیر، هر یک از قسمت‌های مشخص شده کدام آرایه ادبی را پدید آورده است؟ توضیح دهید. دلم می‌خواهد بر بال‌های باد بنشینم و آنچه را که پروردگار جهان پدید آورده، زیر پا گذارم تا مگر روزی به پایان این دریای بی‌کران رسم و بدان سرزمین که خداوند، سرحد جهان خلقتش قرار داده است. فرود آیم.			
۳۰	با توجه به متن زیر موارد خواسته شده را بنویسید. «در یک جاده خلوت، رهگذری به من نزدیک می‌شود؛ می‌پرسد: «ای مسافر، بایست! با چنین شتاب به کجا می‌روی؟» الف) صفت اشاره: (ب) صفت بیانی: (پ) منادا: (ت) صفت شمارشی:			
درس هجدهم				
۳۱	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. تمام اتاق درس را ایهت و شکوهی که مخصوص مواقع رسمی است فرا گرفته بود.			
۳۲	مفهوم هر یک از موارد زیر را بنویسید. الف) آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد، / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟ ب) یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب کز هر زبان که می‌شنوم نامکزر است			
۳۳	در متن زیر منظور از قسمت‌های مشخص شده را بنویسید. دو سال بود که هر خبر ملال‌انگیزای که برای ده می‌رسید، از اینجا منتشر می‌گشت. از این رو من - بی‌آنکه در آنجا توقفی کنم - با خود اندیشیدم که «باز برای ما چه خوابی دیده‌اند؟» آنگاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش و با شتاب تمام، خود را به مدرسه رساندم.			
۲۰	جمع نمرات موفق باشید			

علیرضا افشار

ردیف	آزمون شماره ۱۰	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
						نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۸
۱	قلمرو زبانی (۷ نمره) الف) معنی واژه (۱/۵ نمره)					معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است. ب) معتبر تمام شد و وارد محوطه پیش روی دشمن شدیم. پ) بر طلیسان آبی مدیترانه دوخته شده است. ت) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.
۰/۵	۲	معادل درست هر یک از توضیحات عرفانی زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست. (مراقبت / مکاشفت) ب) خالی شدن قلب سالک از آنچه جز خداست. (تجربید / اشتیاق)				
۰/۵	۳	ب) املای واژه (۱/۵ نمره) املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) گفت: «از (بحر / بهر) غرامت جامه‌ات بیرون کنم» ب) بزنی خودتان را به ناخوشی و بگویند طیب (غدقن / قدغن) کرده.				
۰/۵	۴	در هر یک از موارد زیر یک نادرستی املایی دیده می‌شود؛ آنها را بیابید و درست هر یک را بنویسید. الف) نمی‌پذیرفتید و طفره می‌رفتید ولی اسرارهای من بود که بوی التماس می‌داد و عاقبت شما را متقاعد کرد. ب) شیرمرد عرصه ناوردهای حول / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود				
۰/۵	۵	در گروه کلمه‌های زیر، دو مورد نادرستی املایی وجود دارد؛ شکل درست هر یک را بنویسید. «استیصال و درماندگی - سوء هاضمه - مسطور و پوشیده - شرزه شیر ارقند - مأوا و پناهگاه»				
۰/۵	۶	ب) دستور (۴ نمره) نوع حذف را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید. الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.				
۰/۵	۷	نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم ب) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو				
۰/۵	۸	با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی هر یک از موارد داده شده را تعیین کنید. تومشبت درشبت روزگاری از گردش قرن‌ها پس‌افکند زین بی‌خردان سفله بستان داد دل مردم خردمند الف) در گروه اسمی «مشبت درشت روزگار»، واژه «مشبت»، هسته است. ب) ترکیب «مردم خردمند»، وصفی و ترکیب «بی‌خردان سفله»، اضافی است.				
۰/۵	۹	در متن زیر، یک نقش تبعی «معطوف» و یک «بدل» بیابید. «ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند، آشیان دارد.»				
۰/۵	۱۰	در هر یک از گروه‌های اسمی زیر، نوع «وابسته وابسته» را مشخص کنید. الف) دوازده سیر زعفران ب) شرایط تقریباً پایدار				
۰/۲۵	۱۱	در همه بیت‌ها به جز گزینه «شیوه بلاغی» دیده می‌شود. ۱) همی‌داد مژده یکی را دگر ۲) رخ شاه کاووس پرشرم دید ۳) که هر چند فرزند هست ارجمند ۴) چنین است سوگند چرخ بلند که بخشود بر بی‌گنه دادگر سخن‌گفتنش با پسر نرم دید دل شاه از اندیشه یابد گزند که بر بی‌گناهان نیاید گزند				

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱۰			نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۸
۱۲	۰/۵			مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. الف) بابکان: ب) خندان:
۱۳	۰/۵			در عبارت زیر، زمان فعل‌های مشخص شده را دقیقاً تعیین کنید. «صدای بلدرچین یک دم قطع نمی‌شود. جوجه کبک‌ها، خط و خال انداخته‌اند.»
۱۴	۰/۲۵			در عبارت زیر، یک حرف پیوند هم‌پایه‌ساز بیابید. «برخی در همان نخستین منزل از پا درآمدند. بسیاری در دومین منزل به زاری زار جان سپردند، اما آنان که همت یارشان بود، پیش‌تر می‌رفتند.»
۱۵	۰/۵			<p style="text-align: right;"><u>قلمرو ادبی (۵ نمره)</u> الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)</p> تلمیح به کاررفته در بیت زیر را در یک سطر توضیح دهید. «با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت»
۱۶	۰/۵			بیت زیر را از نظر کاربرد جناس تام (همسان) بررسی کنید. «نی، حریف هر که از یاری بُرید پرده‌هایش پرده‌های ما درید»
۱۷	۰/۵			آرایه مشترک ابیات زیر اسلوب معادله است یا حسن تعلیل؟ یک دلیل بنویسید. ● عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را ● محرم این هوش جز بی‌هوش نیست سر، زبان را مشتری جز گوش نیست
۱۸	۰/۲۵			در بیت زیر، شاعر برای بیان وجه‌شبه، از کدام آرایه ادبی بهره برده است؟ «عاشق آن باشد که چون آتش بود گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود»
۱۹	۰/۲۵			نوع گفت‌وگوی شعر زیر را در اصطلاح ادبی چه می‌نامند؟ نخستین بار گفتش کز کجایی بگفت از دار مُلکِ آشنایی بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند؟ بگفت انده خردند و جان فروشند بگفتا جان‌فروشی در ادب نیست بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست
۲۰	۰/۵			کدام یک از ویژگی‌های حماسه در بیت‌های زیر دیده می‌شود؟ آنها را از کمانک‌های مقابل انتخاب کنید. الف) بدان‌گاه سوگند پرمايه شاه چنین بود آیین و این بود راه (ملی - قهرمانی) ب) یکی تازی‌ای برنشسته سیاه همی خاک نعلش برآمد به ماه (خرق عادت - ملی)
۲۱	۰/۵			مفهوم نمادین هر یک از موارد مشخص شده را بنویسید. الف) نان را از من بگیر اگر می‌خواهی / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه. / گل سرخ را از من بگیر ب) آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟
۲۲	۰/۵			<p style="text-align: right;">ب) حفظ شعر (۲ نمره)</p> مصراع اول بیت «.....» / به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن کدام است؟ (۱) اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار (۲) به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم
۲۳	۱/۵			مصراع دیگر هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید. الف) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند ب) بیداری ستاره، در چشم جویباران پ) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر

نمره	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	فارسی (۳)	kheilisabz.com										
ردیف	آزمون شماره ۱۵			نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۸										
	قلمرو فکری (۸ نمره)													
	الف) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره)													
۲۴	پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.	معنی و مفهوم هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.	۰/۵											
۲۵	در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد.		۰/۵											
۲۶	یکی که کباد شعر و ادب می کشید، جلو رفته جبهه شاعر را بوسید.		۰/۵											
۲۷	یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد.		۰/۵											
	ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره)													
۲۸	بگریای چو ازدهای گرز	هر یک از اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.	۰/۵											
۲۹	دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ		۰/۵											
۳۰	در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود		۰/۵											
۳۱	چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی	بسیار زدن سنگ را بر سیوی	۰/۵											
	پ) درک مطلب (۴ نمره)													
۳۲	مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر با کدام گزینه مناسبت دارد؟ «هیچ نقاش نمی بیند که نقشی برکشد و آن که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده ای» (۱) «ما عبدناک حق عبادتک» (۲) «ما عرفناک حق معرفتک»		۰/۲۵											
۳۳	عبارت «کلمات را کنار زیند و در زیر آن، روحی را که در تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید.» بر چه مفهومی تأکید دارد؟		۰/۵											
۳۴	مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید. «خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران گنش آن خانه که بیت الحزن است»		۰/۵											
۳۵	در بیت «گفت: آگه نیستی کز سر در افتاد کلاه / گفت: در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست!» بر چه موضوعی تأکید شده است؟		۰/۵											
۳۶	مفهوم کدام بیت بیانگر این موضوع است که: «ظاهر انسان بیانگر احوال درونی اوست»؟ (۱) سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست (۲) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش		۰/۲۵											
۳۷	هر یک از بیت های ردیف اول با کدام یک از وادی های عرفانی ذکر شده در ردیف دوم مطابقت دارد؟	<table border="1"> <thead> <tr> <th>ستون اول</th> <th>ستون دوم</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>بیت</td> <td>وادی عرفانی</td> </tr> <tr> <td>الف) هر یکی بینا شود بر قدر خویش</td> <td>توحید</td> </tr> <tr> <td>ب) روی ها چون زین بیابان درکنند</td> <td>استغنا</td> </tr> <tr> <td>پ) هشت جنت نیز اینجا مرده ای است</td> <td>معرفت</td> </tr> </tbody> </table>	ستون اول	ستون دوم	بیت	وادی عرفانی	الف) هر یکی بینا شود بر قدر خویش	توحید	ب) روی ها چون زین بیابان درکنند	استغنا	پ) هشت جنت نیز اینجا مرده ای است	معرفت	۰/۷۵	
ستون اول	ستون دوم													
بیت	وادی عرفانی													
الف) هر یکی بینا شود بر قدر خویش	توحید													
ب) روی ها چون زین بیابان درکنند	استغنا													
پ) هشت جنت نیز اینجا مرده ای است	معرفت													
۳۸	بیت زیر با کدام مثل مشهور از نظر مفهوم تناسب دارد؟ «سخن گفته دگر باز نیاید به دهن اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد» (۱) از ماست که بر ماست. (۲) تیری که از شست رفت، به کمان بازمی گردد.		۰/۲۵											

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۸		آزمون شماره ۱۰	
۰/۲۵	با توجه به رباعی زیر، منظور از «طریق پاکبازی» چیست؟ کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!			۳۹
۰/۲۵	با توجه به بیت «بیامد دوصد مرد آتش‌فروز / دمیدند گفتمی شب آمد به روز»، کدام توضیح درست است؟ (۱) از شعله بزرگ آتش، شب مثل روز روشن شد. (۲) از بسیاری دود، روز مثل شب تاریک شد.			۴۰
۰/۵	عبارت زیر بر چه نکته‌ای تأکید دارد؟ «وقتی قومی به اسارت دشمن درآمد و مغلوب و مقهور بیگانه گردد، تا وقتی که زبان خویش را حفظ کند، همچون کسی است که کلید زندان خویش را در دست داشته باشد.»			۴۱
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		



مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار

ردیف	آزمون شماره ۱۱	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
		قلمرو زبانی (۷ نمره)				
۱		الف) معنی واژه (۱/۵ نمره) معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) بگرای چو ازدهای گرز ب) در آخر اتاق یکی از مردان معمر دهکده کتاب را بر روی زانو گشوده بود. پ) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ت) با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی به سرم بریزم؟» ث) چشمه آب سردی که در تموز سوزان کویر از دل یخچالی بزرگ بیرون می‌آید. ج) بخند؛ زیرا خنده تو/ برای دستان من، / شمشیری است آخته				۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵ ۰/۲۵
۲		ب) املای واژه (۱/۵ نمره) در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املایی وجود دارد: آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. الف) پس عشق از بحر این معنی، فرض راه آمد. ب) و آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال در صوم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد. پ) عصاره تاکی به قدرت او شهد فایغ شده.				۰/۷۵
۳		در هر یک از موارد زیر، املای درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) صدایی که می‌آمد (هزین‌ترین / حزین‌ترین) و عاشقانه‌ترین صدایی بود که می‌آمد. ب) سیاوش چنین گفت کای شهریار که دوزخ مرا زین سخن گشت (خار / خوار) پ) خوان هفتم را / ... / آن (هریوه - حریوه) خوب و پاک‌آیین روایت کرد				۰/۷۵
۴		ب) دستور (۴ نمره) نوع «وابسته وابسته» را در گروه‌های اسمی زیر تعیین کنید. الف) اسیر این جهان (ب) هفت فرسخ راه				۰/۵
۵		با توجه به شعر «نان را، هوا را، / روشنی را، بهار را، / از من بگیر / اما خنده‌ات را هرگز»، الف) کدام واژه حذف شده است؟ ب) حرف ربط «هم‌پایه‌ساز» را مشخص کنید.				۰/۵
۶		مفهوم «ان» را در مثال‌های زیر مشخص کنید. الف) دیلمان (ب) کوهان				۰/۵
۷		در سروده «و نخستین احساس عشق را در جایی می‌جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است»، الف) نوع زمان فعل «آمده است» را بنویسید. ب) ترکیب «احساس عشق» وصفی است یا اضافی؟				۰/۵
۸		بیت زیر به شیوه بلاغی سروده شده است: آن را به یک جمله عادی برگردانید. «چون گشت زمین ز جور گردون / سرد و سیه و خموش و آوند»				۰/۵
۹		مفهوم فعل «ساخت» را در عبارت‌های زیر بنویسید. الف) آن نامدار، لشکری عظیم ساخت. ب) او با ناملايمات زندگی ساخت.				۰/۵

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	نمره	آزمون شماره ۱۱		نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی شهریور ۹۸
۱۰	۰/۵	در نوشته زیر، یک «نقش تبعی» با ذکر «نوع» آن مشخص کنید. «رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی. دیوارهای قطور و باروهای دودخورده آن به زبان حال بازگو می‌کند که ...»		
۱۱	۰/۵	نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید. «عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.»		
<u>قلمرو ادبی (۵ نمره)</u>				
الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)				
۱۲	۰/۷۵	هر یک از ابیات گروه «الف» با کدام آرایه گروه «ب» ارتباط دارد؟ (در گروه «ب» یک مورد اضافه است).		
		«الف»	«ب»	
		الف) تا چشم بشر نبیندت روی ب) مستمع صاحب‌سخن را بر سر کار آورد پ) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است	بنهفته به ابر چهر دل‌بند غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت	تلمیح اسلوب معادله حسن تعلیل تضمین
۱۳	۰/۵	با توجه به عبارت زیر و منطق الطیر، «بلبل» نماد چه کسانی است؟ هدهد به بلبل پاسخ گفت: «مهرورزی تو بر گل کار راستان و پاکان است اما زیبایی محبوب تو چند روزی بیش نیست.»		
۱۴	۰/۵	در عبارت زیر، مفهوم کنایی «سماق مکیدن» چیست؟ «گفت: تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بکنند.»		
۱۵	۰/۵	آرایه بارز عبارت زیر را بیابید و نام آن را بنویسید. «معلم را دید که بر کرسی خود نشست و سپس با همان صدای گرم اما سخت که هنگام ورود با من سخن گفته بود، گفت: فرزندان، این بار آخر است که من به شما درس می‌دهم.»		
۱۶	۰/۲۵	در تشبیه مشخص شده عبارت زیر، «مشبه» کدام است؟ «آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی‌تاب قلبم را در زیر باران‌های غیبی سکوتش می‌گیرم، ناله‌های آن روح دردمند را می‌شنوم.»		
۱۷	۰/۲۵	قسمت مشخص شده متن زیر، بیانگر کدام آرایه ادبی است؟ «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بیرورد.»		
۱۸	۰/۲۵	در مصراع «پرده‌هایش پرده‌های ما درید»، تفاوت معنایی «پرده»، آرایه را پدیده آورده است.		
ب) حفظ شعر (۲ نمره)				
۱۹	۰/۵	جاهای خالی را با مصراع مناسب کامل کنید. الف) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران ب) آه این سر بریده ماه است در پگاه پ) اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار ت) تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی		
<u>قلمرو فکری (۸ نمره)</u>				
الف) درک مطلب (۴ نمره)				
۲۰	۰/۵	بیت زیر به کدام پدیده اجتماعی عصر شاعر اشاره دارد؟ «گفت دیناری بده پنهان و خود را وارهان گفت: کار شرع کار درهم و دینار نیست»		

نمره	ردیف	فارسی (۳)	کلید رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
		آزمون شماره ۱۱		نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی شهریور ۹۸	
۰/۵	۲۱	بیت «هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است» بیانگر کدام وادی عرفانی است؟ (۱) فنا (۲) توحید (۳) حیرت (۴) استغنا			
۰/۵	۲۲	در بیت زیر، منظور از «نیستان» چیست؟ «کز نیستان تا مرا ببریده‌اند / در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»			
۰/۵	۲۳	در بیت «پراگنده کافور بر خویشتن / چنان چون بود رسم و ساز کفن»، منظور شاعر را از «مصراع اول» بنویسید.			
۰/۵	۲۴	در شعر «این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد»، منظور از «کلید گنج مروارید» چیست؟			
۰/۵	۲۵	در بیت «پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته‌جان شنو یکی پند»، «سوخته‌جان» چه کسی است؟			
۰/۵	۲۶	منظور شاعر از مصراع دوم بیت زیر چیست؟ «چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو»			
۰/۵	۲۷	عین‌القضات، در عبارت «حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب»، چه چیز را سبب ادامه زندگی می‌داند؟			
		(ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره)			
۰/۵	۲۸	عبارات زیر را به نثر روان بازگردانی کنید. الف) و صبح، هنگام «چریغ آفتاب» کنار «قنات حسنی» در شهر سیرجان اتراق کردیم. ب) معتبر تمام شد و وارد محوطه پیش روی خاکریزهای دشمن شدیم. پ) و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده. ت) در این اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.			
		(ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره)			
۰/۵	۲۹	اشعار زیر را به نثر روان بازگردانی کنید. الف) گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم» ب) این [شعر] عیار مهر و کین مرد و نامرد است. پ) هر یکی بی‌نا شود بر قدر خویش بازباید در حقیقت صدر خویش ت) در غم ما روزها بی‌گناه شد روزها با سوزها همراه شد			
۲۰		جمع نمرات	موفق باشید		

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)									
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی دی ۹۷			آزمون شماره ۱۲									
	قلمرو زبانی (۷ نمره)												
	الف) معنی واژه (۱/۵ نمره)												
۰/۲۵	۱ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار <u>ثنایی</u> ب) همهٔ <u>حضار</u> یک صدا تصدیق کردند که تخلصی بس به جاست. پ) <u>احداث</u> یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می دانست.												
۰/۲۵	۲ با توجه به موارد زیر، برای هر یک از واژگان داخل جدول، یک «معادل معنایی» بنویسید. الف) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ ب) من آن شب در آن موقع حاضر بودم و شما را چراغ فرامی داشتیم و مادرت را اعانت می کردم.												
۰/۲۵	<table border="1"> <thead> <tr> <th>ردیف</th> <th>معنا</th> <th>واژه معادل</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱</td> <td>مونس</td> <td></td> </tr> <tr> <td>۲</td> <td>یاری</td> <td></td> </tr> </tbody> </table>				ردیف	معنا	واژه معادل	۱	مونس		۲	یاری	
ردیف	معنا	واژه معادل											
۱	مونس												
۲	یاری												
۰/۲۵	۳ معنای کدام واژه، <u>نادرست</u> است؟ (۱) تاب: فروغ (۲) مباحثات: سرافرازی (۳) سرحد: مرز (۴) صحیفه: منظره												
۰/۲۵	۴ (ب) املای واژه (۱/۵ نمره) در هر یک از ابیات و عبارات زیر، کدام واژه داخل کمانک از نظر املایی درست است؟ الف) تنها برای تعلیم گرفتن، (شبه - شبیح) شما را در تاریکی تعقیب می کردم. ب) برجسته ترین شاگرد (حوزه - حوضه) ادیب بزرگ بود. پ) داشتیم می گفتم، آن شب نیز (صورت - سورت) سرمای دی بیدادها می کرد.												
۰/۵	۵ در هر یک از موارد زیر، شکل درست واژه‌های <u>نادرست</u> املایی را بنویسید. الف) هنگام چریق آفتاب در شهر سیرجان اتراق می کردیم. ب) اگر کوه آتش بود <u>پسپیرم</u> ازین تنگ خار است اگر بگذرم												
۰/۲۵	۶ در بین کلمات زیر، کدام واژه اهمیت املایی دارد؟ (۱) شرف یاب (۲) خستگان (۳) مکاید (۴) ماجرا												
۱	۷ (ب) دستور (۴ نمره) با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «بخند: زیرا خنده تو / برای دستان من، شمشیری است آخته. / خنده تو، در پاییز / در کناره دریا / موج کف آلوده اش را / باید بفرزاد.» الف) ترکیب «موج کف آلوده»، «وصفی» است یا «اضافی»؟ ب) نقش دستوری واژه «شمشیر» چیست؟ پ) یک «گروه اسمی متممی» بنویسید. ت) کدام واژه داخل کمانک در مورد «زمان دقیق فعل» «برفرزاد» درست است؟ (مضارع التزامی - مضارع اخباری)												
۰/۵	۸ در شعر: «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است / یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا / یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟» الف) چند گروه اسمی «مفعولی» وجود دارد؟ ب) نوع حرف ربط «یا» را بنویسید.												
۱	۹ با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «نامه را معلم کلاس سوم، برایم نوشته بود؛ به یاد گذشته‌ها و خاطرات پاریز.» الف) در گروه اسمی «معلم کلاس سوم»، «هسته» کدام کلمه است؟ ب) نوع «وابسته وابسته» این گروه اسمی را بنویسید. پ) کدام واژه، نقش «تبعی» دارد؟												

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱۲			نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی دی ۹۷
۱۰	۰/۲۵	عبارت زیر چند جمله دارد؟ «لحظه عزیز و شورانگیزی بود؛ لحظه‌ای که هر سال از نخستین دم بهار، بی‌صبرانه چشم به راهش بودیم و تابستان وصال، امیدبخش و مهربان می‌آمد.»		
۱۱	۰/۷۵	مصراع: «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن» را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید.		
۱۲	۰/۵	در مصراع: «امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو»: الف) کدام واژه حذف شده است؟ ب) نوع حذف آن چیست؟		
		قلمرو ادبی (۵ نمره) الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)		
۱۳	۰/۵	در بیت: «ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند» واژگان مشخص شده چه آرایه‌ای را پدید می‌آورند؟		
۱۴	۰/۲۵	در عبارت‌های زیر، مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) پیداست که تا چه حد از چنین کاری بیم داشتم اما دل به دریا زدم و به اتاق درس وارد شدم. ب) می‌خواهم امروز نشان بدهی که چند مرده حلّاجی.		
۱۵	۱	کدام یک از ابیات و عبارات گروه «الف» با آرایه‌های گروه «ب» ارتباط دارد؟ (در گروه «ب» یک مورد اضافی است).		
		ردیف	«الف»	«ب»
		۱	هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند.	حسن آمیزی
		۲	به دستور فرمود تا ساروان	اسلوب معادله
		۳	عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را	تضاد
		۴	از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله غریب نیست.	حسن تعلیل
				جناس
۱۶	۰/۵	در عبارت «عصاره تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.» واژگان «سجع» را بنویسید.		
۱۷	۰/۵	با توجه به عبارت زیر، «باز» نماد چه کسانی است؟ آنگاه باز شکاری چنین گفت: «من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام. پیوسته با آنان بوده‌ام؛ چه جای آن است که من دست شاهان بگذارم و در بیابان‌های بی آب و علف در جست‌وجوی سیمرغ سرگردان شوم؟»		
		ب) شعر حفظی (۲ نمره)		
۱۸	۰/۲۵	مصراع‌های کدام بیت «جابه‌جا» نوشته شده است؟ ۱) لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران ۲) پیش از من و تو بسیار بودند نقش بستند آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل دیوار زندگی را زین‌گونه یادگاران		
۱۹	۰/۵	مصراع اول این بیت چیست؟ باید که خاک درگه اهل هنر شوی» ۱) در مکتب حقایق پیش ادیب عشق ۲) گر در سرت هوای وصال است حافظا		
۲۰	۰/۵	مصراع دوم بیت را بنویسید. «حسن شهادت از همه حسنی فراتر است»		
۲۱	۰/۷۵	بیت: «تو بودم کردی /» را کامل کنید.		

شماره	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	فارسی (۲)	رديف
				آزمون شماره ۱۲
				نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایي دي ۹۷
				کلمرو فکری (۸ نمره)
۱			الف) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره) معنی و مفهوم عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) سجده بهترین حالتی بود که می توانست مرا با خاک هم سطح و یکسان کند. ب) مرغان، جملگی بهانه‌ها یک سو نهادند.	۲۲
۰/۵			در هر یک از عبارات زیر مفهوم قسمت‌های مشخص شده را بنویسید. الف) عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او رخت، دیگری ننهد.	۲۳
۰/۲۵			ب) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.	
۰/۲۵			مفهوم جمله: «در کویر، خدا حضور دارد» چیست؟	۲۴
			ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره)	
۰/۵			معنی و مفهوم اشعار زیر را به فارسی روان بنویسید. الف) پهلوان هفت خوان، اکنون / طعمه دام و دهانِ خوان هشتم بود.	۲۵
۰/۵			ب) ببايد زدن سنگ را بر سبوی	
۰/۵			معنی و مفهوم قسمت‌های مشخص شده را در اشعار زیر بنویسید. الف) گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی» ب) بفسکن ز پی این اساس تزویر	۲۶
۰/۵			گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست.»	
۰/۵			بگسل ز هم این نژاد و پیوند	
			پ) درک مطلب (۴ نمره)	
۰/۵			مقصود از «راه پیچ در پیچ» در بیت زیر چیست؟ «به راه این امید پیچ در پیچ مرا لطف تو می‌باید، دگر هیچ»	۲۷
۰/۵			مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید. الف) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر ب) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود	۲۸
۰/۲۵			«این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد / ناگهان انگار / بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد، آن نابردار بود.»	۲۹
۰/۲۵			الف) مقصود از «گنج مروارید» چیست؟ ب) «شغاد» نماد چه کسانی است؟	
۰/۵			مصراع «چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟» چه مفهومی دارد؟	۳۰
۰/۲۵			بیت: «چشم بگشا به گلستان و بین / جلوه آب صاف در گل و خار» یادآور کدام «وادی عرفان» است؟	۳۱
۰/۵			مقصود از عبارت: «چون تیری که از شست رفته، باز نمی‌گردد» چیست؟	۳۲
۰/۵			با توجه به عبارت زیر دو پایه رسیدن به «عشق» را بنویسید. «پس اول پایه، معرفت است و دوم پایه، محبت و سیم پایه، عشق. و به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.»	۳۳
۰/۵			در بیت «نی حدیث راه پُر خون می کند / قصه‌های عشق مجنون می کند» مقصود از «راه پُر خون» چیست؟	۳۴
۰/۲۵			در عبارت زیر، «نفس گرفت» چه مفهومی را بیان می‌کند؟ «به جلو نگاه کرد، تا جایی که چشم کار می‌کرد، هیچ کس دیده نمی‌شد، نفس گرفت و دوباره با تمام سرعت دوید.»	۳۵
۲۰	موفق باشید	جمع نمرات		

ردیف	آزمون شماره ۱۳	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
		قلمرو زبانی (۷ نمره)				
		الف) واژگان (۱/۵ نمره)				
		معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.				
۱		با شیر سپهر بسته پیمان				-/۲۵
۲		تو عاشق و مُجَبّ مایی				-/۲۵
۳		وقتی که تَعَلُّل کردند، موظفشان کردید.				-/۲۵
۴		چوب‌دستی مَنَتَشامانند در دستش				-/۲۵
۵		یک دست دیگر ظرف و لوازم عاریه بگیریم.				-/۲۵
۶		سرحذّ جهان خلقتش قرار داده است.				-/۲۵
		ب) املا (۱/۵ نمره)				
۷		در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۱) رحمتِ عالمیان و صفوتِ آدمیان و تَنَمُّهٔ دورِ زمان، محمد مصطفی. (۲) دستِ انابت به امیدِ اجابت به درگاه حق جَلّ و علا بردارد. (۳) بازش بخواند؛ بازِ اعراض فرماید. بار دیگرش به تَضَرُّع و زاری بخواند. (۴) واصفانِ جلیبهٔ جمالش به تَحیّر منصوب که: «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ».				-/۵
۸		در سرودهٔ زیر نادرستی‌های املائی را یافته و تصحیح کنید. هم‌چنان می‌رفت و می‌آمد / هم‌چنان می‌گفت و می‌گفت و قدم می‌زد: / «قضه است این، قضه، آری غصهٔ درد است / شعر نیست؛ / این ایارِ مهر و کینِ مرد و نامرد است / بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست.				۱
		پ) دستور (۴ نمره)				
۹		نقش دستوری کلمات مشخص شده را بنویسید. الف) محتسب مستی به ره دید و گریبانش گرفت مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است، افسار نیست» ب) گفت: «می‌باید تو را تا خانهٔ قاضی بزم» گفت: «رو صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست»				۱
۱۰		در هر یک از گروه‌های زیر وابستهٔ وابسته و نوع آن را مشخص کنید. الف) خاطرهٔ این آخرین روز درس ب) صدای شیپور سربازان بیگانه				۱
۱۱		با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «ای یاران، من بیشتر از همهٔ شما جهان را گشته‌ام و از اطراف و اکناف گیتی آگاهم. ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. من او را می‌شناسم. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند، آشیان دارد.» الف) نقش دستوری «یاران» چیست؟ ب) نقش‌های تبعی را نشان دهید. (۳ مورد)				-/۲۵ -/۷۵
۱۲		در بیت زیر کدام بخش از مصراع اول حذف شده است؟ نوع حذف را بنویسید. دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آینه‌دارِ من و تو				-/۵
۱۳		در عبارت زیر نقش دستوری ضمیر «م» را مشخص کنید. همینم از آفریدگار سپاس‌گزاری بس که بدین سعادتیم رهنمون بُود تا هرگز فریب آزاده‌مردم را از خویشتن بتی نسازم.				-/۵

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱۳			نوبت دوم پایه دوازدهم
۱۴	۱	<p>قلمرو ادبی (۵ نمره)</p> <p>الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)</p> <p>در هر یک از موارد زیر کنایه را مشخص کرده و مفهوم آن را بنویسید.</p> <p>الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی ب) همان به کزین زشت‌کردار، دل بباید زدن سنگ را بر سیوی بشویم کنم چاره دل‌گیسل</p>		
۱۵	۱	<p>در عبارت زیر قسمت‌های مشخص شده چه آرایه‌ای دارند؟ مفهوم آن را بنویسید.</p> <p>نان را از من بگیر اگر می‌خواهی، / هوا را از من بگیر، اما / خنده‌ات را نه.</p>		
۱۶	۱	<p>آرایه ادبی جناس همسان (تام) را در بیت زیر نشان داده و توضیح دهید.</p> <p>آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد</p>		
۱۷	۰/۵	<p>ب) حفظ شعر (۲ نمره)</p> <p>ابیات زیر را کامل کنید.</p> <p>الف) دست از مس وجود، چو مردان ره بشوی ب) آینه نگاهت پیوند صبح و ساحل</p>		
۱۸	۰/۵	<p>هر یک از موارد زیر دارای چهار مصراع است که تنها دو مصراع آن به درستی تشکیل یک بیت را می‌دهد. در هر مورد، بیت مورد نظر را بنویسید.</p> <p>الف)</p> <p>یا نه! سر بریده خورشید شامگاه؟ یا ماه بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟ آه این سر بریده ماه است در پگاه؟ ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود</p> <p>ب)</p> <p>بود لبریز از عشقت وجودم، میهن ای میهن! اگر مستم اگر هشیار، اگر خوابم اگر بیدار تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی به سوی تو بود روی سجودم، میهن ای میهن!</p>		
۱۹	۰/۵	<p>قلمرو فکری (۸ نمره)</p> <p>الف) درک مطلب (۴ نمره)</p> <p>ارتباط مفهومی موارد زیر چیست؟</p> <p>● اگر خونین‌دلی از جور ایام «لب خندان بی‌اور چون لب جام» به پیش اهل دل، گنجی‌ست شادی که دست‌آورد بی‌رنجی‌ست شادی</p> <p>● عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت / خنده تو، در پاییز / در کناره دریا / موج کف‌آلوده‌اش را / باید برافرازد.</p>		
۲۰	۰/۵	<p>چه ارتباطی بین سروده «خوان هشتم» و بیت زیر وجود دارد؟ توضیح دهید.</p> <p>● یوسف، به این ره‌اشدن از چاه دل میند این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند</p>		
۲۱	۰/۲۵	<p>با توجه به ابیات زیر:</p> <p>بدان‌گاه سوگند پرمایه شاه چنین بود آیین و این بود راه بیامد دوصد مرد آتش‌فروز دمیدند گفتمی شب آمد به روز</p> <p>الف) منظور از «آیین» چیست؟</p> <p>ب) «شب آمد به روز» به چه چیزی اشاره دارد؟</p>		

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	نوبت دوم پایه دوازدهم		آزمون شماره ۱۳	
۲۲	۰/۵	مفهوم مشترک عبارت و شعر زیر را بنویسید. ■ حیات از عشق می‌شناس و مemat بی‌عشق می‌یاب. ■ بی‌عشق زیستن را جز نیستی چه نام است؟ یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است		
۲۳	۰/۵	در بیت زیر به چه موضوعی تأکید شده است؟ گفت: «آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه» گفت: «در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست»		
۲۴	۰/۲۵	با توجه به سروده زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. شاهد نیاز نیست که در محضر آورند دارد اسارت تو به زینب اشارتی از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک؟ در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟ ای مُسَلِّمِ شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟		
	۰/۲۵	الف) این سروده در وصف کیست؟		
	۰/۲۵	ب) بیت سوم چه خصلتی را می‌ستاید؟		
۲۵		در سروده زیر: من به هر جمعیتی نالان شدم هر کسی از ظن خود شد یار من جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم از درون من نجاست آسارِ من		
	۰/۵	الف) منظور از «بدحالان» و «خوش‌حالان» چه کسانی است؟		
	۰/۵	ب) مفهوم کلی بیت دوم را بنویسید.		
	۰/۲۵	ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره) عبارت‌های زیر را معنی کنید. خطوط دشمن شکسته شد.		
	۰/۲۵	۲۶ قوت این که قدم از قدم بردارم نداشتم.		
	۰/۵	۲۷ سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند و ابر، گوهر.		
	۱	۲۸ مصطفی هم جانی گرفت و گرچه هنوز درست دستگیرش نشده بود که مقصود من چیست، آثار شادی در و جناتش نمودار گردید.		
	۰/۵	ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره) اشعار زیر را معنی کنید. چنین است سوگندِ چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند		
	۰/۷۵	۲۹ پس هماوای خروش خشم / با صدایی مرتعش، لحنی زجزمانند و دردآلود / خواند.		
	۰/۷۵	۳۰ اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید.		
	۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	

شماره	نوبت دوم پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلید رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱۶			
	قلمرو زبانی (۷ نمره)			
	الف) واژگان (۱/۵ نمره)			
	معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.			
۱	شیرمردی باید این ره را <u>شگرف</u>			
۲	مشغول تماشا و <u>ورانداز</u> این مخلوق کمیاب بودم.			
۳	پادشاه هر <u>زخمه</u> سنگی را دست‌های کریم تو، میوه‌ای چند شیرین ایثار کند.			
۴	زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت <u>حیثیت</u> مرگ را به بازی نگرفت!			
۵	زنبوری <u>طفیلی</u> شدم و به کنجی پناه بردم.			
۶	تو نماینده فضلای تو سزاوار <u>ثنایی</u>			
	ب) املا (۱/۵ نمره)			
۷	در کدام گزینه نادرستی املایی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید.			
	از درون من نجاست اصرار من	هر کسی از ظن خود شد یار من		
	لیک، کس را دید جان دستور نیست	تن ز جان و جان ز تن مستور نیست		
	پرده‌هایش پرده‌های ما درید	نی، حریف هر که از یاری بُرید		
	قصه‌های عشقِ مجنون می‌کند	نی، حدیثِ راهِ پُرخون می‌کند		
۸	در سروده زیر چند نادرستی املایی وجود دارد؟ تصحیح کنید.			
	آه، دیگر اکنون آن عماد تکیه و امید ایرانشهر / شیرمرد عرصه ناوردهای حول، / پور زال زر، جهان پهلُو، / آن خداوند و سوار رخس بی‌مانند، ... / آری اکنون شیر ایرانشهر / تهمتن گردِ سیجستانی / کوه کوهان، مردِ مردستان / رستمِ دستان، / در تگِ تاریک ژرفی چاه پهناور، / کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر، / چاه قدرِ ناجوانمردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان، / چاه چونان ژرفی و پهناش، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور ... / طعمه دام و دهانِ خوان هشتم بود ...			
	ب) دستور (۴ نمره)			
۹	در متن زیر:			
	تابستان <u>وصال</u> ، درست به هنگام، همچون همه‌ساله، امیدبخش و گرم و مهربان و نوازشگر می‌آمد و ما را از غربتِ زندانِ شهر، به میهن <u>آزاد</u> و دامن‌گسترمان، کویر، می‌برد؛ نه، باز می‌گرداند.			
۱۰	الف) یک وابسته وابسته و نوع آن را نشان دهید.			
	ب) نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.			
	با توجه به مفاهیم گوناگون نشانه «ان» جدول زیر را کامل کنید.			
	واژه	معنا	واژه	معنا
	بهاران		گیلان	
	کوهان		سحرگاهان	
۱۱	در هر یک از موارد زیر نوع جمله (ساده - مرکب) را مشخص کرده و دلیل بیاورید.			
	الف) اگر امروز بیشتر از این به ما بخورانید، همین‌جا بستری شده وبال جانت می‌گردیم.			
	ب) امتناع می‌ورزی و به هر شیوه‌ای هست مهمانان دیگر را هم با خودت همراه می‌کنی.			
۱۲	فعل‌های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.			
	زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه <u>نیست</u> در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه <u>نیست</u>			

ردیف	آزمون شماره ۱۶	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
۱۳	در هر یک از موارد زیر زمان فعل‌های مشخص شده را بنویسید. الف) همی‌داد مژده یکی را دگر که بخشود بر بی‌گنه دادگر ب) باز شکاری که شاهان او را روی شست می‌نشانند، چنین گفت: «من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام.»	قلمرو ادبی (۵ نمره) الف) آرایه‌های ادبی (۳ نمره)				-/۲۵ -/۲۵
۱۴	آرایه ادبی مقابل موارد زیر را بیابید. الف) هر گه یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست‌انابت به امید‌اجابت به درگاه حق جَلَّ و علا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. (جناس و نوع آن) ب) دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم. (کلمات سجع)					-/۵ -/۲۵
۱۵	در متن زیر «مشبه» و «وجه‌شبه» را نشان دهید. تیرانا! من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی آن که زبان به کم‌تر داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر، کرامت باشم و سراپا گشاده‌دستی؛ بی هیچ‌گونه چشمداشتی به سپاس‌گزاری یا آفرین.					-/۵
۱۶	با توجه به ویژگی‌های حماسه (داستانی، قهرمانی، ملی و خرق عادت)، هر یک از ابیات زیر در بردارنده کدام ویژگی است؟ علت را توضیح دهید. الف) بدان‌گاه سوگند پرمایه شاه ب) سیاوش بیامد به پیش پدر پ) چو او را بدیدند برخاست غو چنین بود آیین و این بود راه یکی خود ز زمین نهاده به سر که آمد ز آتش برون شاه نو					-/۲۵ -/۲۵ -/۲۵
۱۷	در عبارت زیر: زمزمه لطیف و سبک و ملایم شما گمان مرا تأیید کرد. می‌بایست هر چه زودتر مخفی‌گاهی پیدا کنم که از هر دیدرسی در امان بمانم. جز گودالی که از کنجکاوای گلوله توپ در خاک فراهم آمده بود، کجا می‌توانست مخفی‌گاه من باشد در زمانی که ماه داشت سربلند از پشت ابرهای تیره بیرون می‌آمد؟ الف) کدام ترکیب «حس آمیزی» است؟ ب) «حسن تعلیل» را نشان دهید.					-/۲۵ -/۲۵
۱۸	هر یک از شعرهای زیر در چه قالبی سروده شده‌اند؟ الف) دماوندیه ب) مست و هشیار					-/۵
۱۹	ب) حفظ شعر (۲ نمره) در کدام موارد، مصراع‌های بیت جابه‌جا آمده است؟ الف) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد ب) بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی پ) آینه نگاهت پیوند صبح و ساحل ت) دیوار زندگی را زین‌گونه یادگاران آن‌گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی گر نور عشق حق به دل و جانت او فتد لبخند نگاهت صبح ستاره‌باران پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند					-/۵
۲۰	مصراع‌های زیر را کامل کنید. الف) ب) دارد اسارت تو به زینب اشارتی					-/۵ -/۵
۲۱	بیت زیر را مرتب کنید. دشت - به - دل - گیاهی - گل - جز - رویت - نمی‌روید / میهن - من - زمین - این - را - ای میهن - زیبا - آزمودم					-/۵

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم		آزمون شماره ۱۶	
ردیف	قلمرو فکری (۸ نمره)			
۲۲	۰/۵	شیرمردی باید این ره را شِگرف نی حدیث راه پرخون می‌کند	زان‌که ره دور است و دریا زرف‌زرف قصه‌های عشق مجنون می‌کند	الف) درک مطلب (۴ نمره) مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید.
۲۳	۰/۵	کزین دو یکی گر شود نابه‌کار همان پنه کزین زشت‌کردار، دل	از آن پس که خواند مرا شهریار؟ بشویم کنم چاره دل‌گیسل	با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. الف) منظور از «این دو» چه کسانی است؟ ب) مفهوم «شستن دل از چیزی» چیست؟
۲۴	۰/۵	ب) کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت	با زخم، نشان سرفرازی نگرفت حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!	درباره ارتباط معنایی موارد زیر توضیح دهید. الف) به دستتان نگاه کردم، دیدم که از مچتان خون می‌ریزد، تفنگ را با دست چپ از من گرفتید و همه را گفتید که بروند، من را هم گفتید و باز برگشتید به حال اولتان، انگار نه انگار که یک دست، از دست داده‌اید.
۲۵	۰/۲۵	الف) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده. ب) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند پ) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان	تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند	مفهوم کلی هر یک از موارد زیر را بنویسید.
۲۶	۰/۲۵	در بیت زیر شاعر چه چیزی را نشانه درک نکردن عشق می‌داند؟ این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند	کان را که خبر شد، خبری باز نیامد	
۲۷	۰/۲۵	با توجه به عبارت زیر: و به حُسن - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حُسن، ممکن نشود الا به واسطه عشق، و عشق، هر کسی را به خود راه ندهد و به همه‌جایی ماوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.		الف) شرط دستیابی به «حُسن» چیست؟ ب) منظور نویسنده از «عشق، هر کسی را به خود راه ندهد» چیست؟
۲۸	۰/۵	ابتدا مفهوم مشترک دو بیت را بنویسید سپس مشخص کنید که این ابیات، یادآور کدام وادی از هفت وادی عشق است؟ ● وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا ● صد هزاران سایه جاوید، تو	هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است گم شده بینی ز یک خورشید، تو	
۲۹	۰/۵	ب) معنی و مفهوم نثر (۲ نمره) عبارت‌های زیر را معنی کنید. خجالت من در خنده بچه‌ها و خودم گم شد.		
۳۰	۰/۷۵	بازش بخواند، باز اعراض کند. بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.		
۳۱	۰/۷۵	من آن شب در آن موضع حاضر بودم و شما را چراغ فرامی‌داشتم و مادرت را اعانت می‌کردم.		

نمره	ردیف	آزمون شماره ۱۴	نوبت دوم پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)	kheilisabz.com
۰/۲۵	۳۲	آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می کرد.	(ب) معنی و مفهوم شعر (۲ نمره) اشعار زیر را معنی کنید.				
۰/۵	۳۳	از پسِ نبردی سخت بازمی‌گردم / با چشمانی خسته / که دنیا را دیده است / بی هیچ دگرگونی					
۰/۵	۳۴	ای مادر سرسپید، بشنو / این پند سیاه‌بخت فرزند					
۰/۷۵	۳۵	چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی / ببايد زدن سنگ را بر سیوی					
۲۰		موفق باشید	جمع نمرات				



مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار

پاسخ‌نامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- شیرۀ درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجه و پرورش او، دانه خرمایی به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.
- ۲- «شبهه»: مثل، مانند
- ۳- الف) خلعت ب) وظیفه‌بریدن
- ۴- «فرومی‌رود» و «برمی‌آید»: تضاد / «حیات» و «ذات»: سجع
- ۵- الف) فعل «است» بعد از «ذات» به قرینه لفظی حذف شده است. (مفترحات است.)
ب) فعل «است» بعد از «رسیده» و «کشیده» به قرینه معنوی حذف شده است. (رسیده است / کشیده است.)
- ۶- محتسب گفت: «تو مستی، به این خاطر تلوتلوخوران راه می‌روی.»
- ۷- «حد»: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
- ۸- کلمه «قرامت» نادرست و شکل صحیح آن «غرامت» است
- ۹- رواج رشوه‌خواری
- ۱۰- گفت‌وگو / مناظره
- ۱۱- هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی
- ۱۲- تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- ۱۳- جامه‌ای را که در راه وطن، غرق در خون نشود، پاره کن؛ زیرا آن جامه، باعث بدنامی تن است و از کفن هم کم‌ارزش‌تر است.
- ۱۴- «مُلک»: سرزمین
- ۱۵- گزینه ۱: عزم
- ۱۶- الف) دعوت به مبارزه برای آزادی ب) مبارزه با سلطه بیگانگان
پ) جان‌فشانی در راه وطن ت) ستمگری‌بودن حاکم زمان
- ۱۷- برف را مانند کلاه‌خودی نقره‌ای بر قلّه داری.
- ۱۸- الف) «مشت روزگار» و «گردش قرن‌ها»
ب) «تو»: نهاد / «گردش»: متمم
- ۱۹- الف) «سیاه‌بخت»: کنایه از بیچاره
- ب) «شرزه» و «گرزه»: جناس ناهمسان (ناقص)
- ۲۰- گزینه ۱: مفهوم مشترک، «ساکت‌نبودن و سخن دل را به زبان آوردن» است.
- ۲۱- روزهای عمر ما عاشقان، با درد عشق به پایان می‌رسد و هر روزمان با سوز عشق، همراه شده است.
- ۲۲- «عرضه‌دادن»: بیان کردن، اظهار کردن
- ۲۳- بله، زیرا در هر دو بیت، یکی از مصراع‌ها مثال یا معادلی برای مصراع دیگر است و مصراع‌ها مستقل هستند.
- ۲۴- «باک نیست»: اهمیتی ندارد / «تو»: عشق
- ۲۵- الف) «نی» نماد انسان آگاهی است که می‌داند از جایگاه اصلی خود دور افتاده است.
ب) «بریدن» در معنای «جداشدن» است.
- ۲۶- کسی به طور قطع می‌تواند عشق را دریابد که در قید و بند خودش نباشد و خود را فراموش کند.
- ۲۷- «حُسن»: نیکویی، زیبایی
- ۲۸- «محبت»: نهاد / «عشق»: مسند
- ۲۹- الف) سهروردی ب) عین‌القضات همدانی
- ۳۰- پیر و برنا: تضاد

۳۱- لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره‌باران

۳۲- فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران

۳۳- «کازبه»: جاکاغذی، جعبه چوبی یا فلزی روباز که برای قراردادن کاغذ، پرونده یا نامه‌ها روی میز قرار می‌دهند.

۳۴- الف) «قاشیه» نادرست و شکل صحیح آن «قاشیه» است.

ب) «حیاط» نادرست و شکل صحیح آن «حیات» است.

۳۵- گزینه ۱: «واژه» متر «ممیز» است.

۳۶- «کی» جناس همسان (تام) دارد: در مصراع اول به معنی «پادشاه» و در مصراع دوم به معنی «چه وقت».

۳۷- الف) «آن»: وابسته وابسته از نوع «صفت مضاف‌الیه»

ب) «بسیار»: وابسته وابسته از نوع «قید صفت»

۳۸- الف) همه به او توجه داشتند. ب) حکمت و علم و ... را رونق بخشیدن

آزمون شماره ۲ (نوبت اول)

- ۱- نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی؛ نمی‌توان مثل و ماندنی برایت نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی.
- ۲- «مگر»: امید است، شاید
- ۳- گزینه ۱: «واژه» سنایی نادرست و شکل صحیح آن «ثنایی» است
- ۴- «مذعیان»: کسانی که حق را نیافته‌اند، اما به زبان مدعی وصال حق هستند.
- ۵- محتسب گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند.»
- ۶- «والی»: حاکم، فرمانروا
- ۷- «شویم» در معنی «برویم» آمده و فعل ناگذر است، «نیست» در معنی «وجود ندارد» یا «حاضر نیست» آمده و فعل ناگذر است.
- ۸- فقر موجود در جامعه
- ۹- غفلت مسئولان از مشکلات جامعه
- ۱۰- گزینه ۲:
- ۱۱- خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد
- ۱۲- گر نور عشق حق به دل و جان او افتد
- ۱۳- تمام فریاد من که مانند پرنده‌ای اسیر هستم، برای وطن است و روش پرنده گرفتار قفس، مانند من است.
- ۱۴- «أهرمن»: اهریمن، شیطان
- ۱۵- «دفتر زمانه»: تشبیه «زمانه»: مشبه؛ «دفتر»: مشبه‌به / «افتادن نام از قلم»: کنایه از فراموش شدن
- ۱۶- «دعای خیر» و «توجه از صمیم قلب به خداوند»
- ۱۷- وقتی زمین از ظلم و ستم آسمان، سرد، سیاه، بی‌صدا و معلق شد.
- ۱۸- «فسرده»: یخ‌زده، منجمد
- ۱۹- در بیت «ب» واژه «زما» نادرست و شکل صحیح آن «ضماد» است. در بیت «پ» واژه «اثاث» نادرست و شکل صحیح آن «اساس» است.
- ۲۰- شاعر علت فراتر از ابرها بودن دماوند را، بیزاری از مردم و پنهان کردن چهره دانسته است: حسن تعلیل / آمدن «روی» و «چهره» و «نهفتن» برای دماوند: تشخیص
- ۲۱- هر کسی از روی حدس و گمان و در حد فهم خود، با من همراه شد.
- ۲۲- آرایه مشترک دو واژه «استعاره» است: «ماهی»، استعاره از «عاشق واقعی» و «آب»، استعاره از «عشق».



- ۱۷- «بنات» و «نبات»: جناس ناهمسان (ناقص) / «بگسترده» و «بپرورد»: سجع
 ۱۸- الف) آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی
 ب) کاین گونه فرصت از کف دادند بی شماران
 ۱۹- الف) گزینه «۲»
 ب) گزینه «۱»
 پ) گزینه «۱»
 ت) گزینه «۲»
 ۲۰- حکومت و قدرت زودگذر
 ۲۱- دوستان شاعر که آزاد هستند و می توانند برای رهایی او اقدامی کنند.
 ۲۲- فاسدبودن حاکمان
 ۲۳- تلاشی نمی کرد.
 ۲۴- ب) دشوار و پرخطر بودن راه عشق
 ت) نقش ظرفیت وجودی افراد در تأثیرپذیری از عشق
 ۲۵- کسی وارد راه عشق می شود که بتواند جان خود را در این راه فدا کند.
 ۲۶- آب را تا باغستان و مزرعه همراهی می کنند.
 ۲۷- هنگام طلوع خورشید کنار قنات حسنی در شهر سیرجان توقف می کردیم.
 ۲۸- یکی از عارفان به حالت تفکر و تأمل فرو رفته بود و در دریای کشف حقایق غرق شده بود.
 ۲۹- آن کسی را که در این سرزمین، پادشاه قرار دادیم؛ امروز مردم یقین دارند که شیطان است.
 ۳۰- آن برفهایی که مانند یک روسری سفید بر سر داری، کنار بزن و بر تختی تیره بنشین.
 ۳۱- حقیقت عشق را هر کسی درک نمی کند. تنها عاشق (بی هوش) محرم است؛ همان طور که «گوش» برای درک سخنان «زبان»، ابزاری مناسب است.

آزمون شماره ۴ (نوبت اول)

- ۱- «غایت»: پایان، نهایت
 ۲- «انابت»: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
 ۳- «مُستعجل»: زودگذر، شتابنده
 ۴- «مُستغرق»: مجذوب، شیفته
 ۵- «پس افکنده»: پس افکنده، میراث
 ۶- «أهورایی»: ایزدی، خدایی، منسوب به اهورا
 ۷- گزینه «۳»: «بحر» نادرست و شکل صحیح آن «بهر» است.
 ۸- کلمات «شبیعة گمنام و قریب» و «عبدیت پر از قدس» نادرست هستند و شکل صحیح آنها «شبیعة گمنام و غریب» و «ابدیت پر از قدس» است.
 ۹- در ترکیب «تاب آفتاب آن جمال»، «آن»، «صفت مضاف الیه» و «جمال»، «مضاف الیه مضاف الیه» است.
 ۱۰- «فرومایه» و «بفله»
 ۱۱- الف) «ناله»: نهاد / «گرفتار»: صفت مضاف الیه (وابسته وابسته) / «قفس»: مضاف الیه مضاف الیه (وابسته وابسته)
 ب) «سلیمان»: مسند
 ۱۲- ضمیر «م» در «گلم» مفعول است. (بوی گل چنان من را مست کرد). ضمیر «م» در «دامنم» مضاف الیه «دست» است. (دامن از دستم برفت).
 ۱۳- شهر را و گیرودار شهر را: عطف / رها کرد و چشمها را منتظر گذاشت و به دهی آمد: ربط
 ۱۴- الف) سجع / ب) تضاد
 ۱۵- گزینه «۴»: «پروانه» در مفهوم نمادین «عاشق واقعی» به کار رفته است.
 ۱۶- الف) «کلاه خود سیمین»: استعاره از برف / «کمر بند آهنین»: استعاره از سنگهای میانه کوه
 ب) «تو قلب فسرده زمینی»: تشبیه («تو»: مشبه؛ «قلب فسرده»: مشبه به)

- ۲۳- هیچ شخص بی تجربه ای حال افراد باتجربه را درک نمی کند.
 ۲۴- گزینه «۲»: مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است و مبنای آن نیز «تشبیه» است.
 ۲۵- همه موجودات روحانی و جسمانی، خواهان رسیدن به کمال هستند.
 ۲۶- «سامان»: درخور، میسر، امکان
 ۲۷- عشق حقیقی، دل و جان را پاک می گرداند.
 نوار مفعول مسند فعل
 ۲۸- «پیربودن عالم»: تشخیص / «پیر» و «برنا»: تضاد
 ۲۹- بازآ که در هوایت خاموشی جنونم
 ۳۰- ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز
 ۳۱- این مقدار پول، مخارج حدود شش ماه من را تأمین می کرد.
 ۳۲- الف) «فرسخ»: ممیز
 ب) «سرهنگها»: مضاف الیه مضاف الیه
 ۳۳- الف) سختی کشیدن
 ب) تحمل سختی برای رسیدن به کمال
 ۳۴- زیاده خواهی و در نتیجه، نداشتن تسلط بر اوضاع
 ۳۵- آماده سفر شدم و به راه افتادم.
 ۳۶- «تموز»: ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه سال شمسی؛ ماء گرما
 ۳۷- گزینه «۳»: تلمیح به تنهایی و غربت امام علی (ع) در شهر کوفه و درد دل گفتن ایشان با چاه.
 ۳۸- الف) اهل علم و ادب، باایمان و خداپرست
 ب) در گذشته علم آموزی به سادگی در دسترس همگان بود اما امروزه کاری رسمی و پر از موانع و مشکلات است.
 ۳۹- آب چشمه بسیار سرد است. / جوجه کبکها بزرگ شده اند.

آزمون شماره ۳ (نوبت اول)

- ۱- «مُحتسب»: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.
 ۲- «کله خود»: کلاه خود، کلاه فلزی که در جنگ بر سر می گذارند.
 ۳- «جفت»: همراه
 ۴- «ممات»: مرگ
 ۵- «إسراء»: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم
 ۶- «طیلسان»: جامه بلند و گشاد، زدا
 ۷- واژه های «تاق ضربی» و «خزر فرخنده پی» نادرست و شکل صحیح آنها «طاق ضربی» و «خضر فرخنده پی» است.
 ۸- گزینه «۱»: «شرهه شرهه» نادرست و شکل صحیح آن «شرحه شرحه» است.
 ۹- الف) فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است. (مزید نعمت است)
 ب) فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنوی حذف شده است. (همان به است)
 ۱۰- الف) «بسیار»: قید صفت
 ب) «همین»: صفت مضاف الیه
 ۱۱- «سریر» و «اورند»
 ۱۲- گزینه «۱»: جمله «آن را عشق خوانند» با مفعول و مسند است. «آنها»: نهاد (که محذوف است); «آن»: مفعول; «عشق»: مسند; «خوانند»: فعل
 ۱۳- جامه: مفعول / پوشیده: مسند
 ۱۴- این شعر در قالب «قطعه» سروده شده است؛ زیرا فقط مصراع های زوج قافیه دارند. (افسار، هموار، بیدار)
 ۱۵- اسلوب معادله؛ در هر دو بیت، یک مصراع در حکم مثال و معادلی برای مصراع دیگر است و هر مصراع مستقل بوده و مبنای آن تشبیه است.
 ۱۶- الف) حُسن تعلیل
 ب) «مردم»: مشبه (مردم دیوماند)
 پ) «ستوران»: استعاره از مردم حیوان صفت و نادان / «شیر سپهر»: استعاره از خورشید



- ۱۷- الف) «مرغ اسیر»: مجازی (منظور، شاعر است)
 ب) «مرغ گرفتار»: حقیقی
- ۱۸- الف) یکدم غریق بحر خدا شو گمان میر
 کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
 ب) در مکتب حقایق پیش ادیب عشق
 هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی
- ۱۹- الف) پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
 ب) تا در زمانه باقی‌سست آواز باد و باران
- ۲۰- برای رسیدن به عشق باید سوز و گداز آن را تحمل کرد.
- ۲۱- ناتوانی در شناخت خداوند
- ۲۲- الف) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی است روزش دیر شد:
 «اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق»
 پ) روزها گر رفت، گو رو، باک نیست / تو بمان ای آن که جز تو پاک نیست: «مهم‌تر بودن عشق از همه چیز حتی عمر»
- ۲۳- عدالت‌خواهی و ثابت‌قدم بودن در این راه
- ۲۴- ثروتمند و مهمان‌نواز
- ۲۵- ستاره‌های زیبای خوشه پروین پیدا شدند.
- ۲۶- شیدایی عشق، بالارزش‌تر از هوشیاری جهان است.
- ۲۷- در اثر توجه و پرورش او، دانه خرما به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.
- ۲۸- وقتی که من به آن درگاه برسم و فروغ خورشید آن زیبایی بر من بناید، خودم را هم فراموش می‌کنم، چگونه تو را در یاد داشته باشم؟
- ۲۹- برای این که مردم تو را نبینند، چهره عزیز خود را پشت ابر پنهان کرده‌ای.
- ۳۰- محتسب گفت: «متوجه نیستی که به خاطر مستی، کلاه از سرت افتاده و بی‌اعتبار شده‌ای.» مست گفت: «در سر باید عقل باشد، بی‌کلاهی عیب نیست.»
- ۳۱- خضر پیامبر که او را مبارک‌قدم نامیدند، روش طی کردن راه عرفان و شناخت حق را از دعای پیر راه به دست آورد.

آزمون شماره ۵ (نوبت اول)

- ۱- «باسق»: بلند
- ۲- «داروغه»: پاسبان و نگهبان، شبگرد
- ۳- «بهر»: برای
- ۴- «سوء هاضمه»: بدگواری، دیرهضمی، هرگونه اشکال یا اختلال در هضم غذا که معمولاً با سوزش سر دل یا نفخ همراه است.
- ۵- «مشایعت»: همراهی
- ۶- «برنا»: جوان
- ۷- گزینه «۱»: در این گزینه واژه «غریب» نادرست و به صورت «قریب» صحیح است.
- ۸- کلمات «معمور» و «آر» نادرست و شکل صحیح آنها «مأمور» و «عار» است.
- ۹- الف) «خضر»: نهاد (خضر، آیین طریق از نفسی پیر مغان یافت).
 ب) «هرگز»: قید
- ۱۰- الف) «همت»: عزم و اراده
 ب) «همت»: دعای خیر، توجه از صمیم قلب به خداوند
- ۱۱- الف) واژه «پرخون»، «صفت مضاف‌الیه» است و واژه «مجنون»، «مضاف‌الیه مضاف‌الیه» است.
 ب) واژه «این»، «صفت مضاف‌الیه» است.
- ۱۲- الف) «نیست» در معنی «وجود ندارد» یا «حاضر نیست» آمده است و فعل غیراسنادی است.

آزمون شماره ۶ (نوبت دوم)

- ۱- دست خود را به نشانه توبه و با امید پذیرش توبه‌اش به سمت خداوند بزرگ و والامقام بردارد.
- ۲- تشبیه (مکاشفت: مشبه؛ بحر: مشبه‌به)
- ۳- «دینار»: واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است. در اینجا، مطلق پول است.
- ۴- در این بیت به دورویی نصیحت‌گویان و کسانی که مردم را از کار بد منع کرده‌اند اما خودشان اهل گناه بوده‌اند، اشاره شده است. در این درس نیز دورویی محتسب نشان داده شده است.



- ۳۸- «که»: حرف ربط وابسته ساز / «و» (پس از «تکرار می کردند»): حرف ربط هم پایه ساز
 ۳۹- «هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم»: مشبه
 «نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم»: مشبه به
 ۴۰- آلفونس دوده
 ۴۱- شاعر به عشق بی پایان خود اشاره کرده است.

آزمون شماره ۷ (نوبت دوم)

- ۱- شیرۀ درخت انگور به قدرت الهی، به بهترین شیرینی (انگور) تبدیل شده است.
 ۲- «پویدن»: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست و جوی چیزی، تلاش، رفتن
 ۳- غفلت مسئولان از مشکلات جامعه
 ۴- «مکتب حقایق» و «ادیب عشق»: تشبیه؛ «حقایق» و «عشق»: مشبه؛ «مکتب» و «ادیب»: مشبه به
 ۵- خواب و خورت ز مرتبه خویشت دور کرد
 آن گه رسی به خویشت که بی خواب و خور شوی
 ۶- «موافق»: هم رأی و همراه
 ۷- محمدعلی شاه
 ۸- الف) «تو»: نهاد
 ب) «قلب فسرده زمین»: گروه اسمی در نقش مسند
 ۹- نغمه های نی، همدم هر عاشق جدانشده از معشوق است.
 ۱۰- ترکیب «فرز و واجب» نادرست و شکل صحیح آن «فرض و واجب» است.
 ۱۱- بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران
 ۱۲- «دل گرمی»: امیدواری / «دم سردی»: ناامیدی
 ۱۳- مطیع شدن
 ۱۴- ای دوست، اگر دیروز (قبل از انقلاب)، غم حاصل زندگی ما را نابود کرده بود؛ اما امروز (زمان انقلاب)، امید رشد و شکوفایی در کشور دیده می شود.
 ۱۵- «و» در مصراع اول حرف «ربط» است زیرا بین دو جمله آمده (من بودم و یک چمن داغ بود) اما در مصراع دوم حرف «عطف» است زیرا بین دو کلمه آمده است.
 ۱۶- «مُصِر»: اصرار کننده، پافشاری کننده
 ۱۷- الف) «ص» ب) «ص» پ) «سراغ» ت) «روضه»
 ۱۸- ای مسلم شرف به کجا می کنی نگاه؟
 ۱۹- گروهی از مردم به دورش جمع شدند و از او جانبداری کردند و به او قدرت دادند و به پادشاهی رسید.
 ۲۰- الف) «نرم سخن گفتن»: حس آمیزی / «رخ»: مجاز از کل وجود / «شهر» و «دشت»: مجاز از مردم شهر و دشت
 ب) بیت شماره (۲) به خاطر حضور «سیاوش» و ویژگی «قهرمانی» را نشان می دهد و بیت شماره (۳) به خاطر گذر از آتش و نسوختن، ویژگی «خرق عادت» را در خود دارد.
 ۲۱- هفت خوان را، آزادسرو مرو یا به قولی دیگر، «ماخ سالار» آن مرد گرامی، آن هراتی خوب و بالیمان روایت کرد.
 ۲۲- «طاق»: فرد، یکتا، بی همتا
 ۲۳- به هر مجلس به هر زندان، به هر شادی به هر ماتم
 ۲۴- مردم بسیاری عاشق او هستند.
 ۲۵- «اکناف»: جمع کُنف؛ اطراف، کناره ها
 ۲۶- گرچه گل بس صاحب جمال هست، حسن او در هفته ای زوال گیرد.
 ۲۷- الف) کسانی که برای پادشاه، خداوند را عبادت می کنند.
 ب) «مار»: ابلیس؛ «گلشن»: بهشت
 ۲۸- تمام توجهم به مصطفی است.
 ۲۹- «استیصال»: ناچاری، درماندگی
 ۳۰- محمدعلی جمال زاده
 ۳۱- الف) «شکم را صابون زدن»: خود را برای خوردن چیزی آماده کردن
 ب) «ساعت شماری کردن»: بی صبرانه انتظار کشیدن

- ۵- در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی
 ۶- گزینه «۱» واژه «بحر» نادرست و شکل صحیح آن «بهر» است.
 ۷- ای هم وطنان! در راه آزادی خویش فکری بنمایید که هر کس نکند، مثل من است.
 ۸- اساس این دورویی را از پایه نابود کن و اصل و تبار آن را از بنیاد برکن.
 ۹- قصیده
 ۱۰- الف) «مستور» و «دستور»: جناس ناهمسان (ناقص)
 ب) در بیت «اسلوب معادله» دیده می شود، زیرا مصراع دوم در حکم مثالی برای مصراع اول است و بین دو مصراع نوعی تشبیه دیده می شود و هر دو مصراع مستقل هستند.
 ۱۱- «بی خودی»: بی هوشی، حالت از خود زستگی و به معشوق پیوستن
 ۱۲- گزینه «۴»
 ۱۳- آینه نگاهت پیوند صبح و ساحل
 ۱۴- توقف کوتاهی کردیم.
 ۱۵- فرمان بردن
 ۱۶- «بزرگ»: صفت مضاف الیه / «اسلام»: مضاف الیه مضاف الیه
 ۱۷- نه تنها این مهربانی را با محبت باید نشان دهی، بلکه وجود بخشنده تو باید چنان باشد که برای هر ضربه سنگی، چند میوه شیرین به عنوان پاداش ببخشد.
 ۱۸- واژه «غربت» به معنای «دوری» است و هم آوای آن «قریت» به معنای «نزدیکی» است.
 ۱۹- به سرعت برخاستم و به طرف شما دویدم.
 ۲۰- کلمات «سراق گرفتن» و «خبر قابل ارض» نادرست و شکل صحیح آنها «سراغ گرفتن» و «خبر قابل عرض» است.
 ۲۱- یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟
 ۲۲- «هیون»: شتر، به ویژه شتر قوی هیکل و درشت اندام
 ۲۳- «رعیت و اذیت»: «دراز و آغاز»: سجع
 ۲۴- صدای مرد قضا گو، پر از اندوه و زاری بود.
 ۲۵- «تزویر»: نیرنگ، دورویی، ریاکاری
 ۲۶- الف) «چشم»: مفعول / «تن»: متمم
 ب) «رفته بود»: ماضی بعید / «داشت می خوابید»: ماضی مستمر
 ۲۷- تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی
 ۲۸- هر کسی به ارزش و جایگاه خود پی می برد و در حقیقت از مقام خود آگاه می شود.
 ۲۹- چیزی برتر از این جهان را طلب کردن؛ وادی طلب
 ۳۰- خودت خوب می دانی که در این شب عیدی اوضاع مالی در چه وضعیتی است و اصلاً توانایی مالی برای خریدن لوازم غیر ضروری وجود ندارد.
 ۳۱- «آزگار»: زمانی دراز، به طور مداوم، تمام و کمال
 ۳۲- «اگر» پیوند وابسته ساز / «و» (پس از فعل نیآورده ای): پیوند هم پایه ساز
 ۳۳-

مفهوم	کنایه	مفهوم	کنایه
بیچاره	مادر مرده	بی عرضه	بی دست و پا
نادیده گرفتن، کنار گذاشتن	خط کشیدن	میزان توانایی خود را نشان دادن	چند مرده حلاج بودن

۳۴- «اکتفا کردن»: بسنده کردن، کافی شمردن
 ۳۵- الف) «ان» در «بهاران» پسوند زمان است به معنای «هنگام بهار»؛ مانند سحرگاهان (هنگام سحر)
 ب) «عشق» هسته و در نقش «منادا» آمده است.
 ۳۶- رها کردن بلند پروازی و نیز محدودیت انسان از درک جهان بی پایان
 ۳۷- «مَعَمَّر»: سالخورده



- ۲۷- مصطفی هم نیرویی گرفت اما هنوز کاملاً متوجه نشده بود که خواسته من چیست.
- ۲۸- «سرسرای امارت» نادرست و شکل صحیح آن «سرسرای عمارت» است.
- ۲۹- خداوند را باید فاعل حقیقی کارها دانست.
- ۳۰- «آخته»: بیرون کشیده، برکشیده
- ۳۱- الف) «خاوران»: مکان خاور (شرق)، محل طلوع خورشید (مشرق)
ب) «خندان»: صفت فاعلی
پ) «کوهان»: کوهان شتر، مانند کوه
ت) «کاوایان»: منسوب به کاه
- ۳۲- الف) مرگب (زیرا دو جمله با حرف وابسته ساز «که» به هم متصل شده اند).
ب) ساده (زیرا حرف هم پایه ساز «و» بین دو جمله آمده است).
- ۳۳- عبدالحسین زرتین کوب
- ۳۴- بی پایان بودن عشق من و ارزش و زیبایی تو

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- «وهم»: پندار، خیال، تصوّر
- ۲- گزینه «۲»: واژه «خان» نادرست و شکل صحیح آن «خوان» است.
- ۳- محتسب گفت: «متوجه نیستی که به خاطر مستی، کلاه از سرت افتاده و بی اعتبار شده‌ای.»
- ۴- «درهم»: دَرم، مسکوک نقره
- ۵- بنیاد هستی تو چو زیر و زیر شود
- ۶- مقام بلند نویسندگان و شاعران (اهل اندیشه)
- ۷- الف) ای دل زمانه منفجر شو.
- ب) «آن»: صفت اشاره (وابسته پیشین) / «آتش»: هسته / «خود»: مضاف‌الیه (وابسته پسین)
- ۸- من در میان هر گروهی از درد جدایی نالیدم و با بدحالان (رهروان گند و غمگین) و خوش حالان (رهروان سریع و شاد) همراه شدم.
- ۹- «عشق، آتش است»: تشبیه «عشق»: مشبّه: «آتش»: مشبّه‌به / «رخت نهادن»: کنایه از اقامت کردن / «به رنگ خود گرداندن»: کنایه از دیگران را با خود موافق کردن
- ۱۰- تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران
- ۱۱- از پاریز تا پاریس
- ۱۲- نهایت آرزو، مهم‌ترین خواسته، کمال مطلوب
- ۱۳- زیرا قصد دارد انگیزه درونی و علاقه شاگردان به علم‌آموزی را نشان دهد.
- ۱۴- دیروز (قیل از انقلاب) با حس غربتی که در کشور بود، من اندوهی بزرگ در دل داشتم؛ اما امروز روشنی و امید در برابر ماست.
- ۱۵- «برگ و بار من و تو»: مفعول
- ۱۶- با وجود هوش زیادی که دارید، فهمیدن نزدیکی حمله، عجیب نیست.
- ۱۷- «دنج»: ویژگی جای خلوت و آرام و بدون رفت‌وآمد
- ۱۸- با آخرین نیرویشان به دشمن شلیک می‌کردند.
- ۱۹- حُسن شهادت از همه حسنی فراتر است
ای محسن شهید من، ای حسن بی‌گناه
- ۲۰- با کمک نیروی خداوند نیکی‌کننده از این آتش بزرگ هیچ اضطراب و حرارتی به من نخواهد رسید.
- ۲۱- «عفاف»: رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی
- ۲۲- همه صمیمی بودند. فضای قهوه‌خانه گرم و روشن بود و مرد قصه‌گو، پیغام گرم و گیرایی داشت. به راستی که جمع دوستانه‌ای بود.
- ۲۳- اگر مستم اگر هشیار، اگر خوابم اگر بیدار
- ۲۴- «ازم» و «مخاسمت» نادرست و شکل صحیح آنها «عزم» و «مخاصمت» است.
- ۲۵- ظهیری سمرقندی
- ۲۶- «هم‌قطار»: هر یک از دو یا چند نفری که از نظر درجه، رتبه و یا موقعیت اجتماعی در یک ردیف هستند.

- ۳۲- «اگر»: حرف ربط وابسته‌ساز / «اما»: حرف ربط هم‌پایه‌ساز
- ۳۳- الف) «نبرد»: سختی‌ها / «چشمان»: کل وجود
ب) به من امید و انگیزه می‌بخشد.
- ۳۴- کهنه نمی‌شود، همیشه زنده است، عشق را مهم‌ترین چیز می‌داند و به ظاهر توجهی ندارد.

آزمون شماره ۸ (نوبت دوم)

- ۱- ای پیامبر، وقتی مسلمانان پشتیبانی چون تو دارند، غمی ندارند؛ همان‌طور که آن کس که در کشتی نوح باشد از موج و طوفان دریا ترسی ندارد.
- ۲- فعل «است» بعد از «ذات» به قرینه لفظی حذف شده است. (مفّرح ذات است).
- ۳- «وجه»: ذات، وجود
- ۴- آن‌گه رسی به خویش که بی خواب و خورشوی
- ۵- فداکاری در راه رسیدن به استقلال و آزادی وطن
- ۶- «مردم»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه؛ «خردمند»: صفت مضاف‌الیه
- ۷- الف) دو واژه «حکایت» و «شکایت»، «جناس ناهمسان (ناقص)» دارند.
ب) «سینه»: مجاز از «شونده دردمند»
- ۸- «نغمه»: نوا، ترانه، سرود
- ۹- الف) گزینه «۲»
ب) گزینه «۱»
- ۱۰- گزینه «۳»: واژه «مقان» نادرست و شکل صحیح آن «مغان» است.
- ۱۱- محمدابراهیم باستانی پاریزی
- ۱۲- الف) در آغاز نتیجه‌دادن تلاش‌هایش و در زمانی که فصل شکوفایی علمی و اجتماعی او رسیده بود.
ب) کناره‌گیری از دنیا
- ۱۳- من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه‌دار - بدون اینکه کمترین خواسته‌ای را به زبان بیاورم - با تمام وجود - سخاوت و بخشنده‌گی داشته باشم.
- ۱۴- «برزخ»: حد فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت
- ۱۵- سراپا اندوه بودن
- ۱۶- «کلافه»: بی‌تاب و ناراحت به علت قرارگرفتن در وضع آزاردهنده
- ۱۷- الف): «حرف»: مجاز از سخن
ب) «گرم کردن دل»: کنایه از امیدوار کردن
- ۱۸- شاهد نیاز نیست که در محضر آورند
- ۱۹- یک نفر باید از آتش عبور کند.
- ۲۰- وقتی جمعیت مردم کم شد، درآمد کشور نیز کاسته شد.
- ۲۱- سپاه دشمن از آن شهر گذشت. (عبور کرد) / ده سال از دوستی ما گذشت. (سپری شد) / خداوند از خطای او گذشت. (چشم پوشید)
- ۲۲- «تگ»: ته و بِن و پایین، همچون ته حوض و بن چاه
- ۲۳- گزینه «۲»: واژه «تاق» نادرست و شکل صحیح آن «طاق» است.
- ۲۴- من این زیبا زمین را آزمودم، میهن ای میهن
- ۲۵- عشقی که از گل در فکر و اندیشه دارم برایم کافی است؛ زیرا گل زیبا به عنوان معشوق برایم کافی است.
- ۲۶-

پرنده	نماد
سیمرغ	خداوند
هدهد	انسان کامل و آگاه به مسیر
جغد	انسان‌های گوشه‌گیر و وابسته به دنیا
طاووس	کسانی که برای پاداش، خداوند را عبادت می‌کنند.



- ۲۴- خداوند آبروی بندگان را به سبب گناه آشکار نمی‌برد.
- ۲۵- پیمودن راه عشق (قدم در راه عاشقی گذاشتن) برای کسی امکان دارد که به فکر خودش نباشد.
- ۲۶- یکی که ادعای شعر و شاعری داشت، جلو رفت و پیشانی شاعر را بوسید.
- ۲۷- روزگاری همه مردم یا کشورها به روم توجه داشتند و از آن حساب می‌بردند (از قدرتش می‌ترسیدند).
- ۲۸- مانند اژدهای سمی یا خطرناک حمله کن.
- ۲۹- در دوران گذشته، در کشورم درد و غم زیادی وجود داشت. (ما با مصیبت‌های زیادی همراه بودیم).
- ۳۰- رستم در ته چاهی که به جای آب، شمشیر و سرنیزه زهرآلود داشت، گم شده بود.
- ۳۱- اگر می‌خواهی حقیقت را آشکار کنی، باید دست به آزمودن آنها بزنی. (دست به آزمایش بزنی).
- ۳۲- گزینه «۲»
- ۳۳- توجه به باطن و حقیقت هر چیز و پرهیز از ظاهر بینی
- ۳۴- بیگانه‌ستیزی، عدم وابستگی به بیگانگان
- ۳۵- عقل و خرد مهم‌تر از حفظ ظاهر و رعایت آن است.
- ۳۶- گزینه «۱»
- ۳۷- الف) معرفت (ب) توحید (پ) استغنا
- ۳۸- گزینه «۲»
- ۳۹- عشق حقیقی، شهادت در راه حق، از جان گذشتگی
- ۴۰- گزینه «۲»
- ۴۱- توجه به اهمیت زبان ملی و تلاش برای حفظ آن

آزمون شماره ۱۱ (نوبت دوم)

- ۱- الف) «گرزه»: نوعی مار سمی (ب) «معمر»: سالخورده
 (ب) «اجانب»: بیگانگان (ت) «استیصال»: درماندگی
 (ث) «تموز»: ماه گرما، ماه دهم از سال رومیان، مطابق تیرماه شمسی
 (ج) «آخته»: بیرون کشیده
- ۲- الف) بهر (ب) سموم (پ) فایق
- ۳- الف) حزين‌ترین (ب) خوار (پ) هریوه
- ۴- الف) صفت مضاف‌الیه (ب) ممیز
- ۵- الف) فعل نگیر (از من نگیر) («تو» که نهاد است نیز حذف شده است).
 (ب) اقا
- ۶- الف) مکان (ب) شباهت
- ۷- الف) ماضی نقلی (ب) ترکیب اضافی
- ۸- «چون زمین ز جور گردون سرد و سیه و خموش و آوند گشت.»
- ۹- الف) فراهم کرد (ب) سازش کرد
- ۱۰- بدل: پایتخت ایتالیا یا معطوف: باروهای دودخورده
- ۱۱- عشق: نهاد (پاک: مسند)
- ۱۲- الف) حسن تعلیل (ب) اسلوب معادله (پ) تلمیح
- ۱۳- عاشقان مجازی
- ۱۴- انتظار کشیدن
- ۱۵- صدای گرم: حس آمیزی
- ۱۶- قلب یا قلبم
- ۱۷- استعاره
- ۱۸- جناس همسان (تام)
- ۱۹- الف) بیداری ستاره، در چشم جویباران
 (ب) یا نه! سر بریده خورشید شامگاه؟
 (پ) به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن
 (ت) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

- ۲۷- الف) این عبارت دو مفعول دارد: ۱) تخلص (مفعول فعل «می‌دانم») ۲) عبارت «من تخلص را ... متروک گردد.» (مفعول فعل «گفت»؛ یعنی این عبارت، پاسخ «چه چیز را گفت؟» است.)
- ب) دو مسند در جمله‌ها دیده می‌شود: ۱) عبارت «از زواید و از جمله رسوم و عاداتی که باید متروک گردد.» (مسند برای فعل «می‌دانم») ۲) متروک (مسند برای فعل «گردد»)
- ۲۸- «کلمه»: مجاز از سخن / «گره»: استعاره از مشکل
- ۲۹- «بال‌های باد»: تشخیص (باد به پرندهای تشبیه شده که بال دارد و چون مشبیه یعنی پرند زکمر نشده استعاره است.) / «به پایان دریای بی‌کران رسیدن»: متناقض‌نما (پایان داشتن چیزی که بی‌پایان است.)
- ۳۰- الف) «صفت اشاره»: چنین (ب) «صفت بیانی»: خلوت
 (پ) «منادا»: مسافر (ت) «صفت شمارشی»: یک
- ۳۱- «ابهت»: بزرگی و شکوه که سبب احترام یا ترس دیگران می‌شود.
- ۳۲- الف) نوشتن زیباترین توصیفات برای معشوق
 (ب) قصه عشق هرگز کهنه نمی‌شود.
- ۳۳- «خوابی برای کسی دیدن»: نقشه کشیدن برای او / «سر خویش گرفتن»: به دنبال کار خود رفتن

آزمون شماره ۱۰ (نوبت دوم)

- ۱- الف) «مسلک»: روش، طریق (ب) «معبور»: محل عبور، گذرگاه
 (پ) «طیلسان»: نوعی ردا (ت) «صحیفه»: کتاب
- ۲- الف) مراقبت (ب) تجرید
- ۳- الف) بهر (ب) قدغن
- ۴- الف) اصرار (ب) هول
- ۵- «مستور و پوشیده»: «شرزه شیر ارغند»
- ۶- الف) معنوی (حذف فعل است) (ب) لفظی (حذف فعل است)
- ۷- الف) مسند (ب) مفعول
- ۸- الف) درست (ب) نادرست؛ هر دو ترکیب «وصفی» هستند.
- ۹- معطوف: شهریاری
 بدل: پرنده‌گان یا بلندترین کوه روی زمین
- ۱۰- الف) ممیز (ب) قید صفت
- ۱۱- گزینه «۲»
- ۱۲- الف) بابکان: منسوب به بابک (نسبت)
 (ب) خندان: نشانه صفت فاعلی (حالیه)
- ۱۳- نمی‌شود: مضارع اخباری
 انداخته‌اند: ماضی نقلی
- ۱۴- اقا
- ۱۵- در این بیت به زندگی پادشاه اساطیری ایران، جمشید اشاره شده است که جام جهان‌بینی داشت و در آن احوال جهان را می‌دید.
- ۱۶- پرده به دو معنی به کار رفته است؛ اول، نغمه و آواز؛ دوم، حجاب و پوشش.
- ۱۷- اسلوب معادله، زیرا مصراع دوم در هر بیت، مصداقی برای مصراع اول آن است.
- ۱۸- کنایه (تناسب یا مراعات نظیر و ایهام نیز درست است).
- ۱۹- مناظره
- ۲۰- الف) ملی (ب) خرق عادت
- ۲۱- الف) خنده، عشق و شادی و ... (ب) دوران حکومت قبل از انقلاب
- ۲۲- گزینه «۲»
- ۲۳- الف) در دادگاه عشق رگ گردنت گواه
 (ب) ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران
 (پ) کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی



- ۱۹- گزینه «۲»
 ۲۰- ای محسن شهید من، ای حُسن بی‌گناه
 ۲۱- تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی
 فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن
 ۲۲- الف) من با سجده، خود را مانند خاک در برابر عظمت پروردگار، پست و کوچک می‌کنم.
 ب) همه پرنده‌گان (مرغان)، بهانه‌ها را کنار گذاشتند (رها کردند).
 ۲۳- الف) هر جایی که عشق باشد هیچ چیز دیگری غیر از عشق وجود نخواهد داشت
 یا فقط عشق مقیم می‌شود (وجود پیدا می‌کند).
 ب) اختیارم را از دست دادم.
 ۲۴- در کویر، معنویت وجود دارد.
 ۲۵- الف) رستم در چاه نیرنگ و حیلۀ (شغاد) افتاد و کشته شد.
 ب) باید (برای تشخیص خطاکار بودن یا نبودن آن دو نفر) آنها را آزمایش کنیم.
 ۲۶- الف) اوضاع جامعه، نابسامان (نامساعد) است.
 ب) پایه و بنیان این همه مکر و فریب را نابود کن.
 ۲۷- راه دشوار و پر از سختی عشق
 ۲۸- اگر به خدا باور و توجه قلبی داری، دل‌کنند تو از علایق مادی (دنیوی) موجب رسیدن تو به حیات معنوی و روحانی می‌گردد.
 ۲۹- الف) لبخند
 ب) نماد انسان‌های ناجوانمرد و حيله‌گر
 ۳۰- امت مسلمان با یاری (شفاعت) پیامبر اکرم (ص) دلگرم (امیدوار) و شکست‌ناپذیر می‌گردند.
 ۳۱- توحید یا وادی پنجم
 ۳۲- کاری که از دست و اختیار خارج شد و قابل جبران نیست.
 ۳۳- معرفت - محبت
 ۳۴- راه دشوار و پرخطر عشق
 ۳۵- نفس تازه کرد.

آزمون شماره ۱۳ (نوبت دوم)

- ۱- «شیر سپهر»: خورشید
 ۲- «مُحِبَّ»: دوستدار، یار، عاشق
 ۳- «تعلُّل»: عذر و دلیل آوردن، به تعویق انداختن چیزی یا انجام کاری، درنگ، اهمال کردن
 ۴- «مَنْتَشَا»: نوعی عصا که از چوب گره‌دار ساخته می‌شود و معمولاً درویشان و قلندران به دست می‌گیرند؛ برگرفته از نام «مَنْتَشَا» (شهری در آسیای صغیر)
 ۵- «عاریه»: آنچه به امانت بگیرند و پس از رفع نیاز، آن را پس دهند.
 ۶- «سرحد»: مرز، کرانه
 ۷- گزینه «۴»: واژه «منصوب» نادرست و «منسوب» صحیح است.
 ۸- دو واژه «غضه» و «ایار» نادرست و شکل صحیح آنها «قَصه» و «عیار» است.
 ۹- الف) «محتسب»: نهاد / «پیراهن»: مسند
 ب) «قاضی»: مضاف‌الیه / «بیدار»: مسند
 ۱۰- الف) «این» و «آخرین»: صفت مضاف‌الیه؛ «درس»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه
 ب) «سربازان»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه؛ «بیگانه»: صفت مضاف‌الیه
 ۱۱- الف) «یاران»: منادا
 ب) «پرنده‌گان»: بدل از «ما»؛ «اکناف» و «شهریار»: معطوف؛ «بلندترین کوه روی زمین»: بدل از «کوه قاف»
 ۱۲- فعل «بود» از پایان مصراع اول به قرینه لفظی، حذف شده است. (یک چمن داغ [بود])
 ۱۳- ضمیر: «-م» در «همینم بس» متمم است (برای من همین بس) / ضمیر «-م» در «بدین سعادت رهنمون بود» مفعول است (من را بدین سعادت رهنمون بود)
 ۱۴- الف) «سنگ بر سبو زدن»: کنایه از آزمودن
 ب) «شستن دل»: کنایه از آسوده کردن خیال

- ۲۰- رشوه‌خواری حاکمان جامعه
 ۲۱- گزینه «۴»: استغنا
 ۲۲- عالم معنا و حقیقت، درگاه حق
 ۲۳- آماده‌شدن (خود را معطر ساختن) برای رویارویی با مرگ
 ۲۴- لبخند
 ۲۵- ملک‌الشعرای بهار (خود شاعر)
 ۲۶- اتحاد و همبستگی با مردم (رسیدن به وحدت و یکپارچگی)
 ۲۷- عشق
 ۲۸- الف) و صبح، هنگام طلوع خورشید کنار «قنات حسنی» در شهر سیرجان اقامت کردیم.
 ب) گذرگاه تمام شد و وارد محوطه (میدان) پیش روی سنگرهای دشمن شدیم.
 پ) و سفره نعمت‌های بی‌مضایقه و سخاوتمندانه خداوند برای همه پهن شده است.
 ت) در این میان، صدای زنگ تلفن از راهروی خانه بلند شد.
 ۲۹- الف) گفت: خانه حاکم نزدیک است؛ به آنجا برویم.
 ب) این شعر من ملاک سنجش محبت و دشمنی مردان و نامردان است.
 پ) هر کس به ارزش و جایگاه خود پی می‌برد و در حقیقت از مقام خود آگاه می‌شود.
 ت) روزهای عمر عاشقان یا سوز و گداز و هجران سپری شد.

آزمون شماره ۱۲ (نوبت دوم)

- ۱- الف) «ثنا»: ستایش، سپاس
 ب) «حَضار»: آنان که در جایی یا مجلسی حضور دارند
 پ) «احداث»: ساخته‌شدن
 ۲-

ردیف	واژه معادل
۱	دمساز
۲	اعانت

- ۳- گزینه «۴»: «صحیفه» به معنای «کتاب» است.
 ۴- الف) شیخ (ب) حوزه (پ) سورت
 ۵- الف) چریغ (ب) خوار
 ۶- گزینه «۲»: خستگان
 ۷- الف) وصفی (ب) مسند
 پ) داستان من / پاییز / کناره دریا (این سه گروه اسمی بعد از حرف اضافه آمده و متمم هستند).
 ت) مضارع التزامی
 ۸- الف) دو گروه اسمی مفعولی: «عشق مرا» و «سجایای ارزشمند تو»
 ب) همپایگی (حرف ربط هم‌پایه‌ساز)
 ۹- الف) هسته: معلّم (ب) صفت مضاف‌الیه
 پ) خاطرات (معطوف)
 ۱۰- سه جمله
 ۱۱- جامه‌ای کاو بهر وطن غرقه به خون نشود.
 ۱۲- الف) فعل «است» از پایان جمله حذف شده است.
 ب) حذف به قرینه معنوی
 ۱۳- مراعات نظیر (شبکه معنایی)
 ۱۴- الف) شجاع شدم یا نترسیدم
 ب) چه‌قدر توانایی داری
 ۱۵- ۱) تضاد (روحانی و جسمانی) ۲) جناس (ساروان و کاروان)
 ۳) اسلوب معادله ۴) حس آمیزی (بوی حمله)
 ۱۶- فایق / باسق (شده و گشته هم می‌تواند سجع باشد).
 ۱۷- نماد انسان‌های جاه‌طلب و طالب مقام و منصب
 ۱۸- گزینه «۱»



۱۰-

واژه	معنا	واژه	معنا
بهاران	هنگام بهار	گیلان	محل استقرار قوم گیل
کوهان	مانند کوه	سحرگاهان	هنگام سحر

- ۱۱- الف) جملهٔ مرکب، زیرا پیوند وابسته‌ساز «اگر» دو جمله را به هم وابسته کرده است. ب) جملهٔ ساده، زیرا پیوند هم‌پایه‌ساز «و» دو جمله را هم‌پایه کرده است.
- ۱۲- «نیست» در مصراع اول فعل اسنادی و «آگاه» مسند آن است، اما در مصراع دوم به معنی «وجود ندارد» آمده و غیراسنادی است.
- ۱۳- الف) «همی‌داد»: ماضی استمراری (می‌داد)
ب) کوشیده‌ام: ماضی نقلی
- ۱۴- الف) «ثابت» و «اجابت»: جناس ناهمسان (ناقص)
ب) «کردم»، «برآوردم» و «دارم»: سجع
- ۱۵- «من»: مشبّه؛ «زبان به داعیه نگشودن»، «سراسر کرامت و گشاده‌دستی بودن» و «بی چشمداشت بودن به سپاس‌گزاری»: وجه‌شبهه
- ۱۶- الف) «ملی»، زیرا به آداب و رسوم اشاره می‌کند.
ب) «قهرمانی»، حضور سیاوش که قهرمان داستان است.
- پ) «خرق عادت»، عبور از آتش و آسیب‌ندیدن ویژگی خرق عادت است.
- ۱۷- الف) «زمزمهٔ لطیف و سبک»: حس‌آمیزی
ب) «علت ایجاد گودال، کنجکاوای گلوله است»: حُسن تعلیل
- ۱۸- الف) قصیده
ب) قطعه
- ۱۹- مصراع‌ها در موارد «ب» و «ت» جابه‌جا آمده است.
- ۲۰- الف) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند
ب) از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟
- ۲۱- به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید
من این زیبا زمین را آزمودم، میهن ای میهن!
- ۲۲- سختی راه عشق و پرخطر بودن این مسیر
۲۳- الف) سیاوش و سودابه
ب) آسوده‌خاطر شدن از چیزی
- ۲۴- هر دو توصیف‌کنندهٔ رزمندگان شجاعی است که جانبازی و فداکاری را افتخار می‌دانند و در دل، هیچ هراسی از مرگ ندارند.
- ۲۵- الف) پاک‌کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی
ب) غافل‌نشدن از پروردگار جهان
پ) ریخته‌شدن خون مظلومان
- ۲۶- مدعی رسیدن به عشق بودن
۲۷- الف) عشق، شرط رسیدن به حُسن است.
ب) منظور نویسنده، مقدّس و بلندمرتبه بودن عشق است.
- ۲۸- فناشدن در راه عشق؛ وادی فقر و فنا
۲۹- شرمندگی من با صدای خندهٔ بچه‌ها و خودم از بین رفت.
- ۳۰- دوباره آن بنده، خداوند را صدا می‌کند، باز هم خداوند روی برمی‌گرداند، بار دیگر به تَضَرُّع و زاری خداوند را صدا می‌زند.
- ۳۱- من آن شب در آنجا بودم و برای شما چراغ نگه داشته بودم و به مادرت کمک می‌کردم.
۳۲- آن شب هم سرمای زمستان بسیار شدید بود.
- ۳۳- پس از رویارویی با سختی‌ها برمی‌گردم، با وجودی خسته که دنیا را بدون هیچ تغییری دیده است.
- ۳۴- ای دماوند که برف‌های قلّه‌ات تو را چون مادری سفیدموی ساخته، پند این فرزند بیچاره را بشنو.
- ۳۵- اگر می‌خواهی حقیقت آشکار شود، باید به آزمایش و امتحان (سیاوش یا سودابه) بردازی.

۱۵- الف) «نان»: مجاز از خوراک؛ «هوا»: مجاز از نفس کشیدن

۱۶- «نیست» در مصراع اول «فعل اسنادی منفی» است و در مصراع دوم به معنی «نابود» آمده است، در نتیجه بین این دو «جناس همسان (تام)» وجود دارد. «باد» در مصراع اول به معنی «وزش هوا» است و در مصراع دوم فعل داعیه به معنی «باشد» است؛ در نتیجه بین این دو نیز «جناس همسان (تام)» وجود دارد.

۱۷-

الف) تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

ب) لبخند گاه‌گاهت صبح ستاره‌باران

۱۸-

الف) آه این سر بریدهٔ ماه است در پگاه؟

یا نه! سر بریدهٔ خورشیدِ شامگاه؟

ب) اگر مستم اگر هشیار، اگر خوابم اگر بیدار

به سوی تو بُود روی سجودم؛ میهن ای میهن!

۱۹- خنده، رنج را از بین می‌برد و تلخی‌ها را به شادی تبدیل می‌کند و زندگی‌بخش و زیباست.

۲۰- حضرت یوسف (ع) نیز توسط برادران خود در چاه افتاد و حسادت آنها به او باعث گرفتاری‌اش شد. در سرودهٔ «خوان هشتم» نیز برادر رستم، شُغاد، او را در چاه انداخت و گرفتار کرد.

۲۱- الف) گذر از آتش برای پیداشدن گناهکار از بی‌گناه

ب) تیره‌شدن هوا به خاطر دود هیزم‌ها قبل از آتش‌گرفتن

۲۲- زندگی بدون عشق، تفاوتی با مرگ ندارد.

۲۳- ارزش عقل و بی‌توجهی به ظاهر

۲۴- الف) شهید محسن خُججی

ب) حفظ شرافت با فداکاری

۲۵- الف) «بدحالان»: کسانی که سیر و سلوک آنها به سوی حق، گُند است. / «خوش‌حالان»: رهروان راه حق که از سیر به سوی حق، شادمان‌اند.

ب) آگاه‌نبودن دیگران از رازهای دل عاشق

۲۶- سپاه دشمن به عقب رانده شد.

۲۷- توانایی حرکت کردن نداشتیم.

۲۸- سپاس از خورشید که در هر صبح بر تو نورافشانی می‌کند و سپاس از ابر که بر تو باران می‌بارد.

۲۹- مصطفی هم نیرویی گرفت و هر چند هنوز کاملاً متوجه نشده بود که خواستهٔ من چیست، نشانه‌های شادی در چهره‌اش پیدا شد.

۳۰- سوگند آسمان این چنین است که آسیبی به بی‌گناهان نمی‌رسد.

۳۱- سپس با صدایی خشم‌آلود و لرزان و آهنگی زجزگونه و دردناک، این‌گونه خواند.

۳۲- اما وقتی خنده‌ات رها می‌شود و به سراغ من می‌آید، زندگی واقعی را به من نشان می‌دهد.

آزمون شمارهٔ ۱۴ (نوبت دوم)

۱- «سُغَرَف»: قوی، نیرومند

۲- «ورانداز»: به دقت نگرستن

۳- «زخمه»: ضربه

۴- «حیثیت»: آبرو؛ ارزش و اعتبار اجتماعی که باعث سربلندی و خوش‌نامی شخص می‌شود.

۵- «طَفیلی»: منسوب به طفیل، وابسته، آن که وجودش یا حضورش در جایی، وابسته به وجود کس یا چیز دیگری است، میهمان ناخوانده

۶- «ثنا»: ستایش

۷- گزینهٔ «۱»: واژهٔ «اصرار» نادرست و شکل صحیح آن «اسرار» است.

۸- واژه‌های «حول» و «قدر» نادرست و شکل صحیح آنها «هول» و «غدر» است.

۹- الف) «شهر»: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

ب) «وصال»: مضاف‌الیه / «آزاد»: صفت بیانی

۵۴

پاسخ‌نامه

درس نامه توپ برای شب امتحان

ای انسان، تمام آفرینش مطیع و فرمانبردار تو هستند، منصفانه نیست که تو فرمانبردار خداوند نباشی.

سرور کائنات و مَفخَرِ موجودات و رحمتِ عالمیان و صفوتِ آدمیان و تَمَمّه دورِ زمان: سرور موجودات و مایه افتخار آفریدگان و رحمت خداوند بر جهانیان و برگزیده انسان‌ها و مایه کمال گردش روزگار.

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف:

گوشه‌نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهی خود در عبادت اقرار می‌کنند.

واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب:

توصیف‌کنندگان زیور زیبایی خداوند در حیرت‌اند.

آن‌گاه که از این معاملت باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

وقتی که از آن حالت مراقبه بیرون آمد یکی از دوستان از روی صمیمیت از او پرسید: «از آن عالم غیب چه هدیه‌ای برای ما آورده‌ای؟»

چون رسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت:

زمانی که مقداری از معرفت الهی را درک کردم، چنان بی‌خود شدم که اختیار خود را از دست دادم.

واژگان

پویدن، حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن	اعراض، روی‌گرداندن از کسی یا چیزی، روی‌گردانی
ثنا، ستایش، سپاس	إنابت، بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
جزا، پاداش کار نیک	انبساط، حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی‌شدن
جلال، بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریاپی او اشاره دارد.	باسق، بلند، بالیده
چود، بخشش، سخاوت، کرم	بنات، جمع بنت، دختران
حکیم، دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد.	بنان، سرانگشت، انگشت
رحیم، بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند	تاک، درخت انگور، رز
روی، مجازاً چاره، امکان	تمّه، باقی‌مانده؛ تمّمّه دور زمان، مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت
سرور، شادی، خوشحالی	تحفه، هدیه، ارمان
سزا، سزوار، شایسته، لایق	تحیر، سرگستگی، سرگردانی
شبه، مانند، مثل، همسان	تَصْرُع، زاری کردن، التماس کردن
عزّ، ارجمندی، گرامی‌شدن، مقابل ذلّ	تقصیر، گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن
فضل، بخشش، کرم	جسیم، خوش‌اندام
کریم، بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند	حلیه، زیور، زینت
ملک، پادشاه، خداوند	خوان، سفره، سفره فراخ و گشاده
نماینده، آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده	دایه، زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
وهم، پندار، تصوّر، خیال	ربیع، بهار
یقین، بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.	روزی، رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛ وظیفه روزی، رزق مقرر و معین
	شفیع، شفاعت‌کننده، پایمرد

فصل ادبیات تعلیمی

ستایش، درس یکم (شکر نعمت)، گنج حکمت (گمان)

معنی

● مَلِکَا، ذکر تو گویم که تو پاک و خدایی

نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی خداوند، تو را یاد می‌کنم که پاک و پروردگار هستی و فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی [یا جز راهی که تو راهنمای من باشی راه دیگری را نمی‌روم].

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو یویم

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی تنها درگاه تو را می‌جویم و به سبب لطف تو در تلاشم؛ فقط از یگانگی تو می‌گویم که شایسته توحید و یگانگی هستی.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی

نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی؛ نمی‌توان مثل و مانندی برایت نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی.

مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی:

شاید برای او از آتش دوزخ، امکان رهایی وجود داشته باشد.

● مَمّتِ خدای را، عَزّ و جَلّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت: سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او باعث افزایش نعمت می‌گردد.

هر نفسی که فرومی‌رود، مُمید حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَحِ ذات:

هر نفسی که فرو برده می‌شود باعث ادامه زندگی است و وقتی بیرون می‌آید شادی بخش وجود است. خوانِ نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده:

سفره نعمت بی‌مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه‌جا گسترده است.

پرده ناموسِ بندگان به گناه فاحش نَدرد و وظیفه روزی به خطای مَنکَر نَبُرد:

آبروی بندگان را با وجود گناهان آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

فَراشِ بادِ صبا را گفته تا فرشی زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نَبات در مهد زمین بپرورد:

به باد صبا دستور داده تا سبزه‌ها را مانند فرشی سبزرنگ بگستراند و به ابر بهاری فرموده تا مانند پرستاری، گیاه در گهواره زمین پرورش دهد.

درختان را به خلعتِ نوروزی، قباي سبزِ وَرَق در بر گرفته و اطفالِ شاخ را به قُدومِ موسِمِ ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده:

به عنوان هدیه نوروز لباس سبزی را از جنس برگ به درختان پوشانده و به خاطر آمدن فصل بهار، شکوفه را مانند کلاهی بر سر شاخه‌های کوچک قرار داده است.

عُصاره تاکی به قدرت او شهیدِ فایق شده و تخمِ خرمايي به تربیتش نخلِ باسق گشته: شیرۀ درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجه و پرورش او، دانه خرمايي به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری



درس دوم (مست و هشیار)، شعر خوانی (در مکتب حقایق)

معنی

گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»

گفت: «جرم راه‌رفتن نیست، ره هموار نیست»
محتسب گفت: «تو مستی، به این خاطر تلوتلوخوران راه می‌روی.» مست گفت: «راه‌رفتن من مشکلی ندارد، راه (جامعه) هموار و صاف نیست.»

گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی یَزَم» محتسب گفت: «لازم است تو را به خانه قاضی ببرم.»
گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»

گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»
محتسب گفت: «خانه حاکم نزدیک است، آنجا برویم.» مست گفت: «از کجا معلوم که والی، خود در میخانه نباشد؟»

گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»

گفت: «کار شرع، کار دهرم و دینار نیست»
محتسب گفت: «سگه‌ای به طور پنهانی به من بده و خودت را خلاص کن»، مست گفت: «کار دین با پول و رشوه درست نمی‌شود.»

گفت: «از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون گنم»

گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست»
محتسب گفت: «برای تاوانِ مستی، لباست را از تنت بیرون می‌آورم» مست گفت: «لباس من پوسیده است و فقط نقشی از تار و پودش باقی است.»

گفت: «باید حد زَنَد هشیارمردم، مست را»

گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست»
محتسب گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند» مست گفت: «یک هوشیار بیار، در اینجا همه مست هستند.»

در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی
ای فرزند، بکوش تا در مدرسه حقایق، نزد آموزگار عشق، روزی به مقام راهبری و کمال برسی.
خواب و خورت ز مرتبه خویش دور گرد

آن‌گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی
وابستگی به لذت‌های مادی، تو را از جایگاه انسانی خودت دور کرده است؛ زمانی به مقام حقیقی خود می‌رسی که لذت‌های مادی را ترک کنی.

وجه خدا اگر شودت منظرِ نظر

زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی
اگر نگاه و توجه تو تنها به سوی خداوند باشد، یقیناً از این به بعد، آگاه و دارای بصیرت خواهی شد.

واژگان

ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان،
در متن درس به معنای معلم و مرتبی است.
افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند.

اکراه: ناخوشایندبودن، ناخوشایند داشتن امری
تزویر: نیرنگ، دورویی، ریاکاری

حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
خمار: می‌فروش

دار ملک: دارالملک، پایتخت
داروغه: پاسبان و نگهبان، شب‌گرد

دهرم: دزم، مسکوک نقره؛ که در گذشته، صنعت، پیشه، کار، حرفه

شاهد: عسل؛ شاهد فایق؛ عسل خالص
صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معتین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
عز و جلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.
عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیره
فاحش: آشکار، واضح
فایق: برگزیده، برتر
فراش: فرش گستر، گسترده فرش
قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.
قدوم: آمدن، قدم‌نهادن، فرارسیدن
قسیم: صاحب‌جمال
کاینات: جمع کاینه، همه موجودات جهان
کرامت‌کردن: عطاکردن، بخشیدن
مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه‌داشتن دل از توجه به غیر حق
مزید: افزونی، زیادی

املا

اعراض، انابت، انبساط، باسق، تحیر، ثنا و ستایش، جزا، جلیه، خوان و سفره، شبهه و مانند، صفوت و برگزیده، عاکفان، فایق، منسوب و نسبت داده‌شده

قلمرو زبانی

واژگان هم‌آوا (کلماتی که تلفظ یکسان اما املا و معنای متفاوت دارند): قربت، نزدیکی
← غربت، دوری / حیات، زندگی ← حیاط: زمین جلو ساختمان / خوان: سفره ←
خان، رئیس، سرور / بحر: دریا ← بهر: برای / منسوب: نسبت داده‌شده ← منصوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده

در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»: ضمیر «م» در «گلم» مفعول است (بوی گل چنان مستم کرد.) و ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست» است. (دامن از دستم برفت.)

انواع حذف: در عبارت «هم‌نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم‌نشینی بد»، فعل جمله دوم، ذکر نشده است، اما خواننده یا شنونده از فعل جمله اول می‌تواند به فعل جمله دوم، یعنی «است» پی ببرد. در این جمله، حذف به «قرینه لفظی» صورت گرفته است.

در عبارت «آرزو گفت: از نمایشگاه کتاب چه خبر؟»، جای فعل «داری» در جمله دوم خالی است، اما هیچ نشانه‌ای در ظاهر جمله، شنونده را به وجود «فعل» راهنمایی نمی‌کند، تنها از مفهوم عبارت می‌توان دریافت که فعل «داری» از جمله دوم حذف شده است؛ در این جمله، حذف به «قرینه معنوی» صورت گرفته است.

قلمرو ادبی

در بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»، «مرغ سحر» نماد «مذعیان دروغین عاشقی» و «پروانه» نماد «عاشقان راستین» است.
کتاب «گلستان» اثر «سعدی» است.

قلمرو فکری

مفهوم مشترک موارد زیر «ناتوانی در شناخت خداوند» است:

هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عرفناک حقّ معرفتک».



۲ گفت مست: «ای محتسب بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو؟» ارتباط موضوعی: در این بیت به رشوه‌خواری و زورگویی محتسبان اشاره شده و این که آنها حتی به کسانی که بسیار فقیر بوده‌اند نیز رحم نمی‌کرده‌اند. در متن درس نیز آشکارا به این موضوع اشاره شده است. به‌ویژه در این دو مصراع: «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» و «گفت: از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون گنم».

● مفهوم مشترک ابیات زیر این است که «عشق الهی موجب رسیدن به کمال می‌شود»:

- دست از مسی وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیایستی و زر شوی

- گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد

بالله کز آفتاب فلک خوب‌تر شوی

● مفهوم مشترک ابیات زیر این است که «عشق الهی آدمی را حفظ می‌کند»:

- یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر

کز آب هفت بحر به یک سوی تر شوی

- بنیاد هستی تو چو زیر و زیر شود

در دل مدار هیچ که زیر و زیر شوی

فصل ۲: ادبیات پایداری



درس سوم (آزادی، دفتر زمانه)، گنج حکمت (خاکریز)

معنی

● ناله مرغ اسیر، این همه بهر وطن است

مَسَلَّکِ مَرغِ گرفتارِ قفس، همچو من است

تمام فریاد من که مانند پرنده‌ای اسیر هستم، برای وطن است و روش پرنده گرفتار قفس، مانند من است.

هفت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد

خبر از من به رفیقی که به طُرفِ چمن است

از باد سحر می‌خواهم که اگر ممکن باشد، خبری از من برای دوستی که آزاد است ببرد.

خانه‌ای کاو شود از دست آجانب آباد

ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت‌الخزن است

برای کشوری که به دست بیگانگان آباد شود، آن قدر اشک بریز تا نابود گردد؛ زیرا آنجا، خانه غم است.

جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن

بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است

جامه‌ای را که در راه وطن، غرق در خون نشود، پاره کن؛ زیرا آن جامه، باعث بدنامی تن است و از کفن هم کم‌ارزش‌تر است.

● هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت

آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

هرگز غم و اندوه شرایط زندگی در دلم راه نیافت؛ بله، دلم غمی نداشت، زیرا غصه اوضاع زندگی را نخورد.

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب‌قلم نداشت

هر ملتی که از داشتن نویسندگان و شاعران (اهل اندیشه)، محروم باشد، در گذر روزگار، فراموش خواهد شد.

صواب: درست، پسندیده، مصلحت

غرامت: توان، جبران خسارت مالی و غیر آن

گرو بردن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگاه‌داشتن؛ موفق شدن

در مسابقه و به دست آوردن گرو

گرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او

داد می‌شود.

مُحتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.

مدام: همیشه، پیوسته، بی

مُلک: سرزمین، کشور، مملکت

واعظ: پنددهنده، سخنور اندرزگو

والی: حاکم، فرمانروا

وجه: ذات، وجود

املا

● اکراه، تزویر، داروغه، صواب و درست، غرامت، مُحتسب، واعظ

قلمرو زبانی

● به فعل‌های مشخص شده و کاربرد معنایی آنها توجه کنید:

- گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»

گفت: «والی از کجا در خانه ختار نیست؟»

«شویم» در معنی «برویم» آمده و فعل ناگذر است، «نیست» در معنی «وجود ندارد» یا «حاضر نیست» آمده و فعل ناگذر است.

- زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست

در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

«نیست» در مصراع اول فعل اسنادی و «آگاه» مسند آن است، اما در مصراع دوم به معنی «وجود ندارد» آمده و ناگذر است.

- ریشه‌های ما به آب / شاخه‌های ما به آفتاب می‌رسد / ما دوباره سبز می‌شویم:

«می‌شویم» در معنی «می‌گردیم» فعل اسنادی و «سبز» مسند آن است.

قلمرو ادبی

● در قطعه «مست و هشیار» از شیوه گفت‌وگو استفاده شده است. به این صورت که دو نفر در حال گفت‌وگو بوده و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی بینشان رد و بدل می‌شود. در اصطلاح ادبی به این نوع گفت‌وگو «مناظره» می‌گویند.

● شیوه بیان در قطعه «مست و هشیار» و بیت زیر طنزآمیز هستند:

با محتسبم عیب مگوید که او نیز

پیوسته چو ما در طلب عیشی مُدام است

قلمرو فکری

● مصراع «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» به «رشوه‌خواری» و مصراع «گفت: جرم راه‌رفتن نیست، ره هموار نیست» به «شرایط بد جامعه» اشاره دارند.

● در بیت زیر بر «ارزش عقل و بی‌توجهی به ظاهر» تأکید شده است:

گفت: «آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه»

گفت: «در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست»

● در بیت زیر بر این که «کار حرام کم و زیاد ندارد و نباید انجام شود» تأکید شده است:

گفت: «می بسیار خوردی زان چنین بی‌خود شدی»

گفت: «ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست»

● بیت‌های زیر با متن درس «مست و هشیار» ارتباط موضوعی دارند:

۱ دور شو از بزم ای واعظ و بیهوده مگوی

من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم

ارتباط موضوعی: در این بیت به دورویی نصیحت‌گویان و کسانی که مردم را از کار بد منع کرده اما خودشان اهل گناه بوده‌اند، اشاره شده است. در این درس نیز دورویی محتسب نشان داده شده است.



قلمرو فکری

● شعر «آزادی» نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمدعلی شاه اشاره دارد.

● به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون محمدتقی بهار، عارف قزوینی و فرّخی یزدی می‌توان نمونه‌های آن را یافت.

● در این درس، مقصود از:

- «رفیقی که به طُرف چمن است»: دوستان شاعر که آزاد هستند و می‌توانند برای رهایی اقدامی کنند.

- «مردم صاحب‌قلم»: نویسندگان و شاعران (اهل اندیشه)

● مضمون مشترک ابیات زیر «فداکاری در راه رسیدن به استقلال و آزادی وطن» است:

- جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن
بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است
- فرّخی ز جان و دل می‌کند در این محفل
دل نثار استقلال، جان فدای آزادی

درس پنجم (دماوندیه)، روان خوانی (جاسوسی که الاغ بود!)

معنی

● ای دیو سپید پای در بند
ای گنبد گیتی ای دماوند
ای دیو سپید در بند شده، ای بام جهان، ای دماوند!
از سیم به سر یکی گله‌خود
ز آهن به میان یکی کمر بند
برف را مانند کلاه‌خودی نقره‌ای بر قلّه داری و سنگ‌ها و صخره‌هایی چون کمر بند آهنین بر میان بسته‌ای.

تا وارهی از دم ستوران
وین مردم نحس دیومانند،
با شیر سپهر بسته پیمان
با اختر سعد کرده پیوند
برای اینکه از هم‌صحبتی با انسان‌های حیوان‌صفت و این مردم شوم دیومانند رها شوی،
به آسمان رفته و با خورشید هم‌پیمان شده و به سیاره مشتری پیوسته‌ای.

چون گشت زمین ز جور گردون
سرد و سیه و خموش و آوند،
بخواخت ز خشم بر فلک، مشت
آن مشت تویی تو ای دماوند

وقتی زمین از ظلم و ستم آسمان، سرد، سیاه، بی‌صدا و معلق شد، از روی خشم، مشت
محکم به آسمان زد که آن مشت تو هستی ای دماوند!

تو مشت درشت روزگاری
از گردش قرن‌ها پس‌افکنند
ای دماوند! تو مشت سنگین روزگار هستی که از گذر روزگاران به جا مانده‌ای.

تا درد و ورم فرونشیند
کافور بر آن ضماد کردند
برای اینکه درد و ورم بهبود یابد، برف را مثل مرهمی از کافور بر آن قرار دادند.

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است

ما را فراغتی است که جمشید جَم نداشت
با آنکه فقیر هستم اما آسایشی دارم که حتی پادشاهی چون [جمشید نیز آن را نداشت.

انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی

چون فرّخی، موافق ثابت‌قدم نداشت
افراد بسیاری در راه عدالت قدم نهادند، اما هیچ‌کدام به اندازه فرّخی، ثابت‌قدم و
بالراده نبوده‌اند.

واژگان

● آجانب: جمع اجنبی، بیگانگان
● بیت‌الحرّز: خانه غم، ماتمکه
● اِحداث‌شدن: ساخته‌شدن
● ثابت‌قدم: ثابت‌رأی و ثابت‌عزم، دارای اراده قوی
● سلسله‌جنبان: محرّک، آن که دیگران را به
● کاری برمی‌انگیزد.
● طُرف: کناره، کنار
● مَسَلک: روش، طریق
● موافق: هم‌رأی و همراه
● جمع اجنبی، بیگانگان
● اِحداث‌شدن: ساخته‌شدن
● استقرار: برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی
● یا چیزی در جایی، مستقرشدن
● بیت‌الاحزان: خانه غم‌ها، جای بسیار غم‌انگیز،
● طبق روایات نام کلبه‌ای است که یعقوب
● (ع) در آن، در غم فراق یوسف (ع) گریه
می‌کرده است.

املا

● اِحداث، استقرار، سلسله‌جنبان، مَسَلک

قلمرو زبانی

● به معنای واژه «همت» در بیت‌های زیر توجه کنید:
- همت اگر سلسله‌جنبان شود
مور تواند که سلیمان شود
«همت» در این بیت به معنای «عزم و اراده» است.
- همت بدرقه راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من نوسفرم
«همت» در این بیت به معنای «دعای خیر» و «توجه از صمیم قلب به خداوند» است.
● در بیت زیر به نقش دستوری کلمات مشخص شده دقت کنید:

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت
مسند نوار

قلمرو ادبی

● بدین شکسته بیت‌الحرّز که می‌آرد
نشان یوسف دل، از چه زَنخدانش؟
«بیت‌الحرّز» در این بیت در معنای مجازی است.

● در بیت‌الاحزان در آمد و نالید؛ چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید:
«بیت‌الاحزان» در اینجا به غمخانه حضرت یعقوب اشاره کرده و در معنای حقیقی است.
● در بیت‌های زیر:

- با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است
ما را فراغتی است که جمشید جَم نداشت
- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملّتی که مردم صاحب‌قلم نداشت
1 تلمیح به پادشاهی جمشید که از شاهان اساطیری ایران باستان بوده، دیده می‌شود.
2 «تهی بودن جیب و جام از مال و می» کنایه از فقیربودن و «افتادن نام از قلم» کنایه
از فراموش شدن است.

● «روایت سنگ‌سازان ۲» اثر «عیسی سلمانی لطف‌آبادی» است.



○ شعر «دماوندیه» در قالب «قصیده» و اثر «محمّدتقی بهار» است و کتاب «قصه شیرین فرهاد» اثر «احمد عربلو» است.

قلمرو فکری

○ محمّدتقی بهار شعر دماوندیه را در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی سرود. در این سال به تحریک بیگانگان، هرج و مرج قلمی و اجتماعی و هتاک‌ها در مطبوعات و آزار وطن‌خواهان و سستی کار دولت مرکزی بروز کرده بود. بهار این قصیده را با تأثیرپذیری از این معانی گفته است؛ با توجه به این نکته، مقصود از «دماوند»، «آزادی خواهان» و مقصود از «سوخته‌جان»، «خود شاعر» است.

○ مفهوم مشترک ابیات زیر «ساکت‌نبودن و سخن دل را به زبان آوردن» است:

- شو منفجر ای دل زمانه

وان آتش خود نهفته میسند

- دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟

برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟

فصل ۳: ادبیات غنایی

درس ششم (نی‌نامه)، گنج حکمت (آفتاب جمال حق)

معنی

○ بشنو این نی چون شکایت می‌کند

از جدایی‌ها حکایت می‌کند

وقتی که این نی گله و شکایت می‌کند به آن گوش کن زیرا حکایت جدایی‌ها را بیان می‌کند.

کز نیستان تا مرا بُنبریده‌اند

در نَفیرم مرد و زن نالیده‌اند

از زمانی که مرا از نیستان (عالم معنا) جدا کرده‌اند، از فریاد و زاری من همه مردم ناله سر داده و همراه من از درد جدایی نالیده‌اند.

سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

تا بگویم شرح درد اشتیاق

برای بیان درد اشتیاق، شنونده‌ای می‌خواهم که دوری از یار (حق) را درک کرده و دلش از درد فراق سوخته باشد.

من به هر جمعیتی نالان شدم

جفت بدحالان و خوش‌حالان شدم

من در میان هر گروهی از درد جدایی نالیدم و با بدحالان (رهروان کُند و غمگین) و خوش‌حالان (رهروان سریع و شاد) همراه شدم.

هر کسی از ظنّ خود شد یار من

از درون من نجست آسرار من

هر کسی از روی حدس و گمان و در حدّ فهم خود، با من همراه شد اما به حقیقت حال و رازهای درونی من پی نبرد.

بیز من از نالۀ من دور نیست

لیک، چشم و گوش را آن نور نیست

راز من در ناله‌ام پنهان است، اما چشم و گوش ظاهری نمی‌تواند راز و حقیقت این ناله را دریابد.

تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

لیک، کس را دید جان دستور نیست

جسم و روح با هم هستند و از یکدیگر پوشیده نیستند، اما کسی اجازه ندارد و نمی‌تواند روح را ببیند.

ای مادر سرسپید، بشنو

این پند سیاه‌بخت فرزند

ای دماوند که برف‌های قلّه‌ات تو را چون مادری سفیدموی ساخته، پند این فرزند بیچاره را بشنو.

پُغرای چو ازدهای گرز

پُخروش چو شَرزه شیر آرغند

مانند ازدهایی بزرگ حمله کن و چون شیر خشمگین و قهرآلود فریاد بز.

زین بی‌خردان سیفله پستان

دادِ دلِ مردمِ خردمند

حق مردم آگاه را از این انسان‌های پست و فرومایه بگیر.

○ خطوط دشمن شکسته شد: سپاه دشمن به عقب رانده شد.

روحیه خود را نباخته بود: ناامید نشده بود.

واژگان

○ آرغند، خشمگین و قهرآلود

ضَماد، مرهم، دارو که به جراحات نهند؛

آوند، آونگ، آویزان، آویخته

ضَمادکردن: بستن چیزی بر زخم، مرهم‌نهادن

پُگنل، پاره کن، جدا کن، در اینجا یعنی نابود کن

عامل تخریب، شخصی نظامی که کارش

پس‌افکنند، پس‌افکنده، میراث

نابودکردن هدف‌های نظامی به وسیله

زُل زدن، با چشمی ثابت و بی‌حرکت به

انفجار و کار گذاشتن تله‌های انفجاری است.

چیزی نگاه کردن

عطا، بخشش، دهش

دل‌بند، عزیز، گرمی

فسرده، یخ‌زده، منجمد

سُتوران: جمع سُتور، حیوانات چارپا خاصه

فغان: ناله و زاری، فریاد

اسب، استر و خر

کلوخ: پاره‌گیل خشک‌شده به صورت سنگ

سریر: تخت پادشاهی، اورنگ

کَله‌خود: کلاه‌خود، کلاه فلزی که در

سعد: خوشبختی، متضاد نحس؛ اختر

جنگ بر سر می‌گذارند.

سعد: سیاره مشتری است که به «سعد

گرزه: ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک

اکبر» مشهور است.

معجز: سرپوش، روسری

سیفله: فرومایه، بدسرشت

معطل: بیکار، بلا تکلیف؛ معطل کردن:

سَلانۀ سَلانۀ آرام‌آرام، به‌آهستگی

تأخیر کردن، درنگ کردن

شَرزه: خشمگین، غضبناک

نحس: شوم، بدیمن، بداختر

املا

○ آرغند، سُتوران و حیوانات، سریر، سیفله، سَلانۀ سَلانۀ، شَرزه، ضَماد

قلمرو زبانی

○ معادل معنایی «سریر»، «اورند» و معادل معنایی «فرومایه»، «سیفله» است.

○ در بیت زیر، «مشت روزگار» و «گردش قرن‌ها» ترکیب‌های اضافی است:

تو مشت درشت روزگاری

از گردش قرن‌ها پس‌افکنند

○ در بیت زیر، «داد دل» و «دل مردم» ترکیب‌های اضافی است:

زین بی‌خردان سیفله پستان

دادِ دلِ مردمِ خردمند

قلمرو ادبی

○ در بیت‌های زیر آرایه «حَسَن تعلیل» به کار رفته است:

- تا چشم بشر نبیندت روی

بنهفته به ابر چهر دل‌بند

- تو قلب فسرده زمینی

از درد ورم نموده یک چند

- تا درد و ورم فرونشیند

کافور بر آن ضَماد کردند



آتش است این بانگ نای و نیست باد

هر که این آتش ندارد نیست باد

صدای این نی مثل آتش، سوزان و تأثیرگذار است و مانند باد بی‌اثر نیست. هر کس که این آتش (صدای نی) را ندارد و ناله جدایی از معشوق را سر نمی‌دهد، نابود باد!

همچو نی زهری و تریاقی که دید؟

همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

چه کسی چیزی مانند نی دیده که هم زهر باشد و هم پادزهر، هم همدم باشد و هم مشتاق رفتن و رسیدن به معشوق؟

هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد

هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد

تنها ماهی دریای حق (عاشق) است که از غوطه‌خوردن در آب عشق و معرفت سیر نمی‌شود. هر کس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباہ و بیهوده می‌شود.

○ مرا آن لحظه که تو را به درگاه حق، تجلی و قرب باشد، یاد کن:

آن زمان که به درگاه خداوند نزدیک هستی و نور الهی در قلب توست، مرا هم به یاد داشته باش و برایم دعایی کن.

چون من در آن حضرت رسم و تاپ آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید؛ وقتی که من به آن درگاه برسم و فروغ خورشید آن زیبایی بر من بتابد، خودم را هم فراموش می‌کنم.

چون حق تعالی، بنده‌ای را گزید و مستغزق خود گردانید، هر که دامن او را بگیرد و از او حاجت طلبد، بی‌آنک آن بزرگ، نزد حق یاد کند و عرضه دهد، حق، آن را برآرد؛

وقتی خداوند بلندمرتبه، بنده‌ای را انتخاب کرد و شیفته و حیران خود گردانید، هر کس به او متوسل شود و از او کمک بخواهد، بدون آنکه آن شخص بزرگ، نزد خداوند چیزی بگوید و بیان کند، خداوند آن خواسته را برآورده می‌کند.

واژگان

○ اشتیاق، میل قلب به دیدار محبوب؛ در متن درس، کشش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی.	سوی حق، شادمان‌اند.
○ ایدونک، ایدون که؛ ایدون، این چنین بدحالان؛ کسانی که سیر و سلوک آنها به سوی حق، گند است.	دستور، اجازه، وزیر
○ بی‌گاه‌شدن، فرارسیدن هنگام غروب یا شب پرده، در اصطلاح موسیقی یعنی آهنگ و نغمه‌های مرتب، حجاب	دمساز، مونس، همراز، دردآشنا
○ تریاق، پادزهر، ضد زهر	سور، جشن، عروسی
○ حریف، دوست، همدم، همراه	شرح‌شرحه، پاره‌پاره؛ شرحه، پاره‌گوشی که از درازا بریده باشند.
○ حسب، برابر، اندازه، برطبق	شیون، ناله و ماتم، زاری و فریاد که در مصیبت و محنت برآرند.
○ خوش‌حالان، رهروان راه حق که از سیر به	ظن، گمان، پندار
	مستغزق، مجذوب، شیفته؛ مستغزق‌گشتن؛ حیران و شیفته شدن
	مستمع، شنونده، گوش‌دارنده
	مستور، پوشیده، پنهان
	نقییر، فریاد و زاری به صدای بلند

املا

○ تریاق، حریف، شرحه، ظن و گمان، مستغزق، مستور

قلمرو زبانی

○ به مترادف واژه «دستور» در ابیات زیر دقت کنید:

- چه نیکو گفت با جمشید دستور

که با نادان نه شیون باد و نه سور ← وزیر

- گر ایدونک دستور باشد کنون

بگوید سخن پیش تو رهنمون ← اجازه

○ با توجه به دو بیت زیر «دیر شدن روز» و «بی‌گاه‌شدن» هر دو به معنی «سپری شدن زمان» است:

- مکر او معکوس و او سز زیر شد

روزگارش برد و روزش دیر شد

- بی‌گاه شد، بی‌گاه شد، خورشید اندر چاه شد

خورشید جانِ عاشقان در خلوت الله شد

قلمرو ادبی

○ در ابیات زیر، مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است؛ به گونه‌ای که می‌توان جای دو مصراع را عوض کرد؛ در واقع شاعر، بر پایه تشبیه، بین دو مصراع ارتباط معنایی برقرار کرده است؛ به این نوع کاربرد شاعرانه «اسلوب معادله» می‌گویند.

- مُسْتَمِع، صاحب‌سخن را بر سر کار آورد

غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد

- عشق چون آید بَرَد هوش دلِ فرزانه را

دزد دانا می‌گشود اول چراغ خانه را

- شانه می‌آید به کار زلف در آشفتگی

آشنایان را در ایام پریشانی بپرس

- عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را

سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را

- محرم این هوش جز بی‌هوش نیست

مر، زبان را مشتری جز گوش نیست

○ «مثنوی معنوی» و «فیه‌ما‌فیه» از آثار «مولوی» است.

قلمرو فکری

○ در این درس، «نی»، نماد انسان آگاه که می‌داند از جایگاه اصلی خود دور افتاده است و «نیستان»، نماد عالم معنا است.

○ مفهوم مشترک ابیات زیر این است که «کسی راز عشق را به طور کامل در نیافته اما همه گمان می‌کنند که آن را درک کرده‌اند»:

- در ره عشق نشد کس به یقین، محرم راز

هر کسی برخسب فکر، گمانی دارد

- هر کسی از ظن خود شد یار من

از درون من نجست آسرار من

○ مفهوم مشترک ابیات زیر این است که «گذر عمر اهمیتی ندارد»:

- زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر

بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

- روزها گر رفت، گو رو، باک نیست

تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست

درس هفتم (در حقیقت عشق)، شعر خوانی (صبح ستاره باران)

معنی

○ بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال» و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی، طالب کمال‌اند:

بدان که یکی از نام‌های خوبی، «زیبایی» است و یکی «کمال» و همه موجودات روحانی و جسمانی، خواهان رسیدن به کمال هستند.

به حُسن - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حُسن، ممکن نشود الا به واسطه عشق:

سخت می‌توان به خوبی - که همه آن را می‌خواهند - دست یافت؛ زیرا فقط با عشق می‌توان به خوبی رسید.

عشق، هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی ماوا نکند و به هر دیده، روی ننماید:



شیدایی، دیوانگی	و حالت هر چیز، سرآمدبودن در داشتن
فرض، لازم، ضروری، آنچه خداوند بر بندگانش واجب کرده است.	صفت‌های خوب
قوت، خوراک، رمق، نیرو	مجتب، دوستدار، یار، عاشق
کمال، کامل بودن، کامل‌ترین و بهترین صورت	معات، مرگ، مُردن
	نغمه، نوا، ترانه، سرود

املا

● بزم و ضیافت، رمق، سودا، فرض

قلمروزیانی

- معادل معنایی «شیدایی»، «سودا» و معادل معنایی «ناگزیر»، «لابد» است.
- برخی جملات با مفعول و مسند می‌آیند:

عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند.

نهاد مفعول مسند فعل

عمده فعل‌های این گروه عبارت‌اند از: «گردانیدن، نمودن، کردن، ساختن، شمردن، به شمار آوردن، به حساب آوردن، نامیدن، خواندن، گفتن، صداکردن، صدازدن، پنداشتن، دیدن، دانستن، یافتن»

● برخی جملات با متمم و مسند می‌آیند:

مردم به او دهقان فداکار می‌گفتند.

نهاد متمم مسند فعل

قلمروادبی

● در این درس و سروده زیر «پروانه» نماد «عاشق واقعی» است، زیرا تمام وجودش را فدای معشوق خود، شمع، می‌کند:

- ببین آخر که آن پروانه خوش

چگونه می‌زند خود را به آتش

- چو از شمعی رسد پروانه را نور

درآید پرزنان پروانه از دور

● «فی حقیقة العشق» اثر «شهاب‌الدین سهروردی» و «تمهیدات» اثر «عین‌القضات همدانی» است.

قلمروفکری

● مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر این است که «برای رسیدن به عشق باید سوز و کداز آن را تحمل کرد»:

- صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع

لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

- پروانه، قوت از عشق خورده، بی‌آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد، تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند.

● مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر این است که «برای رسیدن به مقام عشق باید همه چیز خود را فدا کرد»:

- من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم

حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو

- در عشق قدم‌نهادن کسی را مُسَلَّم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند.

● مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر این است که «زندگی بدون عشق، تفاوتی با مرگ ندارد»:

- بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟

یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است

- حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب.

عشق هر کسی را نمی‌پذیرد و در هر جایی منزل نمی‌کند و خود را به چشم هر کسی نشان نمی‌دهد.

به عالم عشق - که بالای همه است - نتوان رسیدن، تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد:

به عالم عشق - که بالاترین است - نمی‌توان رسید مگر با عبور از دو مرحله شناخت و محبت.

● در عشق قدم‌نهادن کسی را مُسَلَّم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند:

کسی به طور قطع می‌تواند عشق را دریابد که در قید و بند خودش نباشد و خود را فراموش کند و خود را برای عشق فدا کند.

عشق، آتش است، هر جا که باشد، جز او، زخت، دیگری ننهد:

عشق مانند آتش است؛ هر جا که باشد، جز خودش، اجازه اقامت به دیگری نمی‌دهد.

در عشق، کسی قدم نهد کیش جان نیست

با جان بودن به عشق در سامان نیست

کسی در راه عشق قدم می‌گذارد که جانش را فدا کرده است. زنده‌بودن و عشق در کنار هم قرار نمی‌گیرند.

به خدا رسیدن فرض است و لابد هر چه به واسطه آن به خدا رسند، فرض باشد به نزدیک طالبان:

رسیدن به خدا، واجب است و ناچار، هر چه به وسیله آن به خدا برسند نیز نزد طالبان واجب می‌شود.

حیات از عشق می‌شناس و ممات بی‌عشق می‌یاب:

عشق را علت زندگی و مرگ را بی‌عشق بودن بدان.

سودای عشق از زیرکی جهان، بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل‌ها افزون آید:

شیدایی عشق، بالارزش‌تر از هوشیاری جهان است و دیوانگی عشق برتر از همه عقل‌هاست.

هر که عاشق نیست، خودبین و پُرکین باشد و خودرای بُود؛ عاشقی، بی‌خودی و بی‌رایی باشد:

هر کس که عاشق نیست، خودخواه و پر از کینه و مستبد است؛ در حالی که عاشقی، بی‌اختیاری و ترک تدبیر است.

پروانه، قوت از عشق آتش خورده؛ بی‌آتش، قرار ندارد و در آتش، وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق، او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند:

خوراک پروانه، عشقی است که به آتش دارد؛ بدون آتش آرام و قرار ندارد و زمانی که وارد آتش شود، می‌سوزد و دیگر وجود ندارد تا هنگامی که عشق، او را چنان کند که تمام جهان را به شکل آتش ببیند.

● ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران

بیداری ستاره در چشم جویباران

ای کسی که مهربان‌تر از لطافت برگی هستی که در زیر باران است و همچون انعکاس نور ستاره در رودها می‌درخشی.

آیینۀ نگاهت، پیوند صبح و ساحل

لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران

نگاهت که مثل آینه درخشان است گویی روشنی صبح و زیبایی ساحل را با هم دارد و لبخند گاه‌گاهت چون صبحی پرستاره زیباست.

ای جویبار جاری! زین سایه‌برگ، مگریز

کاین‌گونه فرصت از کف، دادند بی‌شماران

ای معشوق که چون رودخانه‌ای جاری در حرکتی! از این سایه برگ نرو، زیرا افراد بسیاری فرصت عاشقی را با این کار از دست داده‌اند.

واژگان

● بزم، محفل، ضیافت	حُسن، نیکویی، زیبایی
بی‌خودی، بی‌هوشی، حالت از خودزستگی	روحانی، منسوب به روح، معنوی، ملکوتی،
و به معشوق پیوستن	آنچه از مقوله روح و جان باشد.
جسمانی، منسوب به جسم، مقابل روحانی	سامان، درخور، میسر، امکان
جمال، زیبایی، زیبایی ازلی خداوند	سودا، خیال، دیوانگی



واژگان

اتراق: توقف چندروزه در سفر به جایی، موقتاً در جایی اقامت‌گزیدن	صبح: بامداد، سپیده‌دم، پگاه
استبعاد: دورداشتن، بعیدشمردن چیزی	طاق: سقف خمیده و محدب
استبعاد داشتن: بعید و دور بودن از تحقق و وقوع امری	طبّی: سینی گرد بزرگ و معمولاً چوبی
بازبسته: وابسته، پیوسته و مرتبط	طیلسان: نوعی زدا
تداعی: یادآوری، به خاطر آوردن	عجین آمدن: عجین شدن، آمیخته شدن یا ترکیب شدن دو یا چند چیز
جزّاره: ویژگی نوعی عقرب زرد بسیار سمی که دُمش روی زمین کشیده می‌شود.	غایت‌القصوی: حدّ نهایی چیزی، کمال مطلوب
چریغ آفتاب: طلوع آفتاب، صبح زود	فرخنده‌پی: خوش قدم، نیک‌پی، خوش‌یمن
رواق: بنایی با سقف گنبدی یا به شکل هرم	کازیه: جاکاغذی
سرپرزدن: توقف کوتاه	کی: پادشاه، عنوان هر یک از پادشاهان سلسله کیان
سوء هاضمه: بدگواری، دیرهضمی، هرگونه اشکال یا اختلال در هضم غذا که معمولاً با سوزش سر دل یا نفخ همراه است.	مار غاشیه: ماری بسیار خطرناک در دوزخ
	مُسْتَعْجِل: زودگذر، شتابنده
	مغان: موبدان زرتشتی
	قرکب: اسب، آنچه بر آن سوار شوند.
	نَمَط: بساط شطرنج

املا

اتراق، استبعاد، تداعی، چریغ آفتاب، سوء هاضمه، صباح، طاق و سقف، طیلسان و زدا، عجین شدن، غایت‌القصوی مقصود، مار غاشیه، مغان، نَمَط

قلمرو زبانی

واژه «طاق» در معنای «یگانه و یکتا» (متضاد جفت) و «ایوان» و «خمیدگی و گنبدی شکل بودن» کاربرد دارد.

انواع «وابسته‌های وابسته»:

الف) ممتیز:

ب) مضاف‌الیه مضاف‌الیه:

دو تخته فرش

محوطه میدان شهر

ب) صفت مضاف‌الیه:

دانش آموز پایه دوازدهم

اسیر این جهان

قلمرو ادبی

عبارت «از بیم عقرب جزّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سهرنگ‌ها پناه برد.» مثل «از چاله درآمدن و به چاه افتادن» را به یاد می‌آورد.

«از پاریز تا پاریس» اثر محمدابراهیم باستانی پاریزی و «تذکرة الاولیا» اثر عطار است.

قلمرو فکری

با توجه به جمله «امپراتوری‌های بزرگ هم، مانند آدم‌های ثروتمند، معمولاً از سوء هاضمه می‌میرند»، «زیاده‌خواهی و در نتیجه، نداشتن تسلط بر اوضاع» امپراتوری‌های بزرگ را از بین برده است.

در عبارت و سروده زیر «دولت مُستعجل» به «حکومت و قدرت زودگذر» اشاره دارد: - آخرین چراغ امپراتوری روم راموسولینی روشن کرد اقامه می‌دانیم که «دولت مُستعجل» بود. - راستی خاتم فیروزه بواسحاقی

خوش درخشید ولی دولت مُستعجل بود

درس نهم (کویر)، روان خوانی (بوی جوی مولیان)

معنی

از اینجا درختان کهنی که سالیانی دراز سر بر شانه هم داده‌اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می‌کنند:

از اینجا درختان کهنسالی که سال‌های دراز کنار هم بوده و در هم تنیده شده‌اند، آب را

● مفهوم مشترک بیت و عبارت زیر این است که «هر کسی به حُسن دست پیدا نمی‌کند مگر آن کسی که روحی پرشور داشته باشد»:

- می‌تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را

در رگ جان، هر که را چون زلف، پیچ و تاب هست

- به حُسن - که مطلوب همه است - دشوار می‌توان رسیدن؛ زیرا وصول به حُسن ممکن نشود آلا به واسطه عشق.

● «شفیعی کدکنی» در بیت زیر، از «سعدی» تأثیر گرفته است:

گفتی: «به روزگاران مهری نیشسته» گفتم:

«بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران»

بیت سعدی به این صورت است:

«سعدی به روزگاران، مهری نیشسته بر دل

بیرون نمی‌توان کرد آلا به روزگاران»

سعدی می‌گوید: «عشق را نمی‌توان از یاد برد مگر (آلا) با گذر زمان»، اما شاعر در این

بیت می‌گوید: «حتی» با گذر زمان نیز عشق از یاد نمی‌رود.»

فصل ۴: ادبیات سفر و زندگی



درس هشتم (از پاریز تا پاریس)، گنج حکمت (سه مرکب زندگی)

معنی

● هنگام چریغ آفتاب کنار قنات حسنی در شهر سیرجان اتراق می‌کردیم:

هنگام طلوع خورشید کنار قنات حسنی در شهر سیرجان توقف می‌کردیم.

این، مخارج قریب شش ماه من بود:

این مقدار پول، مخارج حدود شش ماه من را تأمین می‌کرد.

● چه استبعادی دارد که عمری باشد و روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم:

چقدر می‌تواند بعید باشد که زنده باشم و روزی خاطراتی از سفر به ماه هم بنویسم!

آدمی به هر جا می‌رود گمان می‌کند به غایت‌القصوای مقصود خود رسیده است:

انسان به هر جا که می‌رود، خیال می‌کند به نهایت خواسته خود رسیده است.

کرانه‌های فرات، خط، از کرانه رود تیبر می‌خواندند:

مردم سرزمین‌های اطراف فرات، گوش به فرمان امپراتوری حاکم در ایتالیا (کرانه رود تیبر) بودند.

یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد:

زمانی مردم دنیا به روم توجه می‌کردند و از آن بیم داشتند.

صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب

تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند

یک تگه چوب، صد ضربه تیغ را بر خود تحمل کرد تا میانش خالی شد و آن را نی نامیدند.

دل گرمی و دم‌سردی ما بود که گاهی

مردادمه و گاه دی‌اش نام نهادند

این امیدواری ما بود که مردادماه نام گرفت و آن ناامیدی ما بود که دی‌ماه نامیده شد.

آیین طریق از نفس پیر مغان یافت

آن خضر که فرخنده‌پی‌اش نام نهادند

خضر پیامبر که او را مبارک‌قدم نامیدند، روش طی کردن راه عرفان و شناخت حق را از

دعای پیر راه به دست آورد.

● سه مرکب دارم، بازبسته؛ چون نعمتی پدید آید بر مرکب شکر نشینم و پیش او

باز شوم و چون بلایی پدید آید، بر مرکب صبر نشینم و پیش باز روم چون طاعتی

پیدا گردد، بر مرکب اخلاص نشینم و پیش روم:

سه مرکب آماده دارم؛ وقتی نعمتی باشد بر مرکب شکر سوار می‌شوم و نزد او می‌روم

و هنگامی که بلایی پیش آید، بر مرکب صبر سوار می‌شوم و پیش می‌روم و زمانی که

عبادتی انجام دهم، بر مرکب اخلاص سوار می‌شوم و پیش می‌روم.



قدس: پاکی، صفا، قداست
قندیل: چراغ یا چهل چراغی که می‌آویزند.
گُزَند: اسبی که رنگ آن میان زرد و
بور باشد.
گَهَر: اسب یا استری که به رنگ سرخ تیره
است.
گرمسیر: منطقه‌ای که تابستان‌های بسیار گرم
و زمستان‌های معتدل دارد؛ مقابل سردسیر
ماورا، فراسو، آن سو، ماسوا، برتر
ماوراءالطبیعه؛ آنچه فراتر از عالم طبیعت و

ماده باشد؛ مانند خداوند، روح و مانند آنها
مُباهات، افتخار، سرافرازی
قدّرس، محلی که در آن تدریس کنند؛
موضع درس گفتن
مشایعت، همراهی کردن، بدرقه کردن
معلّق، آویزان، آویخته شده
نشئه: حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی
نظاره: تماشا کردن، نگاه، نگرستن
یغما، غارت، تاراج
به یغما رفتن، غارت شدن

املا

○ ابدیت و جاودانگی، استشمام، اسرا، آهورایی، ایل و تبار، بطالت، سموم، طفیلی، قاش زین، گهر و گزند، ماه تموز، مُباهات، نشئه و سرمستی، نظاره

قلمرو زبانی

○ به معادل معنایی واژگان زیر دقت کنید:

باد گرم مُهلک: سموم تماشا: نظاره

آویزان: معلّق نگرش: تلقی

○ انواع دیگر از «وابسته‌های وابسته»:

الف) صفت + اسم + صفت + صفت + صفت

پیراهن	آبی	روشن
هسته	سفت	سفت

ب) قید صفت:

دوست	بسیار	مهربان
هسته	قید	سفت

رنگ	سبز	چمنی
-----	-----	------

شرایط	تقریباً	پایدار
-------	---------	--------

قلمرو ادبی

○ عبارت «ناله‌های گریه‌آلود آن روح دردمند و تنها را می‌شنوم. ناله‌های آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی‌فریاد، سر در حلقوم چاه می‌برد و می‌گریست» تلمیح دارد به تنهایی و غربت امام علی (ع) در شهر کوفه و درد دل گفتن ایشان با چاه.

○ درس «کویر» بخشی از «حسب حال» است، زیرا نویسنده احوالات شخصی خود را بیان کرده است.

○ «کویر» اثر «علی شریعتی» و «بخارای من، ایل من» اثر «محمد بهمن بیگی» است.

قلمرو فکری

○ در این درس، «شاگرد» به «جوینده آب» تشبیه شده است و مقصود این است که شاگردان، شیفته دانایی بوده‌اند و به اجبار علم نمی‌آموخته‌اند.

○ نویسنده با مقایسه زندگی روستایی و زندگی شهری، به نگرش ساده و بی‌آلایش روستاییان و نگاه منفعت‌طلبانه و حسابگرانه و تجملاتی شهرنشینان اشاره دارد.

○ مفهوم مشترک موارد زیر «توجه‌نکردن به ظاهر و منطق و توجه به احساس و دورشدن از معیارهای مردم» است:

- در کف‌ها کاسه زیبایی / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می‌بر با پای دگر
- شهر را و گیرودار شهر را رها کرد و چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد.

○ مفهوم مشترک موارد زیر این است که «همه پدیده‌ها تسبیح و ستایش خداوند را می‌گویند»:

- من نمازم را وقتی می‌خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو / من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می‌خوانم / پی قدقامت موج
درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گوای خدا می‌شود.

تا باغستان و مزرعه همراهی می‌کنند.
هم بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند: آن را درست شبیه عشق آباد ساخته‌اند.
شاگرد بود که همچون جوینده تشنه‌ای می‌گشت و می‌سنجید و بالأخره می‌یافت و سر می‌سپرد:

شاگرد بود که مانند جوینده‌ای تشنه، جست‌وجو و مقایسه می‌کرد و نهایتاً پیدا می‌کرد و مطیع استاد می‌شد.

همه چشم‌ها به او بود: توجه همه به او بود.

آن اوایل سال‌های کودکی، هنوز پیوند ما با زادگاه روستایی مان برقرار بود و برخلاف حال، پامان به ده باز بود و در شهر، دست‌وپاگیر نشده بودیم و هر سال، تابستان‌ها را به اصل خود، مزینان برمی‌گشتیم، و به تعبیر امروزمان، «می‌رفتیم»:

آن اوایل، در سال‌های کودکی، هنوز با روستای زادگاهمان ارتباط داشتیم و برخلاف اکنون، به ده می‌رفتیم و به شهر وابسته نشده بودیم و هر سال، تابستان‌ها را به زادگاه خود، مزینان برمی‌گشتیم و به گفته امروزمان، به آنجا «می‌رفتیم».

از آن همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و نشئه‌های سرشار از شعر و خیال و عظمت و شکوه و ابدیت پُر از قدس و چهره‌های پُر از «ماورا» محروم‌تر می‌شدم:

از آن همه زیبایی و لذت و سرخوشی‌های پُر از شعر و خیال و بزرگی و شکوه و جاودانگی پُر از پاکی و چهره‌های معنوی، محروم‌تر می‌شدم.

و آن باغ پُر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل بزمرد و صفای آهورایی آن همه زیبایی‌ها که درونم را پُر از خدا می‌کرد، به این علم عددبین مصلحت‌اندیش، آلود:

و آن آسمان پُر از زیبایی و شعر و خیال و الهام و احساس در مقابل باد خشک‌کننده این عقل بی‌احساس از بین رفت و صمیمیت الهی آن همه زیبایی که درونم را پُر از معنویت می‌کرد، به این علم ظاهربین و مصلحت‌اندیش، آلوده شد.

○ از شنیدن اسم شهر، قند در دلم آب می‌شد: از شنیدن نام شهر بسیار خوشحال می‌شدم. دو کلاس یکی می‌کردم: درس‌های دو سال را در یک سال می‌خواندم.

همه‌شان زندگی شیرین و دیرین را از سر گرفتند:

همه زندگی خوش گذشته را دوباره آغاز کردند.

شاهین تیزبال افق‌ها بودم، زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم:

مانند شاهین تیزپرواز در کرانه‌های آسمان پرواز می‌کردم، مثل زنبوری وابسته شدم و به گوشه‌ای خزیدم.

به آب چشمه دست نمی‌توان برد. ماست را با چاقو می‌بریم:

آب چشمه‌سار بسیار سرد است. ماست آنقدر سفت است که با چاقو می‌بریم.

جوجه کبک‌ها، خط و خال انداخته‌اند: جوجه کبک‌ها بزرگ شده‌اند.

واژگان

○ آستانه: آستان، آغاز

ابدیت: جاودانگی، پایداری، بی‌کرانگی

ارادت: میل و خواست، اخلاص، علاقه و

محبت با احترام

استشمام: بویدن

اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره

قرآن کریم

اندوهگسار: غمگسار، غمخوار

انگاره: طرح، نقشه

آهورایی: ایزدی، خدایی، منسوب به آهورا

ایل و تبار: خانواده و نژاد و اجداد

آستانه: آستان، آغاز

بطالت: بیکاری، بیهودگی، کاهلی

بن: درختی خودرو و وحشی که در برخی

نقاط کوهستانی ایران می‌روید، پسته وحشی

پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار،

نوعی حریر

تعبیر: بیان کردن، شرح‌دادن، بازگویی

تفرّجگاه، گردشگاه، جای تفرّج، تماشاگاه

تلقی: دریافت، نگرش، تعبیر

تموز: ماه دهم از سال رومیان، تقریباً

مطابق با تیرماه سال شمسی؛ ماه گرما

حکمت، فلسفه، به‌ویژه فلسفه اسلامی

دلاویز: پسندیده، خوب، زیبا

سموم: باد بسیار گرم و زیان‌رساننده

شبدر: گیاهی علفی و یک‌ساله

شبدر دوچین: شبدری که قابلیت آن را دارد،

دو بار پس از رویدن چیده شده باشد.

شیهه: صدا و آواز اسب

طفیلی: منسوب به طفیل، وابسته، آن که

وجودش یا حضورش در جایی، وابسته به وجود

کس یا چیز دیگری است، میهمان ناخوانده

عدلیه: دادگستری

غرفه: بالاخانه

فقه: علم احکام شرعی

قاش: قاچ، قسمت برآمده زین، کوهه زین



- «و» ربط (بین دو جمله می‌آید): «من بودم و یک چمن داغ»، «بی‌تابم و بی‌قرارم»
 - «و» عطف (بین دو کلمه یا گروه می‌آید): «برگ و بار»، «من و تو»، «غم و درد»، «غرق غباریم و غربت (غرق غبار و غربتیم)»

● در مصراع های زیر به «مفعول» دقت کنید:

- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو:
 اگر دیروز، غم «برگ و بار من و تو» را سوخت.

مفعول

- غیر از شب آیا چه می‌دید، چشمان تار من و تو؟:

آیا چشمان تار من و تو «چه چیزی» غیر از شب را می‌دید.

مفعول

قلمرو ادبی

● در بیت زیر:

آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد

غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟

«برزخ سرد» نماد «محیط پر از ظلم پیش از انقلاب» و «شب» نماد «ظلم و ستم» است.

● «دری به خانه خورشید» مجموعه شعری از «سلمان هراتی» است و کتاب «تیرانا» اثر «محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا)» است.

قلمرو فکری

● مقصود نهایی از مصراع دوم بیت «چون رود امیدوارم، بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا جای قرار من و تو»، «پیوستن به جریان انقلاب» است.

● در ابیات زیر به «جاودانگی نیکی، پاکی و زیبایی» اشاره شده است:

- ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردد تبه نام و گفتار پاک

- با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

● در موارد زیر به «امیدبخشی و ترک اندوه» اشاره شده است:

- دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ

امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو

- ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دست می‌دهم، من آب و دانه ... / می‌کارم در چشم‌ها گل نقش امید / می‌بارم بر دیده‌ها باران خورشید

درس یازدهم (آن شب عزیز)، شعر خوانی (شکوه چشمان تو)

معنی

● آفتاب، چشم‌هایتان را می‌زد: نور خورشید چشم‌هایتان را اذیت می‌کرد.

از صحبت‌هایتان پیدا بود که حمله در کار است:

از حرف‌های شما، مشخص بود که حمله‌ای در نظر گرفته شده است.

خبر قابل عرض نداشتیم: خبری که ارزش گفتن داشته باشد، نداشتیم.

از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست:

با وجود هوش زیادی که دارید، فهمیدن نزدیکی حمله، عجیب نیست.

گودالی که از کنجکاوای گلوله توپ در خاک فراهم آمده بود:

گودالی که از برخورد گلوله توپ در خاک ایجاد شده بود.

خواب را مزمه کنید، بچشید ولی سیر نخواهید:

چرت بزنید و سبک بخوابید اما در خواب غرق نشوید.

● آه این سر بریده ماه است در پگاه؟

یا نه! سر بریده خورشید شامگاه؟

آه، این سر بریده‌شده، مانند ماه در سحرگاه است یا مثل خورشید سرخ‌رنگ هنگام غروب است؟

فصل ۵: ادبیات انقلاب اسلامی



درس دهم (فصل شکوفایی)، گنج حکمت (تیرانا)

معنی

● دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو

ای دوست، اگر دیروز (قبل از انقلاب)، غم حاصل زندگی ما را نابود کرده بود؛ اما امروز (زمان انقلاب)، امید رشد و شکوفایی در کشور دیده می‌شود.

آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد

غیر از شب آیا چه می‌دید، چشمان تار من و تو؟

در محیط پر از غم و رنج پیش از انقلاب، چشمان ما چیزی جز سیاهی و ظلم نمی‌دید.

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ

امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو

دیروز (قبل از انقلاب) با حس غربتی که در کشور بود، من اندوهی بزرگ در دل داشتم؛ اما امروز روشنی و امید در برابر ماست.

با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم

در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

ای دوست، با وزیدن نسیم آگاهی‌بخش انقلاب، تو نیز غفلت را کنار بگذار، زیرا اگر در راه انقلاب بمیریم، دستاوردهای زیبای آن، از ما در کشور به یادگار می‌ماند.

● من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی‌آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم - سراسر، کرامت باشم و سراپا گشاده‌دستی؛ بی‌هیچ‌گونه چشمداشتی به سپاسگزاری یا آفرین:

من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه‌دار - بدون این که کمترین خواسته‌ای را به زبان بیاورم - با تمام وجود، سخاوت و بخشندگی داشته باشم، بی‌آنکه هیچ انتظاری برای تشکر یا تحسین داشته باشم.

نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو، میوه‌ای چند شیرین ایتار کند:

نه تنها این مهربانی را با محبت باید نشان دهی، بلکه وجود بخشنده تو باید چنان باشد که برای هر ضربه سنگی، چند میوه شیرین به عنوان پاداش ببخشد.

تیرانا! اگرم هیچ در سرنوشت از آزادگی بهره‌ای باشد، همینم از آفریدگار سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده‌مردم را از خویشتن بتی نسازم:

تیرانا! اگر در سرنوشت خود، از اندکی آزادگی بهره‌مند باشم، همین نعمت برایم کافی است تا از خداوند سپاسگزار باشم که مرا به این سعادت راهنمایی کرد تا هرگز برای فریب آزادمردان، از خود بتی نسازم و خود را برتر نشان ندهم.

واژگان

● برزخ، حد فاصل میان دو چیز، زمان

بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، داعیه، ادعا

فاصله بین دنیا و آخرت زخمه، ضربه، ضربه‌زدن

چشمداشت، انتظار و توقع امری از چیزی گشاده‌دستی، بخشندگی، سخاوت

یا کسی؛ چشم‌داشتن، منتظر دریافت

املا

● داعیه و ادعا، زخمه و ضربه، سخاوت و بخشندگی

قلمرو زبانی

● هم‌آوای واژه «غربت» به معنای «دوری»، واژه «قربت» به معنای «نزدیکی» است.

● به انواع «و» در نمونه‌های زیر دقت کنید:



خورشید، بی‌حفاظ، نشسته به روی خاک؟

یا ماه، بی‌ملاحظه افتاده بین راه؟
این سر بریده، خورشید است که بدون هیچ پوششی به روی خاک قرار گرفته یا ماه است که با بی‌توجهی در راه افتاده است؟

از دوردست می‌رسد آیا کدام پیک؟

ای مُسَلِّمِ شرف، به کجا می‌کنی نگاه؟
کدام پیک از دوردست می‌رسد؟ ای شهیدی که مانند مسلم بن عقیل، شرافت را حفظ کردی، به کجا می‌نگری؟

لبریز زندگی است نَفَس‌های آخرت

آورده مرگ، گرم به آغوش تو پناه
نَفَس‌های آخر تو، سرشار از زندگی است. مرگ، با اشتیاق به آغوش تو پناه آورده است.

واژگان

بی‌حفاظ: بدون حصار و نرده؛ آنچه اطراف آن را حصار نگرفته باشد.

و نوحه‌سرایی

شاقه: حتی بویایی

پگاه: صبح زود، هنگام سحر

شَبَّح: آنچه به صورت سیاهی به نظر می‌آید، سایهٔ موهوم از کسی یا چیزی

تَشَرُّ: سخنی که همراه با خشم، خشونت و اعتراض است و معمولاً به قصد ترساندن و تهدید کردن کسی گفته می‌شود.

شرف: بزرگواری، حرمت و اعتباری که از رعایت کردن ارزش‌های اخلاقی به وجود می‌آید

تَعَلَّل: عذر و دلیل آوردن، به تعویق انداختن چیزی یا انجام کاری، درنگ، اهمال کردن

طفره‌رفتن: خودداری کردن از انجام کاری از روی قصد و با بهانه‌آوردن، به‌ویژه خودداری کردن از پاسخ صریح دادن به سؤالی

تَلَّ: پُشته، تپهٔ بلند

کلافه: بی‌تاب و ناراحت به علت قرار گرفتن در وضع آزاردهنده

جناق: جناغ، استخوان پهن و دراز در جلو قفسهٔ سینه

گرددان: واحد نظامی که معمولاً شامل سه گروهان است.

حمایل: نگه‌دارنده، محافظ؛ حمایل کردن: محافظ قراردادن چیزی برای چیز دیگر

مُتَقَاعِدُ: مُتَقَاعِدُ: مُجَابِ شَدَه، مُجَاب، قانع‌شده؛

خشاب: جعبهٔ فلزی مخزن گلوله که به اسلحه وصل می‌شود و گلوله‌ها پی‌درپی از آن وارد لولهٔ سلاح می‌شود.

مُتَقَاعِدُ كَرْدَن، مُجَاب كَرْدَن، وادار به قبول امری کردن

دنج: ویژگی جای خلوت و آرام و بدون رفت‌وآمد

مُجَسِّم: به صورت جسم درآمده، تجسم‌یافته

دیبچه: آغاز و مقدمهٔ هر نوشته

مُحَضَّر: دخترخانه، دادگاه

روضه: آنچه در مراسم سوگواری اهل بیت پیغمبر (ص) و به‌ویژه در مراسم سوگواری امام حسین (ع) خوانده می‌شود؛ ذکر مصیبت

مُسَلِّم: پیرو دین اسلام

مُصِر: اصرارکننده، پافشاری‌کننده

مُحَضَّر: محض، عبور، گذرگاه

املا

بی‌حفاظ، تَشَرُّ، تَعَلَّل، جناق (جناغ) و استخوان جلو قفسهٔ سینه، حمایل، روضه و سوگواری، شَبَّح و سایهٔ موهوم، طفره‌رفتن، محض، مُصِر، نوحه‌سرایی

قلمرو زبانی

نمونه‌هایی از کاربرد ضمائر و مرجع آنها:

ضمیر پیوسته (متصل): برای گرفتن حقوقتان هم سر زده‌اید؛ مرجع ضمیر: آقای موسوی (معلم راوی)

ضمیر گسسته (جدا): من را هم گفتید که بروم؛ مرجع ضمیر: راوی داستان

قلمرو ادبی

«حرف کسی را زیر پا گذاشتن» کنایه از انجام‌ندادن فرمان آن شخص و «گرم کردن دل» کنایه از امیدوار کردن است.

«زمزمهٔ لطیف» و «صدای خشک» حس آمیزی دارند.

در بند زیر «فضاسازی» به زیبایی صورت گرفته است:

«دل‌خوشی‌ام به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عصا به اینجا بیایم، گرد قاب عکستان را پاک کنم، سنگتان را بشویم، گلدانتان را آب بدهم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.»

داستان «آن شب عزیز» از کتاب «سانتاماریا» اثر «سید مهدی شجاعی» است.

قلمرو فکری

سروده‌های زیر از نظر محتوا با متن درس، ارتباط دارند:

الف) کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت

با زخم، نشان سرفرازای نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت

حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

ارتباط با متن درس: این رباعی و متن درس توصیف‌کنندهٔ رزمندگان شجاعی است که جان‌بازی و فداکاری را افتخار می‌دانند و در دل، هیچ هراسی از مرگ ندارند.

ب) برای وصف میدان‌های پُرمین

برای وصف خال و زلف چین‌چین

نه در شیراز و نه در شهر گنجه

«نظامی» می‌شوم در «قصر شیرین»

ارتباط با متن درس: مفهوم مشترک این رباعی و متن درس، رهاکردن وابستگی‌ها و روکردن به مبارزه با دشمن و رفتن به جبهه‌های جنگ است.

موارد زیر مفهوم مشترک دارند:

- هر سال چو نوبهار خرم

بیدار شود ز خواب نوشین

تا باز کند به روی عالم

دیباچهٔ خاطرات شیرین

از لاله دهد به سبزه زیور

ای دوست، مرا به خاطر آورا

- و حالا دلخوشی‌ام به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عصا به اینجا بیایم، گرد قاب عکستان را پاک کنم، سنگتان را بشویم، گلدانتان را آب بدهم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.

فصل ۶: ادبیات حماسی

درس دوازدهم (گذر سیاوش از آتش)، گنج حکمت (به جوانمردی کوش)

معنی

چنین گفت موبد به شاه جهان

که درد سپهبد نماند نهان

روحانی مشاور، به کاووس‌شاه این چنین گفت که غم و اندوه پادشاه پنهان نمی‌ماند.

چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی

بباید زدن سنگ را بر سبوی

اگر می‌خواهی حقیقت آشکار شود، باید به آزمایش و امتحان (سیاوش یا سودابه) پردازی.

وزین دختر شاه هاماوران

پراندیشه گشتی به دیگر کران

از طرف دیگر، به سودابه، دختر شاه هاماوران نیز بدگمان شدی.

مگر کآتش تیز پیدا کند

گنه‌کرده را زود رسوا کند

مگر آتش سوزان، گناهکار را نشان دهد و به زودی او را رسوا کند.

اگر کوه آتش بُود بِسپَرم

ازین تنگ، خوار است اگر بگذرم

اگر کوهی از آتش باشد، از آن می‌گذرم و اگر قرار بر عبور از آتش باشد، برای من کاری ساده است.



مجازاً ناراحت و مضطرب؛ بریان شدن؛ غمگین
و ناراحت شدن، در سوز و گداز بودن
پرمایه؛ گران‌مایه، پرشکوه؛ مایه: قدرت، توانایی
تازی؛ اسبی از نژاد عربی با گردن کشیده
و پاهای باریک
تپش؛ اضطراب ناشی از گرمی و حرارت،
گرمی و حرارت
تطاول؛ ستم و تعدی، به زور به چیزی
دست پیدا کردن
تعصب؛ طرفداری یا دشمنی بیش از حد
نسبت به شخص، گروه یا امری؛ به تعصب،
به حمایت و جانبداری
خشم؛ خدمتکاران، خویشان و زیردستان فرمانروا
حلقه به گوش؛ کنایه از فرمانبردار و مطیع
خستن؛ زخمی کردن، مجروح کردن
خود؛ کلاه‌خود
خیره‌سر؛ گستاخ و بی‌شرم، لجوج
دستور؛ وزیر، مشاور
زوال؛ نابودی، از بین رفتن
سبوی؛ کوزه، ظرف معمولاً دسته‌دار از سفال یا
جنس دیگر برای حمل یا نگه‌داشتن مایعات
سپردن؛ طی کردن، پیمودن
سمن؛ نوعی درخت گل، یاسمن
شبیخون؛ حمله ناگهانی دشمن در شب
طرح‌افکندن؛ کنایه از بنانهادن؛ طرح ظلم
افکندن؛ سبب پیدایش و گسترش ظلم
شدن، بنیان ظلم نهادن
عجم؛ سرزمینی که ساکنان آن غیرعرب،

به‌ویژه ایرانی باشند؛ ایران؛ ملوک عجم؛
پادشاهان ایران
عفاف؛ رعایت اصول اخلاقی، پرهیزکاری، پارسایی
غربت؛ غریبی، دوری از خانمان
غوا؛ بانگ و خروش، فریاد
فره‌بختگی؛ فره‌بخته‌بودن؛ فره‌بخته، برخوردار
از سطح والایی از دانش، معرفت یا فرهنگ
فریادرس؛ یاور، دستگیر
گربت؛ غم، اندوه؛ گربت‌جور؛ اندوه
حاصل از ظلم و ستم
مقررشدن؛ قرارگرفتن، ثبات و دوام یافتن
مکاید؛ جمع مکیده یا مکیدت؛ کیدها، مکرها،
حیله‌ها
ملک؛ پادشاه، سلطان
ملوک؛ جمع ملک؛ پادشاهان
موبد؛ روحانی زرتشتی، مجازاً مشاور
نقصان؛ کم‌شدن، کاهش یافتن
نمازبردن؛ تعظیم کردن، عمل سر
فرودآوردن در مقابل کسی برای تعظیم
نواختن؛ کسی را با گفتن سخنان
محبت‌آمیز یا بخشیدن چیزی مورد
محبت قراردادن
نیک‌پی؛ خوش‌قدم
نیک‌دهش؛ نیکی‌کننده
ولایت؛ کشور، سرزمین
هشیوار؛ هوشیار، هوشیارانه، آگاهانه
هیون؛ شتر، به‌ویژه شتر قوی‌هیکل و
درشت‌اندام

املا

○ ارتفاع ولایت، آزر و حیا، تطاول، خشم و خدمتکاران، زوال، سبوی، سمن و گل، غو و فریاد، ملوک عجم، نقصان و کاهش یافتن، هیون و شتر

قلمرو زبانی

- با روش‌های زیر، می‌توان به معنای هر واژه پی برد:
قراردادن واژه در جمله / توجه به روابط معنایی واژگان
- به معنای واژه «اندیشه» در بیت‌های زیر توجه کنید:

الف) چو شب تیره گردد، شبیخون کنیم

ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم

- در این بیت واژه «اندیشه» مترادف «ترس» آمده و با «توجه به روابط معنایی واژگان» به معنای آن پی می‌بریم.

ب) غلام عشق شو کاندیشه این است

همه صاحب‌بدلان را پیشه این است

- در این بیت واژه «اندیشه» به معنای «فکر» آمده و با «قرارگرفتن واژه در جمله» به معنای آن پی می‌بریم.

پ) چو بشنید خسرو از آن شاد گشت

روانش ز اندیشه آزاد گشت

- در این بیت واژه «اندیشه» به معنای «اندوه» آمده و با «توجه» به روابط معنایی واژگان

همان به کزین زشت‌کردار، دل

بشویم کنم چاره دل‌گیسل

همان بهتر که خیالم را از بدگمانی درباره این کار زشت، آسوده کنم و چاره‌ای برای این اتفاق دل‌آزار بیندیشم.

به دستور فرمود تا ساروان

هیون آزد از دشت، صد کاروان

کی کاووس به وزیر خود امر کرد که شتریان، صد کاروان شتر از صحرا بیاورد.

بیامد دوصد مرد آتش‌فروز

دمیدند گفتی شب آمد به روز

دویست مرد برای روشن کردن آتش آمدند و آن را باد زدند و از دود زیاد، گویی روز به شب تبدیل شد.

نخستین دمیدن سیه شد ز دود

زبانہ برآمد پس از دود، زود

با اولین باد زدن، دود همه‌جا را تیره کرد؛ اما خیلی زود پس از آن، آتش شعله‌ور شد.

سرپر ز شرم و بهایی مراسم

اگر بی‌گناهیم رهایی مراسم

وجودی پر از شرمندگی و ارزشمند دارم و اگر بی‌گناه باشم رهایی خواهم یافت.

ور ایدون که زین کار هستم گناه

جهان‌آفرینم ندارد نگاه

و اگر که در این کار، گناهی مرتکب شده باشم، خداوند مرا حفظ نخواهد کرد.

چو او را بدیدند برخاست غو

که آمد ز آتش برون شاه نو

وقتی مردم دیدند که شاه جوان (سیاوش) از آتش بیرون آمد، فریاد کشیدند.

سیاوش را تنگ در بر گرفت

ز کردار بد پوزش اندر گرفت

کی کاووس، سیاوش را محکم به آغوش کشید و از کار بد خود عذرخواهی کرد.

○ یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده:

از یکی از پادشاهان ایرانی حکایت می‌کنند که دارایی مردم را به زور و ستم از آنها گرفته بود و ظلم و آزار بر خلق را آغاز کرده بود.

خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از گربت‌جورش راه غربت گرفتند:

مردم به خاطر مکرها و حیله‌گری‌هایش به گوشه و کنار جهان رفتند و از اندوه ظلم او، از دیار خود دور شدند.

چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت، نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان، زور آوردند:

وقتی جمعیت مردم کم شد، درآمد کشور نیز کاسته شد و گنج‌خانه خالی ماند و دشمنان، فشار آوردند.

پادشاهی که طرح ظلم افکند

پای دیوار ملک خویش بگند

پادشاهی که بنای کار را بر ظلم و ستم قرار داد، پایه سلطنت خود را سست کرده است.

واژگان

- ارتفاع؛ محصول زمین‌های زراعتی؛ ایمن؛ درامن، دل‌آسوده
- ارتفاع ولایت؛ عایدات و درآمدهای مملکت آزر، شرم، حیا
- اندیشه؛ بدگمانی، اندوه، ترس، اضطراب، فکر بریان؛ در لغت کباب‌شده و پخته‌شده بر آتش،



درس سیزدهم (خوان هشتم)، شعر خوانی (ای میهن!)

معنی

یادم آمد هان / داشتم می گفتم: آن شب نیز / سورتِ سرمایِ دی بیدادها می کرد: آری، یادم آمد، داشتم این را می گفتم: آن شب هم سرمای زمستان بسیار شدید بود. همگنان را خونِ گرمی بود / قهوه‌خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام / راستی کانون گرمی بود:

همه صمیمی بودند. فضای قهوه‌خانه گرم و روشن بود و مرد قصه‌گو، پیغام گرم و گیرایی داشت. به راستی که جمع دوستانه‌ای بود.

همگنان خاموش / گرد بر گردش، به کردار صدف بر گرد مروارید، / پای تا سر گوش: همه ساکت بودند و مانند صدفی که به دور مروارید است، اطراف او را احاطه کرده بودند و با تمام توجه به سخنانش گوش می دادند.

هفت خوان را زادسرو مرو / یا به قولی «ماخ سالار» آن گرمی مرد / آن هریوه خوب و پاک آیین - روایت کرد / خوان هشتم را / من روایت می کنم اکنون ... / من که نامم مات:

هفت خوان را، آزادسرو مرو یا به قولی دیگر، «ماخ سالار» آن مرد گرمی، آن هراتی خوب و بالیمان روایت کرد؛ اما خوان هشتم را اکنون من روایت می کنم، من که نامم «مات» (مهدی اخوان ثالث) است.

قصه است این، قصه، آری قصه درد است / شعر نیست؛ / این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست: این داستان، بیان کننده غم و اندوه است، تنها شعر نیست، بلکه معیاری برای شناختن دوستی و دشمنی جوانمرد و ناجوانمرد است. شعری نیست که فقط زیبا ولی پوچ و بدون محتوا باشد؛ آنچه محتوایی ندارد مانند هر چیز پوچی، عالی محسوب نمی شود.

شیرمرد عرصه ناوردهای هول، / پور زال زر، جهان پهلو

مرد شجاع میدان‌های ترسناک نبرد، فرزند زال، پهلوان جهان

آن که هرگز - چون کلید گنج مروارید - / گم نمی شد از لیش لبخند

آن کسی که هرگز خنده از لیش دور نمی شد.

چاه چوان ژرفی و پهناش، بی شرمیش ناباور / و غم انگیز و شگفت آور

چاهی که بی شرمی لازم برای کندنش، باور کردنی نبود و دردناک و تعجب برانگیز بود.

او / از تن خود - بس بتر از رخس - / بی خبر بود و نبودش اعتنا با خویش:

رستم از تن خود که بدتر از رخس، زخمی شده بود، خبر نداشت و توجهی به خود نمی کرد.

تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن!

بُود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن! ای میهن! تمام وجودم با یاد تو عجین شده و سرشار از عشق توست.

تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی

فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن! تو مرا از نابودی نجات بخشیدی و با مهربانی پرورش دادی، ای میهن، تمام وجودم فدای تو باد.

به دشتِ دل، گیاهی جز گل رویت نمی‌روید

من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن! در دلم چیزی جز تصویر زیبای تو وجود ندارد، من این دل را که با عشق وطن زیبا شده آزموده‌ام، ای میهن!

واژگان

تنیده، درهم‌یافته / مرگ می‌شود.
 رجز، شعری که در میدان جنگ برای سورت، تند و تیزی، حدت و شدت
 مفاخره می‌خوانند. / صبحه، ناله و فریاد با صدای بلند، شیون
 زخم کاری، ضربه مؤثر یا زخمی که موجب طاق، فرد، یکتا، بی‌همتا

به معنای آن پی می‌بریم.

● بیت زیر از شیوه بلاغی به شیوه عادی مرتب شده است:

سرانجام گفت ایمن از هر دوان

نه گردد مرا دل، نه روشن روان

سرانجام گفت نه دل من نه روان روشن [من] از هر دوان ایمن گردد. (دل و روانم ایمن نمی‌گردد).

● در شیوه بلاغی اجزای جمله جابه‌جا می‌شوند.

● فعل «گرفت» می‌تواند معانی متفاوت داشته باشد: آن کارگر حق خود را گرفت.

(ستاند) / ابرها جمع شدند و باران گرفت. (شروع شد) / ارتش آن شهر را گرفت. (تسخیر کرد) / ماهیگیر تورش را انداخت و صدها ماهی گرفت. (شکار کرد) / لوله فاضلاب شهر گرفت. (مسدود شد) / مأمور وظیفه‌شناس، دزد را گرفت. (دستگیر کرد)

قلمرو ادبی

● به کنایه‌ها و مفهوم آنها در ابیات زیر توجه کنید:

چو خواهی که پیدا کنی گفت‌وگوی

بباید زدن سنگ را بر سبوی

«سنگ بر سبوی زدن»: کنایه از آزمودن

سیاوش سیه را به تندی بتاخت

نشد تنگدل، جنگ آتش بساخت

«سیه»: کنایه از اسب سیاه؛ «تنگدل شدن»: کنایه از غمگین و مضطرب شدن

● نمونه هایی از زمینه‌های حماسه:

قهرمانی: حضور «سیاوش» در داستان

سیاوش بیامد به پیش پدر

یکی خود ز زمین نهاده به سر

خرق عادت: عبور از آتش و آسیب‌ندیدن

چو او را بدیدند برخاست غو

که آمد ز آتش بیرون شاه نو

ملی: آیین گذر از آتش برای یافتن گناهکار

مگر ک‌آتش تیز، پیدا کند

گنه‌کرده را زود رسوا کند

● «شاهنامه» سروده «فردوسی» و در قالب «مثنوی» است.

قلمرو فکری

● در متن درس، «سیاوش» به خاطر پاکی خود، تردیدی ندارد که آتش آسیبی به او نمی‌رساند. او با گذر از آتش بی‌گناهی خود را اثبات می‌کند. این داستان، ماجرای «حضرت ابراهیم (ع)» و سالم‌ماندن او از گزند آتش را به یاد می‌آورد.

● مفهوم مشترک ابیات زیر «تأثیر سرنوشت و روزگار در زندگی افراد و به سختی انداختن آنها» است:

- ضربت گردون دوان آزادگان را خسته کرد

کو دل آزرده‌ای کز تیغ او مجروح نیست؟

- سیاوش بدو گفت انده مدار

کزین سان بُود گردش روزگار

● مفهوم مشترک ابیات زیر «بهبودن مرگ از رسوایی و بدنامی» است:

- گریز از گفش در دهان نهنگ

که مردن به از زندگانی به ننگ

- سیاوش چنین گفت کای شهریار

که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار



همه پرنده‌ها دنیا، شناخته و ناشناخته، در محلی دور هم جمع شدند.
چون بُود کالیم ما را شاه نیست؟
بیش ازین بی‌شاه بودن راه نیست
چرا سرزمین ما شاه ندارد؟ درست نیست که دیگر بدون پادشاه بمانیم.
شیرمردی باید این ره را شگرف
زانکه ره دور است و دریا ژرف ژرف
فرد نیرومندی برای پیمودن این راه لازم است؛ زیرا این راه، طولانی و پرخطر است.

هر که داند گفت با خورشید، راز
کی تواند ماند با یک دژه باز؟
کسی که بتواند به خداوند نزدیک شود و به او رازهایش را بگوید، امکان ندارد که به
خواسته‌های کوچک خود نرسد.
گفت ما را هفت وادی در ره است
چون گذشتی هفت وادی، درگه است
گفت: هفت سرزمین در راه ماست؛ وقتی از این هفت سرزمین عبور کنیم به درگاه
سیمرغ می‌رسیم.

چون فروآیی به وادی طلب
پیش از آمد هر زمانی صد تعب
وقتی به سرزمین طل برسی، در هر لحظه، گرفتار صدها رنج و گرفتاری می‌شوی.
ملک، اینجا بایدت انداختن
ملک، اینجا بایدت درباختن
در این مرحله، برای تو رهاکردن قدرت و کنار گذاشتن ثروت، ضروری است.
هر یکی بینا شود بر قدر خویش
بازیابد در حقیقت، صدر خویش
هر کسی به ارزش و جایگاه خود پی می‌برد و در حقیقت از مقام خود آگاه می‌شود.

بعد از این وادی استغنا بُود
نه درو دعوی و نه معنا بُود
بعد از این مرحله، سرزمین استغنا و بی‌نیازی است که در آن، خواسته و مرادی وجود ندارد.
بعد از این وادی توحید آیدت
منزل تفرید و تجرید آیدت
پس از این مرحله، سرزمین توحید در برابرت قرار می‌گیرد، جایی که یکی شدن با حق
و خالی شدن قلب از غیر او، پیش روی توست.

روی‌ها چون زین بیابان درکنند
جمله سر از یک گریبان برکنند
وقتی که از این بیابان (توحید) عبور کنند، همه به وحدت و یگانگی می‌رسند.
صد هزاران سایه جاوید، تو
گم شده بینی ز یک خورشید، تو
در این مرحله، صدها هزار موجود جاودان را می‌بینی که در برابر خورشید حقیقت
(خداوند) محو و نابود می‌شوند.

خویش را دیدند سیمرغ تمام
بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام
خود را سیمرغ کامل دیدند و این سیمرغ، همان سی پرنده کامل بود.
با ایشان از وجه زاد و توشه، گرده‌ای بیش نبود:
خوراک راهشان تنها یک گرده نان بود.
میان ایشان از برای گرده، مخاصمت رفت:

عماد: تکیه‌گاه، نگاه‌دارنده؛ آنچه بتوان بر
آن (او) تکیه کرد.
عیار: ابزار و مبنای سنجش، معیار
مُرادف، مترادف، هم‌ردیف
مرتعش: دارای ارتعاش، لرزنده
مَنشّا، نوعی عصا که از چوب گره‌دار ساخته
می‌شود و معمولاً درویشان و قلندران به
دست می‌گیرند؛ برگرفته از نام «مَنشّا»
(شهری در آسیای صغیر)
ناورد: نبرد
هَریوه: هروی، منسوب به هرات (شهری
در افغانستان)
هول: وحشت‌انگیز، ترسناک

املا

● زَجَز خواندن، سورت و تندى، ضَجَه و فریاد، طاق (بی‌همتا، سقف)، عیار و معیار،
هَریوه، هول و ترسناک

قلمرو زبانی

● «صلح» متضاد «کین» و «بکرنگی» متضاد «تزویر» است.
● اخوان در شعر «خوان هشتم»، از ترکیب‌ها و ساختارهای نحوی زبان کهن (مانند:
همگنان، چونان، هریوه، استاد، ناوردهای هول، جهان‌پهلُو، گرد، بسجستانی، تگ) و
کاربرد واژه‌ها و ترکیب‌های نوساخته (باذیرف، تاریک‌ژرف، هزارش یادبود خوب، ماث)
بهره برده است.

قلمرو ادبی

● به آرایه‌های ادبی موارد زیر دقت کنید:
الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد
«کلید گنج مروارید»: استعاره از لبخند / «گنج مروارید»: استعاره از دندان‌ها / «گم شدن
کلید گنج مروارید»: کنایه از غمگین شدن
ب) همگنان خاموش / گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید
عبارت «تشبیه» دارد: «همگنان» (مشبّه) به «صدف» (مشبّه‌به) و «نقال» (مشبّه) به «مروارید»
(مشبّه‌به) تشبیه شده‌اند و «به کردار»، ادات تشبیه و «گرد بر گرد بودن»، وجه‌شبه است.
ج) پهلوان هفت خوان، اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود
«طعمه و دام»: مراعات‌نظیر / «دهان خوان هشتم»: تشخیص
● در شعر «خوان هشتم»، «رستم» نماد جوانمردان درستکاری که به مردم خدمت
می‌کنند و «شغاد» نماد ناجوانمردان حيله‌گری که تنها به خود فکر می‌کنند، هستند.
● شعر «خوان هشتم» از کتاب «در حیاط کوچک پاییز در زندان» سروده مهدی اخوان
ثالث است.

قلمرو فکری

● مقصود نقال از «قصه درده»، «کشته شدن رستم به دست برادر ناتنی‌اش شغاد و داستان
دردناک مرگ جوانمردان به دست حيله‌گران» است.
● به مناسبت موضوعی متن درس با بیت زیر توجه کنید:
یوسف، به این رهاشدن از چاه دل میند
این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند
«حضرت یوسف (ع) نیز توسط برادران خود در چاه افتاد و حسادت آنها به او باعث
گرفتاری‌اش شد. در این درس نیز برادر رستم، شغاد، او را در چاه انداخت و گرفتار کرد.»
● شعر «خوان هشتم» از نظر مضمون اجتماعی به «از بین رفتن انسان‌های درستکار
جامعه با نیرنگ حيله‌گران» تأکید دارد.

فصل ۷: ادبیات داستانی



درس چهاردهم (سی مرغ و سیمرغ)، گنج حکمت (کلان‌تراوایی‌تر)

معنی

● مجمعی کردند مرغان جهان
آنچه بودند آشکارا و نهان



قلمرو ادبی

نمادهای این درس:

مرغان	انسان‌ها	باز	وابستگی به جاه و مقام
سیمرغ	خداوند	بلبل	وابستگی به زیبایی‌های ظاهری و زودگذر
هدهد	انسان کامل و آگاه به مسیر	طاووس	کسانی که برای پادشاه، خداوند را عبادت می‌کنند.

در بیت زیر تلمیح به این داستان دیده می‌شود: «ابلیس به راهنمایی طاووس در تن مار، خود را پنهان کرد و وارد بهشت شد و آدم و حوا را وسوسه کرد تا از شجره ممنوعه بخورند. به این سبب همگی از بهشت رانده شدند.»

- طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه

آنجاست جلوه‌گاهم، اینجا چه کار دارم؟

«منطق الطیر» سروده «عطار نیشابوری» و در قالب «مثنوی» است. / «سندبادنامه» اثر «ظهیری سمرقندی» است.

قلمرو فکری

ابیات زیر به «سختی راه عشق و پرخطر بودن این مسیر» اشاره می‌کنند:

- شیرمردی باید این ره را شگرف

زانکه ره دور است و دریا زرف زرف

- نی حدیث راه پر خون می‌کند

قصه‌های عشق مجنون می‌کند

ترتیب هفت وادی را می‌توان با ترکیب «طعم آنخف» به خاطر سپرد: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا.

هر بیت زیر، یادآور یکی از هفت وادی عشق است:

- وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا

هر که فانی شد ز خود، مردانه‌ای است ← «وادی فقر و فنا»

- دل چه بندی در این سرای مجاز؟

همت پست کی رسد به فراز؟ ← «وادی طلب»

- چشم بگشا به گلیستان و بین

جلوه آب صاف در گل و خار ← «وادی توحید»

نکته‌ای که در آیه و سروده زیر دیده می‌شود این است که انسان موجود بسیار ارزشمند و بزرگی است که همه حقایق عالم را در خود جای داده است. در داستان «سی مرغ و سیمرغ» نیز همین مفهوم دیده می‌شود. پرنده‌گان پس از طی مراحل گوناگون پی می‌برند که «سیمرغ» یا «خداوند» در وجودشان بوده و فقط با گذراندن این هفت وادی، آن را در خود یافته‌اند و آموخته‌اند که باید خود را در آن محو سازند.

- «و فی الأرض آیات للموقنین و فی أنفسکم أقلّ تبصرون»

ترجمه و در روی زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است و در وجود شما [نیز] نشانه‌هایی است. پس چرا نمی‌بینید؟ (الذاریات / آیات ۲۰ و ۲۱)

- ای نسخه نامۀ الهی، که تویی

وی آینه جمال شاهی، که تویی

بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست

در خود بطلب هر آنچه خواهی، که تویی

درس شانزدهم (کباب غاز)، روان خوانی (ارمیا)

معنی

زد و ترفیع رتبه به اسم من درآمد: اتفاقاً ترفیع مقام به نام من درآمد.

درست جلوشان در آیی: خیلی خوب به آنها خدمت کنی.

بین آنها برای خوردن گرده نان، دشمنی در گرفت.

آخر الامر بر آن قرار گرفت که هر کدام از ایشان به زاد بیشتر، بدین گرده خوردن اولی‌تر: سرانجام، به این توافق رسیدند که هر کدام از آنها که سن و سال بیشتری داشته باشد، برای خوردن این گرده نان، شایسته‌تر است.

شما را چراغ فرامی‌داشتم و مادرت را اعانت می‌کردم:

برای شما چراغ نگه داشته بودم و به مادرت کمک می‌کردم.

واژگان

- استغنا: بی‌نیازی، در اصطلاح، بی‌نیازی سالک از هر چیز جز خدا
- اعانت: یاری‌دادن، یاری
- افسرده: منجمد، سرمزده
- اکتاف: جمع‌گنفت؛ اطراف، کناره‌ها
- اولی: شایسته؛ اولی‌تر؛ شایسته‌تر
- تجرید: در لغت به معنای تنهایی‌گزیدن؛ ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرب به خداوند؛ در اصطلاح تصوف، خالی‌شدن قلب سالک از آنچه جز خداست.
- تعب: رنج و سختی
- تقرید: دل را متوجه حق کردن، دل از علایق بریدن و خواست خود را فدای خواست ازلی کردن، فردشمردن و یگانه‌دانستن خدا؛ تقرید را عطار در معنی گم‌شدن عارف در معروف به کار می‌برد؛ یعنی وقتی که در توحید غرق شد، آگاهی از این گمشدگی را گم کند و به فراموشی سپارد.
- دعوی: ادعا، ادعای خواستن یا داشتن چیزی؛
- معنی و دعوی دو مفهوم مقابل و متضادند. معنی، حقیقتی است که نیاز به اثبات ندارد و دعوی لافی است تهی از معنی.
- زاد: توشه، خوردنی و آشامیدنی که در سفر همراه می‌برند.
- سروش: پیام‌آور، فرشته پیام‌آور
- شگرف: قوی، نیرومند
- شیدا: عاشق، دلدا
- صدر: طرف بالای مجلس، جایی از اتاق و مانند آن که برای نشستن بزرگان مجلس اختصاص می‌یابد؛ مجازاً ارزش و اعتبار کلان؛ دارای سن بیشتر
- گرده: قرص نان، نوعی نان
- گرم‌رو: مشتاق، به شتاب رونده و چالاک، کوشا
- مخاصمت: دشمنی، خصومت
- مصاحبت: هم‌نشینی، هم‌صحبت داشتن
- مقالات: جمع مقالت؛ گفتارها، سخنان
- وادی: سرزمین، مجازاً بیابان

املا

استغنا و بی‌نیازی، اعانت و یاری‌دادن، اعراض و روی‌گرداندن، تعب و رنج، زاد و توشه، صدر مجلس، مخاصمت و دشمنی، مصاحبت و هم‌نشینی، مقالات و سخنان

قلمرو زبانی

اجزای بیت زیر، طبق زبان معیار مرتب شده و نقش دستوری هر جزء در زیر آن آمده است:

بعد از این وادی حیرت آیدت

کار دائم درد و حسرت آیدت

بعد از این	وادی	حیرت	آید
قید	نهاد	مضاف‌الیه	فعل
کار	دائم	درد	و حسرت
نهاد	قید	مسند	معطف

در متن زیر به «نقش‌های تبعی» توجه کنید:

ما پرنده‌گان را نیز پیشوا و شهرپاری است. نامش سیمرغ است و در پس کوه

معطف

قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی آشیان دارد.

بدل



تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند: فقط همان مقام‌های بالا را دعوت کن و بقیه را فعلاً نادیده بگیر و بگذار تا بیهوده انتظار بکشند. این بدبخت‌ها سال آرزگار یک بار برایشان چنین پایی می‌افتد و شکم‌ها را مدتی است صابون زده‌اند که کباب غاز بخورند و ساعت‌شماری می‌کنند:

این بیچاره‌ها کل سال یک بار برایشان چنین فرصتی پیش می‌آید و مدتی است خود را برای خوردن کباب غاز آماده کرده‌اند و بی‌صبرانه انتظار می‌کشند.

آسمان جُل و بی دست و پا و پخمه و تا بخواهی بدریخت و بدقواره: فقیر و بی چیز و بی عرضه و بسیار زشت و بدترکیب.

به من دخلی ندارد، ماشاءالله هفت قرآن به میان، پسرعموی خودت است. هر گلی هست به سر خودت بزن:

به من ربطی ندارد. ماشاءالله، بلا به دور، پسرعموی توست. هر کاری می‌کنی خودت انجام بده. در دم ملتفت و خامت امر گردیده و پس از مدتی اندیشه و استشاره، چاره منحصریه‌فرد را در این دیدم که هر طور شده یک غاز دیگر دست و پا کنیم:

فوراً متوجه شرایط دشواری که پیش آمده بود، شدم و پس از مدتی اندیشه و مشورت کردن، تنها راه حل را این دیدم که هر طور شده یک غاز دیگر تهیه کنیم.

آثار شادی در وَجَناتش نمودار گردید:

نشانه‌های شادی در چهره‌اش پیدا شد.

چون دیدم به خوبی از عهده وظایف مقررۀ خود برمی‌آید، قلباً مسرور شدم و در باب آن مسئله معهود، خاطر م داشت به کلی آسوده می‌شد:

وقتی متوجه شدم که به خوبی وظایف سپرده‌شده خود را انجام می‌دهد، از ته دل شاد شدم و درباره آن موضوع عهدشده، کاملاً داشتم آسوده‌خاطر می‌شدم.

حالا دیگر چانه‌اش هم گرم شده و در خوش‌زبانی و حرّافی و شوخی و بذله و لطیفه، نوک جمع را چیده و متکلم و وحده و مجلس‌آرای پلامعارض شده است:

اکنون دیگر کاملاً مشغول صحبت شده بود و در خوش‌سخنی و زبان‌آوری و شوخی و لطیفه، همه را ساکت کرده بود و تنها سخنگوی مجلس شده بود.

یکی از خضار که کتّاده شعر و ادب می‌کشید چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسیده و گفت: «ای واللّه؛ حقیقتاً استادی»:

یکی از حاضران که ادعای شعر و ادب داشت آن چنان مسرور شده بود که پیش رفته، پیشانی شاعر را بوسیده و گفت: «آفرین، واقعاً استاد هستی».

شش‌دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود:

تمام توجهم به مصطفی است که مبدا بوی غاز او را از خود بی‌خود کند و اختیارش را از دست بدهد.

دیدم توطئه ما دارد می‌ماسد: متوجه شدم که نقشه ما دارد عملی می‌شود.

○ او را وهم گرفته بود: او دچار توهم شده بود.

تا جایی که چشم کار می‌کرد: تا آنجا که دیده می‌شد.

واژگان

○ آرزگار: زمانی دراز، ویژگی آنچه بلند و طولانی به نظر می‌آید.

آسمان جُل: کنایه از فقیر، بی چیز، بی خاتمان؛ جُل: پوشش به معنای مطلق

استشاره: رأی‌زنی، مشورت، نظرخواهی

استیصال: ناچاری، درماندگی

اطوار: رفتار و یا سخنی ناخوشایند و ناهنجار

اعلا: برتر، ممتاز، نفیس، برگزیده از هر چیز

امتناع: خودداری، سر باز زدن از انجام کاری یا قبول کردن سخنی

انضمام: ضمیمه کردن؛ به انضمام: به ضمیمه، به همراه

صرف کردن صیغه بَلَعْتُ، خوردن پایی‌شدن، در امری اصرار ورزیدن

پتیاره: زشت و ترسناک

پرت و پلا: بیهوده، بی‌معنی؛ به این نوع ترکیب‌ها که در آنها لفظ دوم، اغلب بی‌معنی است و برای تأکید لفظ اول می‌آید، «مرگب

اتباعی» یا «اتباع» می‌گویند.

ترفع: ارتقایافتن، رتبه‌گرفتن

تصدیق: تأییدکردن درستی حرف یا عملی، گواهی‌دادن به صحت امری

تصنّعی: ساختگی

تک و پوز: دک و پوز، به طنز، ظاهر شخص به‌ویژه سر و صورت

تبوشه: لوله سفالین یا سیمانی کوتاه که در زیر خاک یا میان دیوار می‌گذارند تا آب از آن عبور کند.

تیربار: سلاح خودکار آتشین، سنگین‌تر و بزرگ‌تر از مسلسل دستی که به وسیله نوار فشنگ تغذیه می‌شود؛ مسلسل سنگین

جبهه: پیشانی

جیر: نوعی چرم دباغی‌شده با سطح نرم و پُرزدار که در تهیه لباس، کفش، کیف و مانند آنها به کار می‌رود.

چلمن: آن که زود فریب می‌خورد؛ هالو؛ بی‌عرضه، دست‌وپاچلفتی

خضار: آنان که در جایی یا مجلسی حضور دارند؛ حاضران

حلقوم: حلق و گلو

خرت و پرت: مجموعه‌ای از اشیا، وسایل و خرده‌ریزهای کم‌ارزش

خرخره: گلو، حلقوم

خوردرفتن: ساییده‌شدن و از بین رفتن

خمره: ظرفی به شکل خُم و کوچک‌تر از آن

خفایا: جمع خفیه، مخفیگاه؛ در خفایای ذهن: در جاهای پنهان ذهن

خوش‌مشربی: خوش‌مشرّب بودن؛ خوش‌معاشرتی و خوش‌صحبتی

دورزی: بشقاب گرد بزرگ معمولاً بلبه کوتاه

دیلاق: دراز و لاغر

سرسرا: محوطه‌ای سقف‌دار در داخل خانه‌ها که در ورودی ساختمان به آن باز می‌شود و از آنجا به اتاق‌ها یا قسمت‌های دیگر می‌روند. (امروزه سرسرا را فرهنگستان

به جای واژه بیگانه «هال» و هم‌چنین واژه بیگانه «لابی» به تصویب رسانده است.)

سکندری: حالت انسان که بر اثر برخورد با مانع، کنترل خود را از دست بدهد و ممکن است به زمین بیفتد؛ سکندری‌خوردن:

حالت سکندری برای کسی پیش‌آمدن

شبان، چوپان

شخیص: بزرگ و ارجمند

شرف‌یاب شدن: آمدن به نزد شخص محترم و عالی‌قدر، به حضور شخص محترمی رسیدن

شش‌دانگ: به طور کامل، تمام

شکوم: شگون، میمنت، خجستگی، چیزی را به فال نیک گرفتن

شیء عَجَابٌ: اشاره به آیه «إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ»؛ معمولاً برای اشاره به امری شگفت به کار می‌رود.

صله آرحام: به دیدار خویشاوندان رفتن و از آنان احوال‌پرسی کردن

عاریه: آنچه به امانت بگیرند و پس از رفع نیاز، آن را پس دهند.

علامه: آن که درباره رشته‌ای از معارف بشری دانش و آگاهی بسیار دارد.

غلیان: جوشش عواطف و احساسات، شدت هیجان عاطفی

قطعه بعد آخری: تگه‌ای بعد از تگه دیگر

کاهدان: انبارگاه

کأن لم یکن شیئاً مذکوراً: بخشی از آیه اول سوره دهر است به معنی «چیزی قابل ذکر نبود»؛ در این داستان یعنی تمام خوراکی‌ها سر به نیست شد.

کتّاده: وسیله‌ای کمّانی‌شکل در زورخانه از جنس آهن که در یک طرف آن رشته‌ای از زنجیر یا حلقه‌های آهنی متعدّد قرار دارد؛ کتّاده چیزی را کشیدن، ادعای چیزی داشتن، خواستار چیزی بودن.

کتل: پشته، تپه

کلاشینکف: سلاحی در انواع خودکار و نیمه‌خودکار، دارای دستگاه نشانه‌زوی مکانیکی و دو نوع قنداق ثابت و تاشو؛ برگرفته از نام اسلحه‌ساز روسی.

کَلک: آتشدانی از فلز یا سفال؛ کَلک چیزی را کندن، کنایه از نابودکردن چیزی

کنده: تنه بریده‌شده درخت که شاخ و برگ آن قطع شده است؛ هیزم

لطیفه: گفتار نغز، مطلب نیکو، نکته‌ای باریک

ماسیدن: کنایه از به انجام رسیدن، به ثمر رسیدن

ما یَتَعَلَّقُ به: آنچه بدان وابسته است.

مایحتوی: آنچه درون چیزی است

مفترعات: شاخه‌ها، شعبه‌ها (در متن درس به معنی متعلقات به کار رفته است.)

متکلم وحده: آن که در جمعی، تنها کسی باشد که سخن می‌گوید.

مجلس‌آرا: آن که، که با حضور خود



دانست؛ در متن روان خوانی (ارمیا) نیز، رزمندگان همین عقیده را دارند و زمانی که به سوی دشمن شلیک می کنند، نه خود را بلکه خداوند را فاعل حقیقی می دانند:

- «وَمَا زَمَيْتُ إِذْ زَمَيْتُ وَلَكِنَّ اللَّهَ زَمَى»

ترجمه و هنگامی که تیر افکندی، این تو نبودی بلکه خدا بود که تیر افکند. (انفال / آیه ۱۷)

- ز یزدان دان، نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد

که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی

فصل ۸: ادبیات جهان

درس هفدهم (خنده تو)، گنج حکمت (مسافر)

معنی

- نان را از من بگیر، اگر می خواهی / هوا را از من بگیر، اما / خندهات را نه: اگر می خواهی، خوراک را و نفس کشیدن را از من بگیر، اما خندهات را بگیر. گل سرخ را از من بگیر / سوسنی را که می کاری: خندهات را که به زیبایی گل سرخ است از من بگیر، خندهای که مانند سوسنی آن را می کاری. اما خندهات که رها می شود / و پروازکنان در آسمان مرا می جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می گشاید: اما وقتی می خندی و خندهات به سراغ من می آید، زندگی واقعی را به من نشان می دهد. و اگر دیدی، به ناگاه / خون من بر سنگ فرش خیابان جاری ست، / بخند: زیرا خنده تو / برای دستان من / شمشیری است آخته: و اگر ناگهان دیدی که خون من روی سنگ فرش خیابان ریخته است، بخند: زیرا خنده تو برای دستان من همانند شمشیری بیرون کشیده، نیروبخش است.
- دلم می خواهد بر بال های باد بنشینم و آنچه را که پروردگار جهان پدید آورده، زیر پا گذارم تا مگر روزی به پایان این دریای بی کران رسم و بدان سرزمین که خداوند، سرحد جهان خلقتش قرار داده است. فرود آیم: آرزو دارم که با باد همراه شوم و از هر چه که خداوند آفریده عبور کنم، شاید روزی به پایان این آفرینش بی انتها برسم و در سرزمینی که خداوند، مرز جهان آفرینش قرار داده، فرود بیایم.
- ای فکر دور پرواز من، بال های عقاب آسایت را از پرواز بازدار و تو ای کشتی تندرو خیال من، همین جا لنگر انداز: ای خیال بلندی خواه من، مانع پرواز بال های عقاب مانند خود شو و تو ای خیال تیزرو من، همین جا توقف کن.

واژگان

- آخته: بیرون کشیده، برکشیده
- ذی حیات، دارای حیات، زنده، جاندار
- دستاورد، نتیجه، پیامد، حاصل آنچه با تلاش
- سرحد، مرز، کرانه
- به دست آید.
- غایی: منسوب به غایت، نهایی

املا

● ذی حیات، سرحد، غایی

قلمرو زبانی

- در زبان فارسی «ان» گاه بر مفهوم «جمع» دلالت نمی کند. مانند: **سحرگاهان**: هنگام سحر / **دیلمان**: مکان دیلم ها، مکان زندگی مردم دیلم / **کوهان**: مانند کوه، در کوهان شتر / **کاوین**: منسوب به «کاو» / **خواهان** (صفت فاعلی) / **بهاران**: هنگام بهار / **خاوران**: مکان خاور (شرق)، محل طلوع خورشید (مشرق) / **بابکان**: منسوب به «بابک» / **خندان** (صفت فاعلی)

سبب رونق مجلس و شادی یا سرگرمی حاضران آن می شود؛ بزم آرا
محظور: مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل؛
در محظور گیر کردن: گرفتاری پیدا کردن،
در مقابل امر ناخوشایند قرار گرفتن (املای
این واژه به صورت محذور نیز آمده است).
محظوظ: بهره ور
مخلفات: چیزهایی که به یک ماده خوردنی
اضافه می شود یا به عنوان چاشنی و مزه
در کنار آن قرار می گیرد.
مضغ: جویدن
مُعوَج: کج

معهود: عهد شده، شناخته شده، معمول
نامعقول: آنچه از روی عقل نیست؛
برخلاف عقل
واتر قیدن: تنزل کردن، پس روی کردن
وجنات: صورت، چهره
ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی
می دهند.
هم قطار: هر یک از دو یا چند نفری که از
نظر درجه، رتبه و یا موقعیت اجتماعی در
یک ردیف هستند.
هویدا: روشن، آشکار

املا

- استشاره، استیصال، اطوار، امتناع، انضمام، بحبوحه، بدقواره، بذله، پلامعارض، حُضار، دیلاق، صلۀ أرحام، عاریه، مایحتوی، متکلم وحده، محظوظ، معهود، وخامت، هویدا

قلمرو زبانی

- در عبارت زیر به «مفعول» و «مسند» دقت کنید:
آثار شادی در وجناتش نمودار گردید. **گفتم: «چرا نمی آیی بنشینی؟»**
مفعول (برای فعل گفتم) مسند
- حرف ربط یا پیوند دو گونه است:
الف) پیوندهای وابسته ساز: همراه با جمله های وابسته به کار می روند؛ نمونه: همه حُضار یک صدا تصدیق کردند که تخلصی بس به جاست.
پیوندهای وابسته ساز پر کاربرد عبارتند از: «که، چون، تا، اگر، زیرا، همین که، گرچه، با اینکه، ...»
- ب) پیوندهای هم پایه ساز:** بین دو جمله هم پایه به کار می روند؛ نمونه: رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش.
پیوندهای هم پایه ساز پر کاربرد عبارتند از: «و، اما، یا، ولی»

قلمرو ادبی

- به کنایه های زیر و مفهوم آنها توجه کنید:
پشت دست داغ کردن: به شدت پشیمان شدن از انجام کاری و توبه کردن از تکرار آن؛ سماق مکیدن: بیهوده انتظار کشیدن؛ چند مرده حلاج بودن: میزان توانایی خود را نشان دادن
- در داستان «کباب غاز» نویسنده با استفاده از زبان عامیانه، کاربرد کنایه های قراوان و لحن طنز آمیز بر تأثیر گذاری داستان افزوده است.
- داستان «کباب غاز» نوشته «محمد علی جمال زاده» و کتاب «ارمیا» اثر «رضا میرخانی» است.

قلمرو فکری

- نویسنده در داستان «کباب غاز»، از «شانه خالی کردن از انجام وظایف خود و سپردن آن به افراد نالایق» انتقاد کرده است.
- مقصود بیت و مثل زیر «خود را در عملی مقصردانستن» است:
- گلّه ما را گله از گرگ نیست
کاین همه بیداد شبان می کند
- از ماست که بر ماست.
- مقصود بیت و مثل زیر «نداشتن امکان جبران برای عملی انجام شده» است:
- سخنی گفته دگر باز نیاید به دهن
اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد
- تیری که از شست رفته باز نمی گردد.
- مفهوم مشترک آیه شریفه و بیت زیر آن است که «خداوند را باید فاعل حقیقی کارها



قلمرو ادبی

در این بخش «نان را از من بگیر اگر می‌خواهی، / هوا را از من بگیر، اقا / خنده‌ات را نه / گل سرخ را از من بگیر، «نان» نماد «لوازم زندگی»، «هوا» نماد «زندگی» و «گل سرخ» نماد «زیبایی» است.

به آرایه‌های ادبی متن زیر دقت کنید:

«... اقا خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید»

«رها می‌شود، پروازکنان، مرا می‌جوید و درها را می‌گشاید» برای «خنده» آمده و «تشخیص» دارد. / «درهای زندگی»: استعاره / «در زندگی را به روی کسی گشودن»: کنایه از امیدبخشیدن به آن شخص

«هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه» سروده «پابلو نرودا» و «مسافر» از نوشته‌های «یوهان کریستف فریدریش شیلر» است.

قلمرو فکری

مفهوم مشترکی که در متن درس و سروده زیر دیده می‌شود، این است که «لیخنزدن و شادبودن جهان را زیباتر از آنچه هست، به ما نشان می‌دهد»:

چه خوش فرمود آن پیر خردمند

وزین خوش‌تر نباشد در جهان پند

اگر خونین‌دلی از جور ایام

«لب خندان بی‌اور چون لب جام»

چو گل هر جا که لبخند آفرینی

به هر سو رو کنی لبخند بینی

مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم

به هر حالت تبسم کن، تبسم

درس هجدهم (عشق جاودانی)، روان خوانی (آخرین درس)، دیابیش

معنی

آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد، / اقا جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟:

آیا چیزی در پندار انسان وجود دارد که کسی بتواند آن را بنویسد، اقا جان راستگوی من آن را برای تو ننوشته باشد؟

چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟ / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟:

چه حرف تازه‌ای برای گفتن یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن باقی مانده است که بتواند عشق من یا خلق و خوی نیک تو را بیان کند؟

این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد، / و نه اهمیتی به چین و شکن‌های ناگزیر سالخورده‌گی می‌دهد:

این‌گونه است که عشق همیشگی، همواره معشوق را جوان می‌بیند و توجهی به نشانه‌های پیری ندارد و به چین و چروک ناگزیر پیری اهمیتی نمی‌دهد.

من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلم واقع گردم:

می‌ترسیدم که معلم، مرا سرزنش کند.

باز برای ما چه خوابی دیده‌اند؟ دوباره برای ما چه نقشه‌ای کشیده‌اند؟

ما را وداع کند: با ما خداحافظی کند.

بر ما حالتی غریب دست داد: دچار حالت عجیبی شدیم.

اما بغض و اندوه، صدا را در گلویش شکست، نتوانست سخن خود را تمام کند:

اما غم و اندوه، مانع سخن‌گفتنش شد، نتوانست سخن خود را کامل کند.

الهی سینه‌ای ده آتش‌افروز

در آن سینه دلی وان همه سوز خداوندا، وجودی سرشار از عشق به من عطا کن و در آن دلی قرار بده که سراسر سوز عشق باشد.

کرامت کن درونی دردپرورد

دلی در وی درون درد و برون درد باطنی پر از رنج عشق به من عطا کن، دلی که سراسر درد عشق باشد.

به سوزی ده کلامم را روایی

کز آن گرمی کند آتش گدایی با سوز عشق به سخنم ارزش و اعتبار بده، آن‌گونه که از آتش هم سوزنده‌تر گردد.

اگر لطف تو نبُود پرتوانداز

کجا فکر و کجا گنجینه راز؟ اگر مهربانی تو روشن‌کننده این مسیر نباشد، فکر نمی‌تواند به رازهای زندگی پی ببرد.

واژگان

ابهت، بزرگی و شکوه که سبب احترام یا ترس دیگران می‌شود. سجایا، جمع سجه؛ خواها، خُلق‌ها و خصلت‌ها صحیفه، کتاب

اعلان، آشکارکردن چیزی و باخبرساختن مردم از آن

عتاب، سرزنش، ملامت، تندى غرس، نشانیدن و کاشتن درخت و گیاه

اهتمام، کوشش، سعی، همت‌گماشتن؛ اهتمام‌ورزیدن در کاری؛ همت‌گماشتن به انجام‌دادن آن

کتابت، نوشتن، تحریر، خوشنویسی کفایت، کافی، بسنده

بیشه، زمینی که در آن به طور طبیعی گیاهان خودرو و درخت رویده باشد.

متنبه‌شدن، به زشتی عمل خود پی‌بردن و پندگرفتن

تسکین، آرامش، آرام‌کردن

مخیله، خیال، قوه تخیل، ذهن

تسکین، آرامش، آرام‌کردن

مُعمر، سالخورده

تسکین، آرامش، آرام‌کردن

افسرده، بی‌بهره از معنویت، بی ذوق و حال

تسکین، آرامش، آرام‌کردن

جبین، پیشانی

تسکین، آرامش، آرام‌کردن

روایی، ارزش، اعتبار

تسکین، آرامش، آرام‌کردن

ابتهت و شکوه، اهتمام و کوشش، صحیفه، غرس و کاشتن، متنبه‌شدن، مُعمر و سالخورده

در عبارت «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟» فعل «مانده است» از پایان جمله دوم به «قرینه لفظی» حذف شده است.

قلمرو ادبی

در سروده «عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند / و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد، و نه اهمیتی به چین و شکن‌های ناگزیر سالخورده‌گی می‌دهد، می‌بیند»، «توجهی ندارد» و «اهمیتی نمی‌دهد» برای «عشق» آمده و «تشخیص» است.

«غزلواره» اثر «شکسپیر» و کتاب «قصه‌های دوشنبه» اثر «آلفونس دوده» با ترجمه «عبدالحسین ززین کوب» است.

قلمرو فکری

شکسپیر برای «عشق جاودانی»، این ویژگی‌ها را برمی‌شمارد: «همواره معشوق را جوان می‌بیند، عشق قدیم را موضوع سخنان (شعر) خود قرار می‌دهد و با گذر زمان کهنه نمی‌شود.»

با توجه به شرایط ایجاد شده در کشور به علت بیماری کرونا، بازمبندی این امتحان نهایی با سال‌های گذشته متفاوت است.

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)	ردیف
نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۹					
بخش الزامی: دانش‌آموز عزیز، به سوالات ۱ تا ۳۲ برای کسب (۱۶ نمره) پاسخ دهید.					
قلمرو زبانی (۵/۵ نمره)					
۱				معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست ب) گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟» پ) پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند نثار کند. ت) کزین کوه آتش نیابم تپش	۱
۰/۲۵				برای واژه مشخص شده مصراع «سریر ملک عطا داد کردگار تو را»، یک برابر معنایی از بیت زیر، بیابید. «برکش ز سر این سپید معجر بنشین به یکی کبود اورنند»	۲
۰/۲۵				متضاد واژه «یکرنگی» در کدام گزینه دیده می‌شود؟ (۱) که نبایستی بگوید هیچ/ بس که بی‌شرمانه و پست است این تزویر (۲) و بررسی راست، گویم راست / قضا بی‌شک راست می‌گوید (۳) و صدای شوم و نامردانه‌اش در چاهسار گوش می‌پیچید (۴) خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان / خواه روز جنگ و خورده بهر کین سوگند	۳
۰/۵				املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) که دوزخ مرا زین سخن گشت (خوار / خار) ب) واصفان حلیه جمالش به تحیر (منسوب / منسوب).	۴
۰/۲۵				در همه گزینه‌ها، به جز گزینه نادرستی املايي دیده می‌شود. (۱) بچه‌ها هم انگار از دست آن ذله شده بودند و تکبیر می‌گفتند. (۲) تنها و تنها برای تعلیم گرفتن، شبه شما را در میان تاریکی تعقیب می‌کردم. (۳) عمق گودال آن قدر نبود که بتواند جسده آدمی را در خود بگیرد. (۴) به سمت خاک‌ریز می‌رفتند و آخرین رمغ‌هایشان را در آخرین فشنگ‌هایشان می‌ریختند.	۵
۰/۷۵				در گروه کلمه‌های زیر، سه مورد نادرستی املايي وجود دارد؛ درست هر یک را بنویسید. بائق و بلند - فخر و مباحات - بساط تحویه - روزه خوانی و نوحه‌سرایي - سورت سرمای دی - بی‌خردان سفله	۶
۰/۲۵				در بیت زیر، نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش» را بنویسید. «چو بشنید خسرو از آن شاد گشت روانش ز اندیشه آزاد گشت»	۷
۰/۵				در نوشته زیر، نوع وابسته وابسته مشخص شده را تعیین کنید. بر بالای آن، با خط بسیار روشن، دو سطر مطلب زیبا نوشته شده بود.	۸
۰/۲۵				الگوی ساخت همه گزینه‌ها، به جز جمله گزینه «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است. (۱) عشق حقیقی، دل و جان را پاک می‌گرداند. (۲) محبت به‌غایت را عشق خوانند. (۳) برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند. (۴) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.	۹
۰/۵				با توجه به نوشته زیر، درستی یا نادرستی موارد داده شده را تعیین کنید. «عشق کردم از این که فهمیده‌اید، انهدام آن تیربار، کار من بوده است.» الف) زمان هر دو فعل «فهمیده‌اید» و «بوده است»، ماضی نقلی است. ب) در گروه اسمی «انهدام آن تیربار»، واژه «تیربار» هسته گروه اسمی است.	۱۰
۰/۵				نوع حرف «و» (ربط، عطف) را در هر یک از مصراع‌های زیر مشخص کنید. الف) امروز می‌آید از باغ بوی بهار من و تو ب) دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ	۱۱
۰/۵				در هر یک از موارد زیر، نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید. الف) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت ب) پرندگان، جملگی مشتاق دیدار سیمرغ شدند.	۱۲

ردیف	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۹				
	<u>قلمرو ادبی (۴ نمره)</u>				
۱۳	مصراع دوم هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید. الف) وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند ب) ماه آمده به دیدن خورشید، صبح زود ج) تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی				۱/۵
۱۴	آرایه ذکرشده در مقابل همه ابیات، به جز گزینه درست است. ۱) چه غم دیوار است را که دارد چون تو پشتیبان ۲) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» ۳) در دفتر زمانه فتد نامش از قلم ۴) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است	چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان (اسلوب معادله) گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست» (تضاد) هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت (کنایه) ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت (ایهام)			-/۲۵
۱۵	در کدام یک از بیت‌های زیر آرایه «حسن تعلیل» وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید. ۱) تا چشم بشر نبیندت روی ۲) برگن ز بن این بنا که باید	بنهفته به ابر، چهر دلبند از ریشه بنای ظلم برکند			-/۵
۱۶	در بیت زیر، آرایه درست را از کمانک مقابل آن، انتخاب کنید. آتش عشق است کاندر نی فتاد جوشش عشق است کاندر می فتاد (تشبیه/ جناس همسان)				-/۲۵
۱۷	در بیت زیر، مفهوم نمادین «رود» و «دریا» را بنویسید. «چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو»				-/۵
۱۸	درباره «تلمیح» به کاررفته در بیت زیر، یک سطر توضیح دهید. «طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه آنجاست جلوه گاهم، این جا چه کار دارم؟»				-/۵
۱۹	نام پدیدآورنده هر یک از آثار زیر را بنویسید. الف) فی حقیقة العشق: ب) سانتاماریا:				-/۵
	<u>قلمرو فکری (۶/۵ نمره)</u>				
۲۰	معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید. عشق به همه جایی ماوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.				-/۵
۲۱	یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.				-/۵
۲۲	مزیان را بر انگاره عشق آبادش ساخته‌اند و هنوز بر همان مهر و نشان است که بود.				-/۵
۲۳	کز این دو یکی گر شود نابه‌کار از آن پس که خواند مرا شهریار!؟				-/۵
۲۴	شیرمرد عرصه ناوردهای هول / ... / طعمه دام و دهان خون هشتم بود				-/۷۵
۲۵	صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشید، تو				-/۷۵
۲۶	به پرسش‌های مربوط به درک مطلب پاسخ دهید. نوشته «از بیم عقرب جراره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد»، کدام یک از ضرب‌المثل‌های زیر را به یاد می‌آورد؟ ۱) دست بالای دست بسیار است. ۲) از چاله به چاه افتاد.				-/۲۵

شماره	فارسی (۳)	کلید رشته‌ها	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
ردیف	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۹			
۲۷	متن‌های زیر، بر چه مفهوم مشترکی تأکید دارند؟ ● «در کف‌ها کاسه زیبایی، / بر لب‌ها تلخی دانایی / شهر تو جای دگر / ره می‌بر با پای دگر» ● «آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد.»			۰/۵
۲۸	مفهوم کلی مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. «گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی گفت: ای بیهوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست»			۰/۲۵
۲۹	در شعر زیر، شاعر دلیل بیدار شدن هر ساله نوبهار را چه می‌داند؟ هر سال چون نوبهار خرم تا باز کند به روی عالم از لاله دهد به سبزه زیور بیدار شود ز خواب نوشین دیباچه خاطرات شیرین ای دوست مرا به خاطر آور			۰/۵
۳۰	مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید. الف) شو منفجر ای دل زمانه ب) دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ وان آتش خود نهفته میسند برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟			۰/۵
۳۱	با توجه به بیت زیر، رفتار سرنوشت با آزادگان چگونه است؟ «ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست»			۰/۵
۳۲	با توجه به بیت «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت»، در نظر خردمندان چه کسی محترم است؟			۰/۵
بخش انتخابی (۸ نمره): دانش‌آموز عزیز، برای کسب (۴ نمره) از سوالات ۳۳ تا ۴۸، فقط ۸ سؤال را به دلخواه انتخاب کرده و پاسخ دهید.				
<u>قلمرو زبانی (۳ نمره)</u>				
۳۳	با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌های داده‌شده، پاسخ دهید. «تو قلب فسرده زمینی بفکن ز پی این اساس تزویر الف) نوع کدام یک از ترکیب‌های «قلب فسرده» و «قلب زمین»، اضافی است؟ ب) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید و بنویسید.			۰/۵
۳۴	در سروده «رخش بی‌مانند، با هزارش یادبود خوب خوابیده است» الف) در گروه اسمی «هزارش یادبود خوب»، هسته گروه اسمی را تعیین کنید. ب) در گروه اسمی «رخش بی‌مانند»، نوع وابسته پسین را بنویسید.			۰/۵
۳۵	در بیت: «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار الف) کدام فعل حذف شده است؟ ب) نوع حذف را بنویسید.			۰/۵
۳۶	با توجه به نوشته زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون و شغافوت مردم دون و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود.» الف) معنای واژه «دون» چیست؟ ب) در کدام واژه «نادرستی املائی» دیده می‌شود؟			۰/۵
۳۷	با توجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید. «و در بهاران، عشق من! / خنده‌ات را می‌خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم» الف) مفهوم «ان» را در واژه «بهاران» بنویسید. ب) مرجع ضمیر شخصی پیوسته «ش» در واژه انتظارش چیست؟			۰/۵

شماره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)
ردیف	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۹۹			
۳۸	۰/۵	در هر یک از جمله‌های مرکب زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. الف) اگر امروز بیشتر از این به ما بخورانید، همین جا وبال جانت می‌گردیم. ب) جامه‌ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.		
<u>قلمرو ادبی (۲ نمره)</u>				
۳۹	۰/۵	در سروده «مرد نقال - آن صدایش گرم / نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می‌رفت و سخن می‌گفت /» الف) در ترکیب «صدایش گرم»، کدام آرایه ادبی وجود دارد؟ ب) واژه‌های «نای» و «دم» کدام آرایه ادبی را ایجاد کرده است؟		
۴۰	۰/۵	در سروده «اما خنده‌ات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید» الف) ترکیب «درهای زندگی»، یک اضافه استعاری است یا تشبیهی؟ ب) مفهوم کنایه «در به روی کسی گشودن» را بنویسید.		
۴۱	۰/۵	در بین آثار زیر، نام پدیدآورنده دو اثر در مقابل آن درست نوشته شده است: آن دو را مشخص کنید. (فیه ما فیه: مولوی) - (منطق الطیر: سنایی غزنوی) - (قصه شیرین فرهاد: ابوالقاسم لاهوتی) - (تیرانا: محمدرضا رحمانی) - (دری به خانه خورشید: احمد عربلو)		
۴۲	۰/۵	نام پدیدآورنده هر یک از آثار زیر را بنویسید. الف) قصه‌های دوشنبه: ب) ارمیا:		
<u>قلمرو فکری (۳ نمره)</u>				
۴۳	۰/۵	معنی هر یک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید. «سَرّ من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست»		
۴۴	۰/۵	مرغان جملگی شیدا شدند؛ بهانه‌ها یک سو نهادند.		
۴۵	۰/۵	(عشق جاودانی) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.		
۴۶	۰/۵	در هر یک از موارد زیر، مفهوم بخش‌های مشخص شده را بنویسید. الف) در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه گوزه یکی شده بودیم. ب) پشت دستم را داغ کردم که تا من باشم دیگر پیرامون ترفیع رتبه نگردم.		
۴۷	۰/۵	در جدول زیر، هر یک از متن‌ها با کدام یک از مفاهیم مقابل خود، تناسب معنایی دارد؟		
		الف	«ستاره ضعیفی در شبستان تیره و تار درونم درخشیدن گرفت.»	(۱) امیدوار شدن (۲) رهاشدن از ضعف و ناتوانی
		ب	«اگر خونین‌دلی از جور ایام لب خندان بیاور چون لب جام»	(۱) بردباری در برابر مشکلات روزگار (۲) توصیه به شادی در هنگام سختی
۴۸	۰/۵	با توجه به بیت «جهاندار، سودابه را پیش خواند / همی با سیاوش به گفتن نشانده» الف) منظور از «جهاندار» کیست؟ ب) معادل امروزی «با سیاوش به گفتن نشانده»، چیست؟		
۲۴	جمع نمرات	موفق باشید		



پاسخ نامه امتحان نهایی خرداد ۹۹

الف) بخش الزامی

- ۱- الف) پوشیده، پنهان
ج) ضربه، ضربه زدن
د) اضطراب ناشی از گرما و حرارت، گرمی و حرارت
۲- آورند
۳- گزینه «۱» (با واژه تزویر)
۴- الف) خوار
۵- گزینه «۱»؛ بچه‌ها هم انگار از دست آن ذله شده بودند و تکبیر می‌گفتند.
غلط‌های املائی گزینه‌ها:
گزینه (۲): شبه = شب
گزینه (۴): رمغ = رمق
۶- باثق و بلند: باسق
روزه‌خوانی و نوحه‌سرایی: روضه
۷- مضاف‌الیه
۸- بسیار: قید صفت
۹- الگوی گزینه «۴» به صورت «نهاد + مسند + فعل» است. «آمد» به معنای «شد» استنادی است.
۱۰- الف) درست
۱۱- الف) عطف
۱۲- الف) مفعول
۱۳- الف) تا در زمانه باقی است آواز باد و باران
ب) خورشید رفته است سر شب سراغ ماه
ج) فدای نام تو بود و نبودم؛ میهن ای میهن!
۱۴- گزینه «۴»؛ در این بیت هیچ واژه دومی معنایی وجود ندارد.
۱۵- گزینه «۱»؛ شاعر ارتفاع قلّه دماوند را برای این می‌داند که می‌خواهد مردم صورتش را نبینند.
۱۶- تشبیه (تشبیه عشق به آتش)
۱۷- رود: جریان‌های انقلابی
دریا: وحدت و یکپارچگی
۱۸- اشاره به این باور که طاووس پرنده‌ای بهشتی بوده است، اما به خاطر همدستی با ابلیس رانده شده است.
۱۹- الف) شهاب‌الدین سهروردی
ب) مهدی شجاعی
۲۰- عشق در هر جایی پناه نمی‌گیرد (عشق در دل هر کسی جای نمی‌گیرد) و به چشم هر کسی نمایان نمی‌شود.
۲۱- یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه و توجه به حق بود.
۲۲- مزینان را به طرح و نقشه عشق آباد ساخته‌اند و از قدیم هیچ تغییری نکرده است. (هنوز به همان شکل و طرح قدیم است).
۲۳- اگر یکی از این دو نفر (سودابه یا سیاوش) گناهکار شناخته شود، پس از آن کسی من را پادشاه نمی‌شمارد.

- ۲۴- رستم، پهلوان میدان نبردهای هراسناک، در چاه (دام مرگ) گرفتار شده بود.
۲۵- در مرحله فنا (هفتم) همه پدیده‌هایی که سایه‌هایی بر چهره خداوند بودند، با آشکارشدن خورشید حق، از بین می‌روند و حق آشکار می‌گردد.
۲۶- گزینه «۲»؛ از چاله به چاه افتاد.
۲۷- عقل و نگاه عاقلانه، زیبایی پدیده‌های هستی را زایل می‌کند. (نفی خرد در نگاه به زیبایی‌های جهان)
۲۸- گناه، کم یا زیاد آن، هر دو ناپسند است.
۲۹- برای یادآوری خاطرات شیرین مردم جهان
۳۰- توصیه به اعتراض یا ترک سلوک یا آشکار ساختن حرف درون
۳۱- روزگار و فلک، همه انسان‌های آزاده را مورد آسیب و رنجش قرار می‌دهد.
۳۲- کسی که به افکار مردم جامعه احترام بگذارد.

ب) بخش انتخابی

- ۳۳- الف) «قلب زمین»
ب) این اساس یا این نژاد یا این پیوند
۳۴- الف) یادبود
ب) صفت
۳۵- الف) هستند (فعل اسنادی)
ب) معنوی
۳۶- الف) پست و فرومایه
ب) شقاوت: شقاوت
۳۷- الف) زمان (هنگام بهار)
ب) گل
۳۸- الف) امروز بیشتر از این به ما بخورانید.
ب) درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.
۳۹- الف) حس آمیزی
ب) مجاز
۴۰- الف) اضافه استعاری
ب) یاری کردن، امیدوار ساختن
۴۱- (فیه ما فیه: مولوی)
(تیرانا: محمدرضا رحمانی)
۴۲- الف) آلفونس دوده
ب) رضا امیرخانی
۴۳- راز من را از ناله‌های عارفانه من می‌توان دریافت؛ اما چشم و گوش ظاهری توان درک آن را ندارد.
۴۴- همه پرنده‌گان عاشق (دیدار سیمرغ) شدند و بهانه‌جویی را کنار گذاشتند.
۴۵- عاشق واقعی همیشه زیبایی‌های عشق اول و قدیم را، موضوع کتاب یا دیوان شعر خود قرار می‌دهد.
۴۶- الف) صمیمی شده بودیم.
ب) پشیمان شدن از کاری
۴۷- الف) گزینه «۱»؛ امیدوار شدن
ب) گزینه «۲»؛ توصیه به شادی در هنگام سختی
۴۸- الف) کیکاووس (پدر سیاوش)
ب) روبه‌رو کرد



مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار

راه‌های ارتباطی مرکز مشاوره

تلگرام

اینستاگرام

وبسایت




AlirezaAfsharOfficial

AlirezaAfsharOriginal

www.AlirezaAfshar.org

رزور مشاوره خصوصی علیرضا افشار

برای رزور مشاوره خصوصی تک جلسه و ماهانه
به شماره ۰۹۳۵۸۹۶۰۵۰۳ در واتساپ  پیام دهید

Afshar.xyz

آدرس تمام رسانه ها :

